

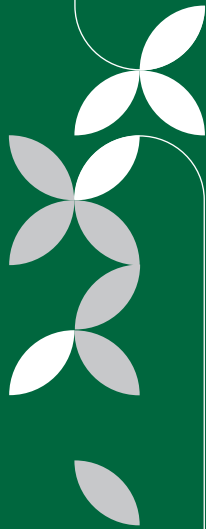
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

راهنمای
گردشگری
کشاورزی
استان قزوین



استان قزوین

گردآوری: شکوفا آفاسیان



وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِن طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِّنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ انظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَلِكُمْ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

و اوست که از آسمان، آبی فرو فرستاد و بدان هر گونه گیاه بر آوردیم، و از آن جوانه سبز رویانیدیم و از آن دانه‌های در هم رسته بیرون آوردیم، و از شکوفه خرما خوشه‌های دسترس و باغ‌های انگور و زیتون و انار که همانند و ناهمانند هستند؛ به میوه‌های آن چون میوه دهد و برسد بنگرید؛ در این برای اهل ایمان، مایه‌های عبرت است.

سوره انعام- آیه ۹۹



یافته‌های باستان‌شناسی در استان قزوین نشان از تمدنی ده هزار ساله دارد و مرحله یکجانشینی و کشاورزی و برخورداری از نظام اجتماعی متمدن در کاوش‌های دشت قزوین به اثبات رسیده است. قزوین از جمله مراکز مهم تمدن پیش از تاریخ بوده و زیستگاه‌های متعدد انسانی در بررسی‌های تپه‌های تاریخی سگزآباد، قبرستان و زاغه در بوئین‌زهره به دست آمده است. کشف فنون کشاورزی در تکامل و تمدن، عصر جدیدی را رقم زده و این فنون به قدری نظام مند و دقیق پیش رفته است که با وجود گذشت هزاره‌ها، هنوز به شکلی باورگونه و آمیخته با تار و پود زندگی انسان زراعت پیشه، کاربردی و هدفمند و قابل اجراییند. اهمیت کشاورزی به گونه‌ای است که زمینه را برای نوع جدیدی از درآمد ایجاد کرده است: گردشگری کشاورزی.

تنوع اقلیم و محصول در قزوین و پیشینه تاریخی آن، ظرفیت مناسبی را برای توسعه این نوع از گردشگری در استان ایجاد کرده است. تولید انواع محصولات کشاورزی و باغی در مناطق مختلف استان در کنار باغستان قزوین که نمادی از تعامل دیرینه انسان و طبیعت است، دلیلی بود بر تدوین و معرفی آنچه پیش روست: کتابچه راهنمای گردشگری کشاورزی برای علاقمندان به تاریخ و طبیعت این مرز و بوم.

علیرضا خزائلی

مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان قزوین

مقدمه

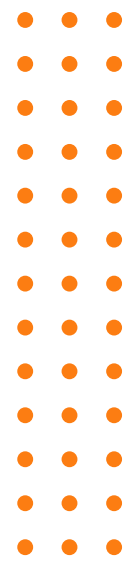
در ادامه معرفی ظرفیت‌های گردشگری استان قزوین به صورت موضوعی، پس از کتاب‌های راهنمای گردشگری طبیعی و گردشگری مذهبی، بر آن شدیم تا کتاب راهنمای گردشگری کشاورزی را تدوین نماییم. گردشگری کشاورزی در ایران هنوز نوپاست. در استان قزوین نیز با وجود صدور چندین مجوز گردشگری کشاورزی، معرفی ظرفیت‌های استان با توجه به تنوع محصولات کشاورزی و باغی، اقلیم چنگانه، جشنواره‌های محصول و رویدادهای مرتبط، ضروری به نظر می‌رسید.

در کتاب پیش رو، پس از معرفی استان قزوین به صورت خلاصه، به معرفی مصادیق گردشگری کشاورزی و آیین نامه مرتبط با آن، ابزار و ادوات سنتی کشاورزی، عشایر استان، دانش تقسیم آب و کاریزها، باغستان قزوین، آداب و رسوم و جشنواره‌ها، نمادها و نشانه‌های هنرهای سنتی استان مرتبط با کشاورزی و ... پرداخته شده است. در انتها مسیرهای گردشگری کشاورزی منضم به QR CODE برای علاقمندان پیشنهاد شده است. ذکر این نکته ضروری است که کشاورزی و تاریخچه آن بسیار گسترده است و آنچه تدوین شده مختصری است برای راهنمایی و مطالعات موضوعی بیشتر و قطعاً خالی از کاستی نیست. امید است که مفید فایده قرارگیرد. تصاویر مربوط به آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان است به جز برخی تصاویر که نام عکاس در کنار آن درج شده است.



فهرست

فصل ۱- معرفی استان قزوین.....	۱
فصل ۲- تاریخچه کشاورزی و دامپروری.....	۳۵
فصل ۳- گردشگری کشاورزی و دستورالعمل آن.....	۴۳
فصل ۴- فناوری‌های بومی کشاورزی و دانش تقسیم آب.....	۵۵
فصل ۵- فرهنگ و اعتقادات.....	۱۰۱
فصل ۶- پوشش گیاهی و گیاهان دارویی.....	۱۱۵
فصل ۷- محصولات کشاورزی، رویدادها و جشنواره‌ها.....	۱۳۱
فصل ۸- نقش‌ها و نمادها در هنرهای سنتی.....	۱۵۱
فصل ۹- آثار طبیعی ثبت شده.....	۱۷۳
فصل ۱۰- مسیرهای پیشنهادی گردشگری کشاورزی و روستاهای مستعد.....	۱۷۹
منابع.....	۱۹۵



فصل ۱

معرفی استان قزوین







موقعیت و حدود استان

استان قزوین بین طول جغرافیایی ۴۸ درجه و ۴۵ دقیقه و ۵۰ درجه و ۵۳ دقیقه و بین عرض جغرافیایی ۳۵ درجه و ۲۳ دقیقه و ۳۶ درجه و ۴۹ دقیقه قرار گرفته است. این منطقه از شمال به استان‌های گیلان و مازندران، از شرق به استان البرز، از جنوب به استان‌های همدان و مرکزی و از غرب به استان زنجان محدود می‌شود. مساحت استان قزوین ۱۵۶۲۶ کیلومتر مربع می‌باشد و با توجه به مساحت ۱۶۴۸۰۰۰ کیلومتر مربعی کشور، استان قزوین ۰/۹۵ درصد از مساحت کشور را در برمی‌گیرد. استان قزوین دارای ۲۵ شهر و ۶ شهرستان می‌باشد که مرکز استان، شهر قزوین و مراکز شهرستان‌های استان نیز شامل قزوین، تاکستان، الوند، بوئین‌زهرا، آبیک و آوج است. حدود ۱۱۵۰ آبادی در سطح استان پراکنده هستند که ۸۴۲ آبادی دارای سکنه و ۳۰۸ آبادی خالی از سکنه می‌باشد (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان قزوین، ۱۳۹۷: ۴).



ویژگی‌های آب‌وهوایی و اقلیم آسایش

استان قزوین در دامنه جنوبی رشته کوه‌های البرز واقع شده که به دلیل داشتن ارتفاعات متعدد و بارندگی‌های متوسط، از نقاط معتدل کشور به شمار می‌آید. سیستم‌های هوایی موثر در استان عبارتند از: سامانه کم فشار غربی و مدیترانه‌ای که بیش‌ترین عامل بارندگی در استان را تشکیل می‌دهد و سیستم پرفشار شمال که عامل سردی و رطوبت می‌باشد.

این سیستم در ارتفاعات البرز ریزش‌های برف را موجب می‌گردد که در این ایام جریان باد شمال‌غربی و شمالی در منطقه وجود خواهد داشت. صدور امواج سرمایی و ریزش‌های برف، ویژگی توده‌هواهای ناشی از مرکز پرفشار سیبری است.

جدول اقلیم شهرهای استان

شهر	اقلیم	
قزوین- اقبالیه - محمودآباد نمونه- تاکستان- ضیاءآباد- نرجه- خرم‌دشت- شال- اسفرورین- ارداق- دانسفهان- سگزآباد- آبگرم- بیدستان- الوند- محمدیه- شریفیه- آبیگ- خاکعلی	نیمه خشک سرد	۱
سیردان	نیمه خشک معتدل	۲
بوئین‌زهرا	خشک سرد	۳
کوهین	مدیترانه‌ای سرد	۴
آوج	مدیترانه‌ای فراسرد	۵
معلم‌کلایه	نیمه مرطوب سرد	۶
رازمیان	نیمه مرطوب معتدل	۷

(تحلیل وضعیت منابع طبیعی و محیط‌زیست سند آمایش استان قزوین، ۱۳۹۶)

بررسی عوارض زمین (ناهمواری‌ها، غارها و...)

چهره ناهمواری‌های استان تلفیقی از کوهستان و دشت است و سه واحد طبیعی مهم بر روی شکل‌گیری فضایی حوزه تاثیرگذار بوده‌اند.

۱. واحد کوهستانی که در دل خود مدنیتی متکی به سکونت در قلعه پرورش داد.

۲. واحد کوهپایه‌ای که بستر توسعه شبکه شهری و راه‌های ارتباطی شد.

۳. واحد دشتی که فضایی تولیدی است و بستر عمده حوزه زراعی روستایی را به وجود آورده است.

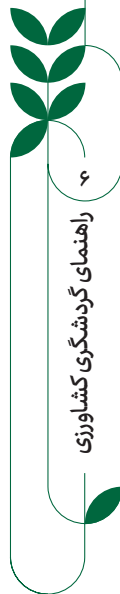
واحد کوهستانی: کمربند غیرممتدی را در سه جهت شمال، غرب و جنوب دشت قزوین تشکیل می‌دهد که مشتمل بر کوه‌های جوانی است که در پیدایش آن‌ها نه تنها چین خوردگی‌ها بلکه نفوذ و خروج مواد درونی نیز دخالت داشته است ولی بیشتر تشکیلات واحد کوهستانی را مواد رسوبی تشکیل می‌دهد.

واحد کوهپایه‌ای: این واحد با شیب ملایم شامل مجموعه مخروطه افکنه‌های کوهپایه‌ای فرسایش یافته‌ای است که چشم‌انداز طبیعی این پهنه را به وجود آورده است. آبراهه در این واحد به صورت کانال‌های ممتد و موازی به هنگام بارندگی، مواد ریز و درشت را به طرف دشت می‌رانند و سرانجام، تنه‌های اصلی خوشه‌های آبراهه‌ای را تشکیل می‌دهند.

با کنترل این آبراهه‌ها و تلفیق آن با شیوه‌های آبرسانی و آبیاری مصنوعی، نظام‌های بوم‌آورد (اکوسیستم‌های) انسانی شهری و روستایی ایجاد شده است که باغات سنتی قزوین از مصادیق بارز آن است.

به هرحال عمدتاً فضای مصنوعی، تحت تاثیر شبکه آبراهه در کوهپایه و دشت شکل گرفته است. شهرها و روستاها حتی‌المقدور در پشته‌ها و مزارع در اراضی پست‌تر توسعه یافته‌اند.

واحد دشت قزوین: محصول فعالیت رودخانه‌های فصلی متعدد است و عرصه‌ای به مساحت ۴۴۳/۲۰ (چهارصد و چهل و سه هزار و دویست) هکتار را تشکیل می‌دهد که در کانون حصار طبیعی کوهستان‌های شمالی-غربی-جنوبی قرار گرفته است. دشت قزوین چاله فرونشسته‌ای در میان گسل‌های شمالی و جنوبی قزوین است و رود شور از طریق این چاله، منطقه را زهکشی و به دریاچه نمک می‌ریزد.



این دشت در گذشته و به وسیله دریاچه‌ها و کولاب‌هایی با عمق متغیر پوشیده بود که بقایای این اکوسیستم در هزاره‌های پنجم و ششم قبل از میلاد موجب توسعه روستاهای اولیه دشت قزوین شد که شواهد آن‌ها در تپه زاغه و... به دست آمده است. در حال حاضر بقایای کولاب‌های مذکور به شکل باتلاق و نم‌زار در حاشیه جنوب شرقی دشت قابل مشاهده است.

منطقه معروف به الله‌آباد و جزیره بستر زیست‌محیطی آثار ماقبل تاریخی کشف شده دشت قزوین را توجیه می‌کند و جادارد از این نظر مورد محافظت قرارگیرد.

سه اکوسیستم مردابی، کوهپایه‌ای و کوهستانی به عنوان سه بستر زیست‌محیطی عمده در ایجاد فضای توسعه منطقه مشارکت داشته‌اند و همجواری جوامع روستایی، شهری، قلعه‌نشین و نیمه‌کوچ‌نشین در حوزه تاریخی قزوین نتیجه تنوع محیط طبیعی در فضایی محدود است که در حد فاصل بین فلات مرکزی ایران و ناحیه کوهستان شمال غرب جای دارد.

از دیگر چشم‌اندازهای مهم طبیعی استان می‌توان به غارهای طبیعی اشاره کرد که عبارتند از: غار قلعه کرد در جنوب غربی استان قزوین غار انگول در منطقه رودبار شهرستان، غار عباس آباد در آبگرم، غار ولی گشنه‌رود واقع در قاقازان شرقی و غار چهل دختر در بخش مرکزی قزوین (طرح مطالعاتی شهرک صنایع دستی استان قزوین، مجابی، ۱۳۸۸: ۲۳).

منابع آب

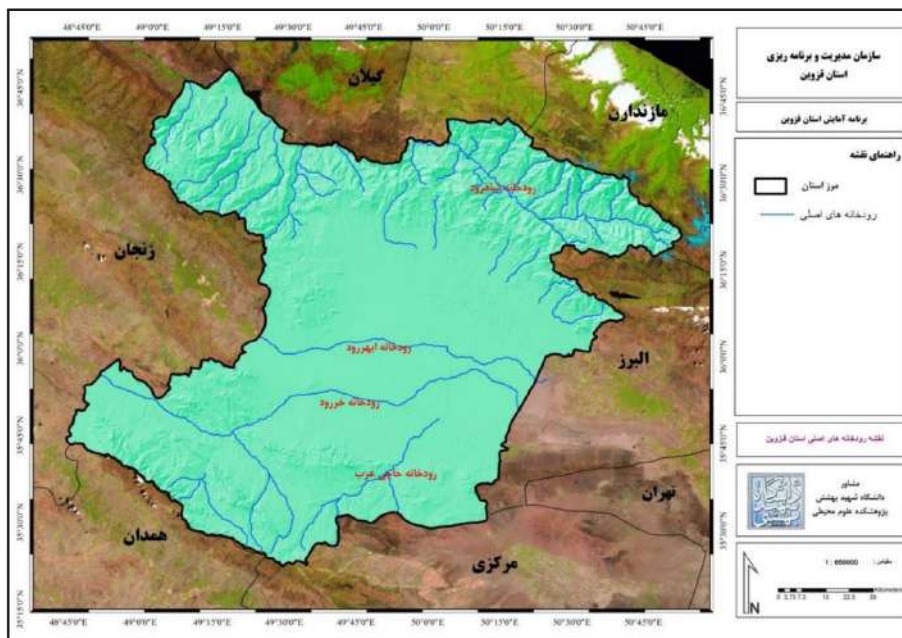
رودخانه‌ها

استان قزوین در دو حوضه آبریز رودخانه سفید رود و رودخانه شور قرار دارد. مساحت استان واقع در حوضه شور اگر چه از نظر وسعت قریب به ۳ برابر حوضه سفیدرود می‌باشد، لکن به علت موقعیت حوضه شور از نظر جغرافیایی و ریزش‌های جوی، تولید آب سطحی در این ناحیه به مراتب کم‌تر از حوضه سفیدرود استان است، به طوری که در فصل تابستان رودخانه‌های (حتی اصلی) این حوضه (ابهرود، خررود، حاجی عرب‌رود) در محل ورود به دشت قزوین فاقد آبدهی می‌باشد. (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان قزوین، ۱۳۹۷: ۴۱-۴۲).

منابع آب زیرزمینی

منابع آب زیرزمینی استان شامل منابع آب زیرزمینی آبخوان دشت قزوین، بخشی از دشت قیدار در منطقه آوج و سفره‌های بسیار کوچک محلی با پتانسیل‌های محدود در مناطق مختلف اعم از تارم‌سفلی، الموت و آوج می‌باشد. در ضمن منابع آب سازنده‌های سخت هنوز در استان مورد شناسایی و یا بهره‌برداری قرار نگرفته است.

به‌طور کلی عمده مصارف آب در استان قزوین در حوضه شور استان وابسته به آب زیرزمینی می‌باشد و آب‌های سطحی بخش اندکی از مصارف آب کشاورزی را تامین می‌کند. در بخش حوضه سفیدرود نیز به علت شرایط خاص جغرافیایی و کوهستانی بودن منطقه، مصارف آب در حاشیه رودخانه‌ها از طریق آب‌های سطحی و در ارتفاعات از منابع زیرزمینی که عمدتاً چشمه می‌باشد تامین می‌گردد. (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان قزوین، ۱۳۹۷: ۵۸)



نقشه رودخانه‌های اصلی در استان قزوین

(تحلیل وضعیت منابع طبیعی و محیط‌زیست سند آمایش استان قزوین، ۱۳۹۶)

معادن

در کوهستان‌های پیرامون قزوین به ویژه در شمال باختر، معادن پربها و سودمندی یافت می‌شود. معادن کشف شده در منطقه قزوین عبارتند از: زاج سفید و نمک، زغال سنگ، آهن، مس.

پوشش گیاهی

فضاهای کشاورزی استان عمدتاً در قلمروهای هموار استقرار یافته است. به ویژه شهرستان قزوین که گستره وسیعی از قلمرو میانی استان را در برمی‌گیرد. سطح زیر کشت استان بیش از ۴۸۹۸۵۱ هکتار بوده که از این میزان، محصولات زراعی ۶۰/۵۸ درصد، باغی ۱۵/۸ درصد و آیش ۲۳/۶۴ درصد را به خود اختصاص داده‌اند. اراضی تحت کاربری زراعت‌های سالانه و دائمی (آبی و دیم) در استان قزوین بالغ بر ۲۹۷۹۷۸ هکتار است که ۱۰۶۳۶۸ هکتار آن برای کشت‌های دیم مورد استفاده قرار می‌گیرد و ۱۹۱۶۱۰ هکتار تحت کاربری کشت زراعت‌های آبی می‌باشد. زراعت‌های آبی عمدتاً در دشت حاصلخیز قزوین گسترده است. به‌طور کلی استان قزوین از نظر نوع کاربری اراضی در وضع موجود به آبی، دیم، جنگل و مرتع و اراضی حفاظتی تقسیم می‌شود (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان قزوین، ۱۳۹۷: ۶۵).



سطح زیر کشت محصولات باغی استان، ۷۷۳۴۲ هکتار بوده که سطح زیر کشت باغات آبی ۷۶۴۳ هکتار و سطح زیر کشت باغات دیم ۹۱۲ هکتار می‌باشد. سطح مراتع استان که شامل مراتع درجه ۱، درجه ۲ و درجه ۳ است مجموعاً ۸۵۳۴۸۵ هکتار می‌باشد که به این ترتیب ۵۳/۹ درصد از سطح اراضی استان را مراتع تشکیل می‌دهد.

سطح جنگل‌های استان نیز با احتساب بیشه‌زارها، درختچه‌ها و جنگل‌های دست‌کاشت، معادل ۲۸۱۵۷ هکتار (۱/۸ درصد از سطح کل استان) برآورد شده است که از این میزان ۲۳۵۸ هکتار آن جنگل انبوه با تاج پوشش بیشتر از ۵۰٪، ۵۵۵۸ هکتار جنگل نیمه انبوه با تاج پوشش ۵۰-۲۵٪، ۸۱۵۴ هکتار جنگل تنک و مخروطه با تاج پوشش کمتر از ۲۵٪، ۱۲۸۵ هکتار بیشه‌زار و درختچه‌زار و ۵۹۴ هکتار نیز جنگل‌های دست‌کاشت می‌باشد (از جنگل‌های لکه‌ای کوچک صرف‌نظر شده است). تاکنون تعداد ۱۰ ذخیره‌گاه جنگلی در استان ایجاد شده که ۶۸۴ هکتار از اراضی جنگلی استان را شامل می‌شوند (همان: ۶۶).

کاربری و پوشش اراضی

جدول زیر مساحت طبقات کاربری و پوشش اراضی در استان قزوین را نشان می‌دهد و همان‌طور که مشاهده می‌شود بیش از نیمی از مساحت استان مرتع است و کشاورزی دیم و آبی در رده‌های بعدی قرار دارند.



مساحت طبقات کاربری و پوشش اراضی در استان قزوین

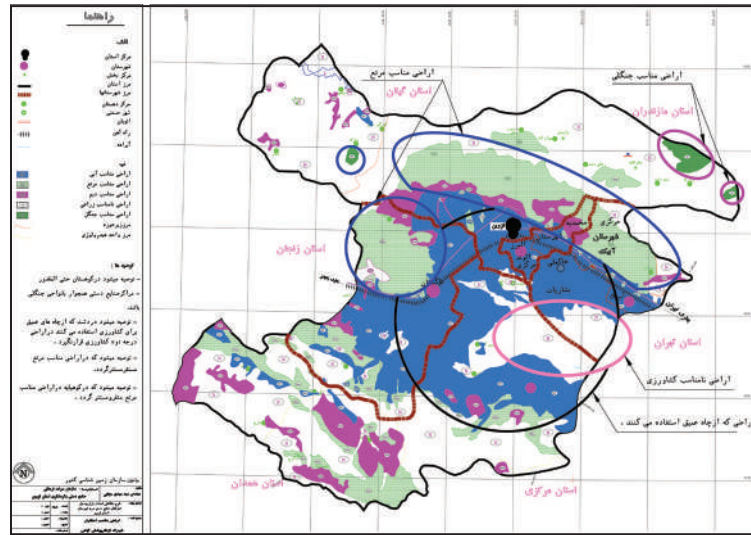
طبقات کاربری و پوشش اراضی	مساحت (هکتار)	مساحت (درصد)
۱ مناطق مسکونی	۲۲۰۳۱,۱	۱,۴۰
۲ کشاورزی آبی	۲۲۷۸۰۴,۲	۱۴,۵۲
۳ کشاورزی دیم	۲۹۵۹۸۵,۶	۱۸,۸۷
۴ باغات	۹۱۹۱۶,۶	۵,۸۶
۵ مراتع	۸۰۳۲۶۹,۸	۵۱,۲۲
۶ مناطق بایر	۱۰۵۹۹۵,۶	۶,۷۶
۷ صنایع	۲۱۳۷۳,۴	۱,۳۶
مساحت کل	۱۵۶۲۴۶۵,۷	۱۰۰,۰

(تحلیل وضعیت منابع طبیعی و محیط‌زیست سند آمایش استان قزوین: ۱۳۹۶)

مساحت کلاس‌های کاربری اراضی و درصد سهم هر یک در استان قزوین ۱۳۹۴ (هکتار)

شهرستان	جمع	اراضی زراعی	جنگل	مرتع	اراضی مسکونی	سایر
کل استان	۱۵۶۲۶۰۰۰	۴۲۶۴۹۷	۲۸۱۵۸	۸۵۳۴۸۵	۳۳۸۳۷	۲۳۰۶۲۳
آبیک	۱۳۰۲۰۰	۴۲۵۴۳	۲۱۰۰	۴۹۹۰۶	۲۴۰۳	۳۳۲۴۸
آوج	۲۶۹۱۰۰	۹۵۵۳۱	۰	۱۷۱۹۳۳	۱۲۸۰	۳۶۳۵۶
البرز	۴۰۳۰۰	۲۳۷۱۲	۴۱	۱۰۲۸۶	۴۷۶۴	۱۴۹۷
بوئین‌زهرا	۳۰۰۳۰۰	۹۹۱۸۴	۴۶۵	۱۵۱۹۳۰	۶۲۱۹	۵۳۶۰۲
تاکستان	۲۵۳۸۰۰	۹۷۴۷۰	۳۰۱	۱۰۸۸۴۹	۶۹۱۰	۴۰۲۷۰
قزوین	۵۶۸۹۰۰	۹۴۰۵۷	۲۵۲۵۱	۶۳۰۵۸۱	۱۲۲۶۱	۷۶۷۵۰

(تحلیل ساختار فضایی سند آمایش استان قزوین، ۱۳۹۶)



(نقشه اراضی استان- طرح مطالعاتی شهرک صنایع دستی استان- مجابی، ۱۳۸۸)

حیات وحش

از محیط‌های طبیعی که استعداد طبیعی حفظ و احیاء و رستنی‌ها، تکثیر و پرورش جانوران وحشی و ذخائر گیاهی و همچنین ویژگی‌های خاص از نظر آثار طبیعی را داشته و تحت مدیریت سازمان حفاظت محیط‌زیست قرار دارند می‌توان به منطقه حفاظت شده باشگل و مناطق شکار و تیراندازی ممنوع الموت و تارم سفلی اشاره نمود که پراکنش و برخی از مشخصات آن‌ها به شرح زیر است:

منطقه حفاظت شده باشگل

این منطقه با حدود ۲۵۲۵۰ هکتار وسعت در غرب شهرستان تاکستان واقع شده و از سال ۱۳۷۵ تحت حفاظت درآمده است. مهم‌ترین گونه‌های جانوری منطقه حفاظت شده باشگل عبارتند از: گرگ، آهو، قوچ و میش، گراز، روباه، شغال، خرگوش، انواع جوندگان، سمور سنگی، کبک، تیهو، انواع پرندگان شکاری و جغد. همچنین مهم‌ترین گونه‌های گیاهی منطقه نیز عبارتند از: بومادران، پیاز وحشی، انواع گون، کنگر، شیرین بیان، تلخ بیان، بید، مرمر، بادام، سنجد، اسفناج، گل ماهور و گیاهان تیره کمپوزینه و چتریان.

منطقه شکار ممنوع الموت غربی

منطقه تیراندازی و شکار ممنوع الموت حدود ۱۱۸۰۰۰ هکتار وسعت دارد و در شمال شرقی شهرستان قزوین، در بخش کوهستانی بین استان‌های مازندران، البرز، بخش مرکزی قزوین و رودبار شهرستان واقع شده است. مهم‌ترین گونه‌های جانوری این منطقه عبارتند از: کل و بز، خرس قهوه‌ای، پلنگ، کبک دری و معمولی، گربه وحشی، بلدرچین و انواع عقاب.

منطقه شکار ممنوع الموت شرقی

این منطقه به مساحت ۳۸۱۸۰ هکتار در امتداد محدوده الموت غربی قرار دارد و از لحاظ وضعیت زیستگاه و گونه‌های جانوری شباهت بسیار نزدیکی به منطقه الموت غربی دارد. این منطقه صرفاً برای نگهداری و حفظ گونه‌های با ارزش نظیر کل و بز، پلنگ، گربه وحشی و گرگ و انواع پرندگان شکاری و... حائز اهمیت حفاظت می‌باشد و به عنوان یکی از مناطق پشتوانه برای منطقه الموت محسوب می‌گردد.

منطقه شکار ممنوع تارم

این منطقه حدود ۴۷۰۰۰ هکتار وسعت دارد و در شمال غرب شهرستان قزوین هم مرز با استان‌های زنجان و گیلان واقع شده است. مهم‌ترین گونه‌های جانوری منطقه عبارتند از: خرس، پلنگ، کل و بز، کبک و تیپو.

منطقه شکار ممنوع آوج-آبگرم

زیستگاه‌های بخش آوج و آبگرم با مساحت حدود ۱۵۰ هزار هکتار در گذشته نه چندان دور یکی از شکارگاه‌های دشتی و کوهپایه‌ای مهم استان به شمار می‌آمدند و شاهد حضور پستاندارانی نظیر آهو، کل و بز، قوچ و میش بوده است. با این حال در این منطقه دیگر آهو و کل و بز مشاهده نمی‌شود و فقط تعداد اندکی قوچ و میش بومی (قوچ ارمنی) به صورت پراکنده به سر می‌برند. علاوه بر گونه مذکور، بارزترین گونه منطقه، سیاه‌گوش است و کفتار، گرگ، شغال، روباه، گراز، تشی، جوجه تیغی و خرگوش از دیگر پستانداران منطقه به شمار می‌روند.

محدوده‌های گردشگری

محدوده‌های طبیعی

مهم‌ترین محدوده تفریحی و گردشگری استان، شمال، شمال‌غرب و غرب شهرستان قزوین است که برخوردار از مناطق و چشم‌اندازهای زیبای طبیعی نظیر منطقه الموت، زرشک و کامان و همچنین وجود غارهایی مثل اندج، غاریخی انگول و... می‌باشد. منطقه کوهستانی الموت در شمال شهرستان قزوین با آب‌وهوای مطبوع و معتدل در فصول بهار و تابستان، وجود رودخانه‌ها و چشمه‌سارهای متعدد، پوشش گیاهی متنوع علفی، درختچه‌ای و درختی، آبادی‌های کوهپایه‌ای زیبا و باغ‌های متراکم میوه، وجود دریاچه زیبای اوان و همچنین وجود جاذبه‌های تاریخی همچون قلعه حسن صباح، مهم‌ترین محدوده گردشگری طبیعی و به عنوان کانون سطح یک گردشگری استان محسوب می‌شود.

در واقع مسیر قزوین به الموت و ادامه آن تا جنگل‌های سه هزار و دو هزار و قزوین به طالقان را می‌توان به عنوان محورهای سطح یک گردشگری طبیعی تلقی نمود. به علاوه وجود چشمه‌های آب‌معدنی در منطقه آبگرم و یله‌گنبد از دیگر مناطق گردشگری طبیعی استان محسوب می‌شود و به عنوان کانون سطح دو قابل توجه و سرمایه‌گذاری است.

محدوده‌های تاریخی و مذهبی

از نظر جاذبه‌های تاریخی- مذهبی، شهر قزوین مهم‌ترین مرکز و کانون سطح یک گردشگری استان در مقیاس منطقه‌ای محسوب می‌شود. وجود یادمان‌های تاریخی و جاذبه‌های مذهبی نظیر مسجد جامع قزوین مربوط به دوره‌های ساسانی و صفوی، مجموعه دولتخانه، مجموعه بازار قزوین متعلق به دوره‌های صفوی و قاجار و بقعه امامزاده حسین از جمله جاذبه‌های مهم این مرکز محسوب می‌شوند.



اشتغال

سهم اشتغال استان بر حسب گروه‌های عمده فعالیت اقتصادی

سهم اشتغال در بخش‌های عمده اقتصادی			سال
خدمات	صنعت	کشاورزی	
۳۵/۳	۳۱/۴	۳۳/۳	۱۳۸۴
۳۹/۷	۳۱/۱	۲۹	۱۳۸۵
۴۱/۴	۳۲/۹	۲۵/۷	۱۳۸۶
۴۱/۱	۳۵/۲	۲۳/۶	۱۳۸۷
۳۹/۷	۳۷	۲۳/۳	۱۳۸۸
۴۱	۳۶/۸	۲۲/۲	۱۳۸۹
۴۰/۶	۳۷/۴	۲۲	۱۳۹۰
۴۲/۱	۳۶/۲	۲۱/۶	۱۳۹۱
۴۲/۱	۳۶/۸	۲۱	۱۳۹۲
۴۳/۹	۳۴/۲	۲۲	۱۳۹۳
۴۴/۳	۳۴/۹	۲۰/۸	۱۳۹۴

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵

نقش استان در تقسیم کار ملی و منطقه‌ای

نقش استان در تقسیم کار ملی

کشاورزی

- تامین بخشی از امنیت غذایی کشور شامل؛ تولیدات زراعی، باغی و تولیدات دام و طیور
- سهم ده درصدی تولیدات کشاورزی استان از کل تولیدات کشور به‌ویژه در تولیدات دام و طیور و محصولات مهم باغی از جمله انگور و زیتون

- دشت قزوین به‌عنوان منطقه آزاد کشاورزی کشور (منطقه آزاد کشاورزی منطقه‌ای است که کلیه محصولات در این منطقه بصورت ارگانیک و صادرات محور تولید شده و هاب بین المللی توزیع و تجارت محصولات کشاورزی خواهد بود)
- دشت قزوین به‌عنوان دشت تولیدات ارگانیک و صادرات محور
- یکی از قطب‌های تولیدات گلخانه‌ای کشور
- تامین‌کننده بخش عمده تولیدات باغی از جمله انگور و زیتون در سطح کشور
- قطب تولید مرغ اجداد و لاین کشور
- کشت و تولید پسته در شهرستان قزوین و بوئین‌زهرا

گردشگری

- ۱- گردشگری طبیعی در منطقه الموت، تارم، آوج
- ۲- گردشگری تاریخی در منطقه قزوین، بوئین‌زهرا، آوج
- ۳- استان به‌عنوان مقصد گردشگری با اقامت حداقل ۲ شب

نقش استان در تقسیم‌کار منطقه‌ای

کشاورزی

- محصولات زراعی در زمینه غلات و حبوبات شامل گندم، جو، ذرت، عدس در مناطق آمایشی مجموعه شهری قزوین، بوئین‌زهرا، تاکستان، مرکزی دشت
- محصولات زراعی شامل گیاهان دارویی و کشت برنج در الموت
- محصولات زراعی صنعتی شامل کشت چغندر قند در بوئین‌زهرا و مجموعه شهری قزوین
- محصولات زراعی صنعتی و کلزا در آبیک و مجموعه شهری قزوین

ماموریت‌های توسعه استان

- توسعه صنعت با تمرکز بر صنایع با ارزش افزوده بالا
- توسعه کشاورزی بر پایه رشد بهره‌وری و محیط‌زیست پایدار
- توسعه خدمات برتر و بازرگانی مبتنی بر توسعه زیرساخت‌ها و فناوری‌های پیشرفته و حیاتی
- توسعه گردشگری مبتنی بر توسعه فرهنگی و اجتماعی

قلمروهای اولویت دار توسعه فعالیت (فعالیت‌های کشاورزی، صنعت و معدن و خدمات)

- منطقه شمالی با اولویت توسعه فعالیت‌های گردشگری
- منطقه میانی با اولویت توسعه فعالیت‌های صنعتی، خدماتی، کشاورزی آبی، دیم و باغداری
- فعالیت صنعتی در خارج از مجموعه شهری قزوین شامل مثلث صنعتی قزوین بوئین‌زهره، تاکستان و همچنین قزوین-رشت
- منطقه جنوبی با اولویت فعالیت‌های کشاورزی زراعت آبی و دیم و گردشگری در شهرستان آوج
- فعالیت‌های دامداری در مناطق کوهستانی آوج و تارم و کوهین و الموت

قلمروهای دارای محدودیت استقرار جمعیت

- مناطق حفاظت شده و مناطق شکار ممنوع در منطقه الموت، باشگل در تاکستان، کوهین، آبیک و آوج
- پهنه‌های در معرض خطرات طبیعی با شدت زیاد از جمله زلزله‌خیزی در مناطق شمال مجموعه شهری و جنوب الموت غربی و شرقی و جنوب بوئین‌زهره و جنوب تاکستان و منطقه آوج
- پهنه‌های در معرض خطرات سیل‌خیزی و حاشیه رودخانه‌ها در منطقه الموت شرقی، شمال کوهین، جنوب آبیک و مرکز بوئین‌زهره و شرق آوج

قلمروهای فاقد مزیت برای استقرار جمعیت و توسعه سکونت (شهری و روستایی)

- پهنه‌های منابع طبیعی (مراتع و جنگل) و مراتع در منطقه آمایشی الموت شرقی، غربی، تارم و کوهین، شمال آبیک، غرب تاکستان، شمال آبیک و جنوب بوئین زهرا، جنوب تاکستان و منطقه آوج و مناطق جنگلی در تاکستان
- مناطق حفاظت شده، تیراندازی و شکار ممنوع در مناطق الموت، باشگل در تاکستان، کوهین، تارم سفلی، آبیک و آوج
- مناطق دارای تراکم جمعیت بالا مانند مجموعه شهری قزوین بر اساس سیاست تمرکززدایی و رفع تک مرکزی بودن قزوین
- پهنه‌های مناسب برای توسعه فعالیت‌های صنعتی، کشاورزی و گردشگری

قلمروهای دارای محدودیت توسعه فعالیت‌های کشاورزی و صنعتی و معدنی

- توسعه فعالیت صنعتی در تمامی پهنه‌های حساس و دارای ارزش‌های محیط‌زیستی (مناطق حفاظت شده و مناطق شکارممنوع) در منطقه الموت، باشگل در تاکستان، کوهین، تارم سفلی، آبیک و آوج
- پهنه‌های در معرض خطرات طبیعی با شدت زیاد (زلزله خیزی، سیل خیزی و خشکسالی) دارای محدودیت است و توسعه فعالیت‌های کشاورزی در برخی از پهنه‌های فوق مانند پهنه‌های دارای ارزش‌های محیط‌زیستی با رعایت الزامات خاص امکان‌پذیر است.
- بر اساس نتایج ظرفیت برد استان، ۴ منطقه آمایش واقع در بخش میانی استان شامل مجموعه شهری قزوین، تاکستان، آبیک و بوئین زهرا دارای محدودیت توسعه فعالیت‌های کشاورزی، صنعتی، معدنی می‌باشند.



قلمروهای فاقد مزیت در توسعه‌ی فعالیت (کشاورزی، صنعتی و...)

- مناطق سکونتی شامل مرکز و شرق مجموعه شهری قزوین، شرق آبیک و تاکستان و بوئین‌زهره و مناطق حفاظت شده، تیراندازی و شکار ممنوع شامل الموت، باشگل در تاکستان، کوهین، تارم‌سفلی، آبیک و آوج



نظام سکونتگاهی و مناطق طبیعی استان

اغلب آبادی‌های مستقر در بخش‌های مختلف استان دارای کارکرد کشاورزی هستند به طوری که بیش از ۵۰ درصد جمعیت شاغل ساکن در آن‌ها در بخش کشاورزی (زراعت، باغداری، دامپروری و ...) اشتغال دارند. تمام آبادی‌های شهرستان تاکستان دارای کارکرد کشاورزی هستند و در شهرستان بوئین‌زهرا نیز به استثنای دو بخش مرکزی و شال، آبادی‌های مستقر در دیگر بخش‌ها دارای کارکردهای کشاورزی‌اند. در برابر آن، تمام آبادی‌های مستقر در بخش‌های شهرستان البرز دارای کارکرد صنعتی هستند و سهم اشتغال در بخش صنعت بیشترین مقادیر را در مقایسه با بخش خدمات و کشاورزی به خود اختصاص داده است. همچنین آبادی‌های واقع در بخش مرکزی شهرستان قزوین، بخش مرکزی شهرستان بوئین‌زهرا و دیگر بخش‌ها، دارای کارکردهایی با غلبه بخش صنعت هستند. آبادی‌های واقع در بخش مرکزی شهرستان آبیک، بخش شال از شهرستان بوئین‌زهرا و بخش کوهین از شهرستان قزوین نیز دارای غلبه کارکردهای خدماتی هستند.

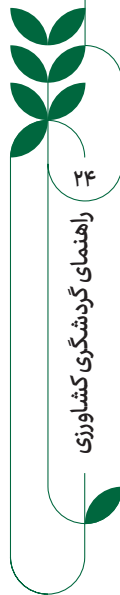
در ادامه در خصوص روستاهای دارای شاخص مرکزیت بالا که می‌توانند خدمات‌رسان در سطح استان باشند به تفکیک بخش معرفی خواهند شد. قابل توجه است که عوامل مختلف از جمله جمعیت بخش‌ها نیز در خصوص ارزیابی شاخص مرکزیت مؤثر خواهد بود (تحلیل ساختار سکونتگاهی و فضایی سند آمایش استان قزوین، ۱۳۹۶).

• **شهرستان آوج:** روستای حصار ولیعصر در بخش آوج با شاخص مرکزیت ۴۹,۰۳ که رتبه ۷ استان در شاخص مرکزیت را دارد و روستای کلنجین در بخش آبگرم با شاخص ۴۱,۶۵ با رتبه ۱۰ در سطح استان بالاترین رتبه روستاهای شهرستان آوج را در اختیار دارند.

• **شهرستان بوئینزهرا:** شهرک مدرس در بخش شال، روستای عصمت‌آباد در بخش مرکزی، روستای خوزنین در بخش رامند و روستای شهرستانک در بخش دشتابی به ترتیب با شاخص ۳۹,۲۷، ۳۷,۹۸، ۳۲,۹۳، ۳۱,۶۰ و رتبه‌های ۱۲، ۱۴، ۲۴ و ۲۶ را دارند.

• **شهرستان تاکستان:** در شهرستان تاکستان که مشتمل بر چهار بخش است، روستای یحیی‌آباد در بخش مرکزی با رتبه ۳، روستای اک در بخش اسفرورین با رتبه ۶، روستای اورازجین در بخش خرم‌دشت با رتبه ۱۳ و روستای طوپوقچی در بخش ضیاء‌آباد با رتبه ۲۴ روستاهای نخست در هر یک از بخش‌های استان هستند. با توجه به شاخص‌های برتر در هر یک از بخش‌ها در خصوص این شهرستان، عدم تعادل در شاخص مرکزیت در بخش‌های مختلف محرز است. بخش مرکزی شهرستان تاکستان دارای امکانات روستایی بیشتری نسبت به سایر بخش‌های استان است. این در حالی است که خرم‌دشت از شاخص مرکزیت پایینی نسبت به سایر بخش‌ها برخوردار است.





- **شهرستان آبیک:** در شهرستان آبیک نیز روستاهای ناصرآباد با شاخص ۶۱٫۰۲ و رتبه ۴ و روستای قشلاق با شاخص ۵۶٫۶۱ و رتبه ۵، بالاترین رتبه در بخش بشاریات و مرکزی را در اختیار دارند.
- **شهرستان البرز:** در شهرستان البرز نیز روستای حصارخروان با شاخص مرکزیت ۴۷/۷۵ با رتبه ۸ استان و شهر صنعتی البرز با شاخص مرکزیت ۵۰/۹۲ و رتبه ۱ به ترتیب در بخش‌های محمدیه و مرکزی دارای امکانات بیشتر روستایی هستند.
- **شهرستان قزوین:** در شهرستان قزوین نیز که پنج بخش دارد روستاهای رجایی‌دشت در الموت غربی، شهرک در الموت شرقی، نیارک در در تارم‌سفلی، نظام‌آباد در بخش مرکزی و بشر در کوهین به ترتیب با شاخص مرکزیت ۷۸٫۸۰، ۱۸٫۰۱، ۳۹٫۸۰، ۴۳٫۵۴ و ۱۸٫۸۲ دارای امکانات روستایی بیشتری در هر یک از بخش‌ها هستند. در میان بخش‌های شهرستان قزوین، الموت شرقی نسبت به سایر بخش‌ها از امکانات روستایی کمتری برخوردار است.
- کارکردهای اساسی زیستی دیگری نیز وجود دارد که ماهیت برخی سکونتگاه‌ها با توجه به آن‌ها شکل می‌گیرد. استراحت، آموزش، ورزش و ارتباط با دیگران از جمله این کارکردها به شمار می‌رود. برخی از سکونتگاه‌های روستایی استان قزوین که این گونه کارکردها را برعهده دارد، عبارت است از:
 - سکونتگاه‌های ارتباطی مانند روستاهای واقع در مسیر راه‌های اصلی استان و یا ایستگاه‌های راه‌آهن، روستاهای مهمانپذیر بین‌راهی و مانند آن: ناصرآباد و کوندج در شهرستان آبیک، حصارخروان و شریف‌آباد در شهرستان البرز، رجائی دشت، رشتقون، کورانه، اسماعیل‌آباد و نظام‌آباد در شهرستان قزوین، طویوقچی در شهرستان تاکستان و همچنین نجف‌آباد و گل چشمه (سلطان بلاغ) در شهرستان بوئین‌زهرا.
 - سکونتگاه‌های زیارتگاهی و مذهبی : زرآباد، خرم‌آباد، طبل‌شکین، شارین، باراجین، مسعودآباد (گازرخان)، محمدآبادخره، امام‌زاده ابادر (شاهزاده محمد)، امام‌زاده هارون، امام‌زاده محمد (حسین‌آباد)، امام‌ضامن (قنبرآباد)
 - سکونتگاه‌های گردشگاهی: اوان، وربن، کوچنان، اندج، زرشک، ابراهیم‌آباد، صمغ‌آباد، آقچری و کلج

تعیین حوزه نفوذ مکان‌های مرکزی

شهر قزوین وسیع‌ترین محدوده حوزه نفوذ را در اختیار دارد و پس از آن شهرهای تاکستان و بوئین‌زهرا در جایگاه دوم و سوم قرار دارند. شهرهای آبیک، آبگرم، آوج و سپس معلم‌کلایه، ضیاء‌آباد و رازمیان از نظر وسعت منطقه حوره نفوذ و تعداد سکونتگاه روستایی که به آن‌ها مراجعه می‌کنند در مراتب بعدی قرار دارند و در نهایت سایر شهرها در پایین‌ترین سطح مکان‌های مرکزی، کم‌وسعت‌ترین محدوده بازاری را در اختیار دارند. گفتنی است که در تأمین خدمات

سطوح بالاتر در حوزه نفوذ ثانویه، تقریباً کل استان به استثنای برخی آبادی‌های مرزی در بخش جنوب و غرب آن واقع در شهرستان‌های تاکستان و آوج و محدوده شرقی آن واقع در شهرستان آبیک و بوئین‌زهرا، در محدوده حوزه نفوذ شهر قزوین قرار می‌گیرد و سایر شهرها مجال چندان برای بروز ندارند. به نظر می‌رسد فواصل جغرافیایی نسبتاً زیادی که این شهرستان‌ها از شهر قزوین دارند و نیز امکانات دسترسی محدود آن‌ها منجر به تمییز چنین محدوده‌هایی شده است. موضوع حائز اهمیت دیگر وجود مجموعه‌ای از آبادی‌ها در بخش شمال غربی و غربی استان است که از شهرهایی خارج از استان در استان‌های گیلان، مازندران و زنجان مایحتاج خود را تأمین و مجموعه آبادی‌هایی نیز در بخش شرقی و جنوبی استان که مایحتاج خود را از شهرهایی در استان‌های تهران، البرز و مرکزی تأمین می‌نمایند (تحلیل ساختار سکونتگاهی و فضایی سند آمایش استان قزوین، ۱۳۹۶).

بیشترین تعداد آبادی‌ها و شهرهای استان (به ترتیب ۱۶ شهر و ۲۵۹ آبادی) در اقلیم نیمه‌خشک سرد استقرار دارند و پس از آن اقلیم نیمه‌خشک فراسرد با داشتن ۳ شهر و ۱۶۶ آبادی بیشترین سهم تعداد سکونتگاه‌ها را در خود جای داده است. باید افزود این دو پهنه بخش وسیع‌تری از مساحت استان را در مقایسه با دیگر اقالیم به خود اختصاص داده‌اند. با توجه به آن، ۴۶٫۲۷ درصد جمعیت استان (اعم از شهری و روستایی) در اقلیم نیمه‌خشک سرد و حدوداً ۴۴ درصد در اقلیم نیمه‌خشک فراسرد سکونت دارند و کمتر از ۱۰ درصد جمعیت در ۹ اقلیم دیگر موجود در استان استقرار یافته‌اند. اقلیم‌های خیلی مرطوب فراسرد و نیمه‌مرطوب فراسرد هر یک به ترتیب با ۰٫۰۹ و ۰٫۲ درصد از کل جمعیت استان کمترین سهم تعداد سکونتگاه و جمعیت مستقر محسوب می‌شوند.

از بین شهرهای استان چهار شهر معلم کلايه، رازمیان، سیردان و آوج در مناطق شکار ممنوع قرار گرفته‌اند (تحلیل ساختار سکونتگاهی و فضایی سند آمایش استان قزوین، ۱۳۹۶).

شهرهای استان قزوین عمدتاً در دشت قزوین و یا در سایر دشت‌های استان و برخی نظیر آبگرم و آوج در جنوب و رازمیان و معلم کلايه و سیردان و کوهین در شمال استان در نواحی کوهستانی واقع شده‌اند. شهرهای دشتی که عمدتاً کشاورزی نقش مهمی در پویایی اقتصادی آن‌ها بازی می‌کند، دارای کارکرد کشاورزی و شهرهای پراکنده کوهستانی که غالباً مراکز بازاری برای خرید روستاییان حوزه نفوذشان است، دارای کارکرد کشاورزی- خدماتی می‌باشند.

از سویی دیگر شهرهای قزوین و الوند با نقش صنعتی که دارند همواره عده زیادی را از سایر شهرهای مجاور و روستاها به خود جذب می‌کنند، لذا شهرهای اقماری این دو شهر نظیر محمدیه، بیدستان و محمودآباد نمونه برای این قبیل شاغلین صرفاً نقش خوابگاهی دارند.

برای تعیین دامنه کارکرد سکونتی روستاها می‌توان آن‌ها را در مقایسه با کارکرد اقتصادی مورد سنجش قرار داد. به این منظور به سادگی می‌توان تعداد افراد شاغل ساکن روستا را بر تعداد افرادی که در خود محل به کار مشغول هستند تقسیم کرد و به این ترتیب، دامنه کارکرد روستا را به شرح زیر به دست آورد:

- روستاهایی که عمدتاً کارکرد سکونتی دارند و این کارکرد آن‌ها مثلاً بر کارکرد اقتصادی‌شان غلبه دارند و به عبارت دیگر، تعداد افرادی که برای کار از روستا خارج می‌شوند، بیش از ۶۰ درصد کل شاغلان روستاست. اینگونه روستاها را روستاهای سکونتی یا خوابگاهی می‌نامند.
- روستاهایی که کارکرد سکونتی و اقتصادی آن‌ها برابر است، یعنی تعداد افرادی که برای کار از روستا خارج می‌شوند یا به آن وارد می‌شوند، کم و بیش یکسان است. این گونه روستاها را می‌توان به تفاوت، روستای سکونتی (خوابگاهی) یا کارگاهی خواند. بنابراین، تعداد افرادی که برای کار به داخل یا بیرون از روستا رفت‌وآمد می‌کنند از معیارهای سنجش دامنه و غلبه کارکرد سکونتی به شمار می‌رود. بدین منظور با مراجعه به نتایج سرشماری نفوس و مسکن که در رابطه با نوع شغل و محل کار از افراد سؤال می‌شود که آیا محل کار یا تحصیل در شهر یا آبادی دیگری است می‌توان روستاهای با کارکرد سکونتی یا خوابگاهی را تشخیص داد.

کارکرد اقتصادی- تولیدی یکی از مهم‌ترین کارکردهای روستاهاست. فضاهای کارگاهی و تدارکاتی روستایی‌ها ممکن است به فعالیت‌های گوناگون بخش اول (کشاورزی)، بخش دوم (صنعت) و بخش سوم (خدمات) اختصاص داشته باشد. این امر نه تنها در تعیین کارکرد، بلکه در شکل ظاهری واحدهای مسکونی روستایی نیز نقش مهمی دارد.

تعداد و درصد شاغلین روستایی استان به تفکیک بخش‌های اصلی اقتصادی ۱۳۹۰

شهرستان	کشاورزی		صنعت		خدمات		کل شاغلین	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
بوئین‌زهرا	۱۵۰۲۴	۵۱	۶۹۴۴	۲۳٫۶	۷۴۷۴	۲۵٫۴	۲۹۴۴۲	۱۰۰
تاکستان	۱۰۲۷۴	۵۷٫۸	۳۶۱۴	۲٫۳	۳۸۹۶	۲۱٫۹	۱۷۷۸۴	۱۰۰
قزوین	۱۷۱۴۹	۵۴٫۳	۶۶۵۲	۲۱٫۱	۷۷۶۶	۲۴٫۶	۳۱۵۶۷	۱۰۰
آبیک	۴۵۰۳	۴٫۴	۲۰۹۴	۱۸٫۸	۴۵۵۵	۴۰٫۸	۱۱۱۵۲	۱۰۰
البرز	۲۱۰۱	۳۱٫۵	۲۶۱۸	۳۹٫۲	۱۹۶۰	۲۹٫۳	۶۶۷۹	۱۰۰

(تحلیل ساختار سکونتگاهی و فضایی سند آمایش استان قزوین، ۱۳۹۶)

همان‌طور که در جدول فوق ملاحظه می‌شود روستاهای شهرستان‌های بوئین‌زهرا، تاکستان و قزوین به دلیل اینکه بیش از نیمی از شاغلین آن‌ها در بخش کشاورزی مشغول به فعالیت می‌باشند عمدتاً دارای سکونتگاه‌های زراعی می‌باشند. در شهرستان البرز شاغلین بخش صنعتی بر سایر بخش‌ها غلبه دارد به طوری که بیش از ۵۰ درصد شاغلین روستایی در این بخش فعالیت دارند. لذا اغلب سکونتگاه‌های روستایی شهرستان البرز سکونتگاه‌های صنایع‌دستی- صنعتی می‌باشند و نکته حائز اهمیت، کاهش تعداد شاغلین روستایی در بخش صنعت می‌باشد که به دلیل شکل‌گیری نقاط شهری جدید در محدوده شهرستان البرز ناشی از توسعه روستاها است. اما در شهرستان آبیک وضع متفاوت است و مشاغل روستایی موجود عمدتاً از نوع اول و سوم است به طوری که بیش از ۴۰ درصد از شاغلین روستایی این شهرستان در بخش کشاورزی و همین نسبت از شاغلین روستایی آن‌را فعالیت‌های خدماتی تشکیل می‌دهند. لذا بیشتر سکونتگاه‌های روستایی شهرستان آبیک سکونتگاه‌های زراعی خدماتی هستند.

کارکرد خدماتی- تسهیلاتی روستاها ممکن است به تأمین و برآوردن نیازهای خود سکونتگاه محدود گردد یا دامنه وسیع‌تری را شامل شود و نیازهای سکونتگاه‌های پیرامون را نیز در برگیرد.

بر اساس جدول زیر که در آن تعداد روستاها بر اساس تأمین خدمات نمایش داده شده، تنها ۱۴/۷ درصد از سکونتگاه‌های روستایی استان به تأمین خدمات برای خود یا دیگران پرداخته و تنها ۳۵,۸ درصد از روستاها به سایر سکونتگاه‌های روستایی دیگر خدمات ارائه می‌نمایند.



در بین شهرستان‌های استان بیشترین تعداد روستاهای خدمات‌دهنده متعلق به شهرستان بوئین‌زهرا است که می‌تواند نشان‌دهنده بزرگی روستاهای واقع در این شهرستان بوده و کارکرد مرکزیت روستایی را برای آن‌ها تعیین نماید و از نظر نسبی نیز بیشترین روستاهای خدمات‌رسان در شهرستان البرز واقع شده و مهم‌ترین دلیل نیز نسبت کمتر روستانشینی در این شهرستان نسبت به سایر نقاط استان است. موضوع حائز اهمیت آن است که در تمام شهرستان‌های استان وابستگی بسیار زیادی را به شهر یا آبادی دیگر می‌توان مشاهده نمود و ترکیب این نتایج با پرونده‌های سنجش سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان قزوین که در آن به وجود یا عدم وجود تسهیلات و امکانات پرداخته شده، نشانگر آن است که علیرغم توسعه‌یافتگی نسبی شهرستان‌های استان قزوین، وابستگی فراوانی به شهرها یا روستاهای مرکزی وجود دارد.

تعداد روستاهای واقع در شهرستان‌های استان قزوین بر حسب امکان تامین مایحتاج

کل تعداد روستاها	روستای وابسته به شهر یا آبادی دیگر		روستای تامین‌کننده خدمات برای دیگران		روستای تامین‌کننده خدمات برای خود یا دیگران		شهرستان
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۱۲	۵۱٫۷۹	۵۸	۱۲٫۵	۱۴	۱۹٫۶۴	۲۲	آبیک
۳۴	۶۴٫۷۱	۲۲	۱۱٫۷۶	۴	۲۳٫۵۳	۸	البرز
۳۰۳	۵۴٫۱۳	۱۶۴	۱۰٫۲۳	۳۱	۱۹٫۸	۶۰	بوئین‌زهرا
۱۴۹	۶۲٫۴۲	۹۳	۸٫۷۲	۱۳	۱۸٫۷۹	۲۸	تاکستان
۵۵۲	۶۰٫۳۳	۳۳۳	۶٫۱۶	۳۴	۹٫۲۴	۵۱	قزوین
۱۱۵۰	۵۸٫۲۶	۶۷۰	۸٫۳۵	۹۶	۱۴٫۷	۱۶۹	جمع

(تحلیل ساختار سکونتگاهی و فضایی سند آمایش استان قزوین-۱۳۹۶)

عشایر استان

بر اساس سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، جمعیت استان قزوین ۱ میلیون و ۲۵۴ هزار و ۷۵۹ نفر است. براساس آخرین سرشماری عشایر کوچنده کشور در سال ۱۳۸۷ توسط مرکز آمار ایران، جمعیت بیلاقی عشایر قزوین ۱ هزار و ۳۵۴ نفر (۲۵۰ خانوار) و جمعیت قشلاقی عشایر این استان ۱ هزار و ۳۵۶ نفر (۲۴۷ خانوار) است. استان قزوین ۱۱ صدم درصد از جمعیت عشایری کشور را در خود جای داده است و به این لحاظ بیست و پنجمین استان عشایری کشور محسوب می‌شود. عشایر استان قزوین شامل ایل شاهسون بغدادی است و طوایف مستقل قزوین عبارتند از: چگینی، غیاثوند، درویشوند و کله‌کوهی. قزوین و بوئین‌زهرا از شهرستان‌های عشایرنشین استان قزوین است و به صورت محدود در شهرستان آبیک نیز مشاهده شده‌اند. عشایر عمدتاً دامدار هستند و مهم‌ترین تولیدات لبنی عشایر شیر، کره، پنیر، ماست دوغ و کشک است.

عمده عشایر استان در منطقه تارم‌سفلی سکونت و حالت نیمه یکجانشینی دارند. قوم چموش گزک، از جمله عشایر کوچ روی ایران بوده و آنچه درباره پیشینه قوم چموش گزک می‌دانیم این است که: «بنابر ارقام موجود، شاه عباس در اوایل سلطنت خود چهل هزار خانوار از طوایف کرد چموش گزک را از شمال غرب آذربایجان به جلگه‌های ورامین کوچاند.» این مردمان با مهاجرت به سوی قزوین و سکونت در منطقه تارم‌سفلی به زندگی کوچ‌نشینی خویش ادامه داده و امروز خانوارهایی از این مردم هنوز به زندگی عشایری خویش پایبندند.

بیلاقی این مردمان در مناطق مرتفع تارم‌سفلی (شبه دشت) است و این مردمان به کار دامداری در این ارتفاعات اشتغال دارند. برخی از اقوام چموش گزک در روستاهایی چون چلمبه، چوبه، آلتین‌کش، کشکور و... ساکن شده و به کار زراعت و دامداری در قالب فرهنگ و معیشت روستانشینی می‌پردازند. این کوچ روها در مناطق محدودی از دهستان خندان پراکنده شده و در آن ساکن شده‌اند. در طی سالیان گذشته، در اثر تعامل و مراوده با روستانشینان ترک زبان منطقه، ایل چموش گزک قادر به تکلم به زبان ترکی شده و نسبت به روستاهای لرنشین تارم تسلط بیشتری به زبان ترکی دارند؛ زیرا میزان آمیزش این قوم با ساکنین منطقه بیشتر از مهاجرین لر بوده است.



بیلاق شمه / شاما دشت (Shama Dasht)

- شاهورن / شَوْرَن اوباسو (Shavran Obaso)

منطقه شمه دشت در غرب تارم سفلی واقع و ارتفاع آن از سطح آب‌های آزاد در حدود ۲۸۰۰-۳۰۰۰ متر می‌باشد. شمه دشت از دیرباز مورد توجه ایل‌ها و اقوام کوچ روی تارم سفلی بوده و اقوام مذکور از این منطقه به عنوان بیلاق خویش استفاده می‌کنند. بر فراز کوه‌های مرتفع و پرشیب این بخش از تارم، زمین‌های هموار و سرسبزی قرار دارند که محل زندگی ایل‌ها و دام‌هایشان است. سه ایل کلج اوباسی، آلتین کش اوباسی و شاهورن اوباسی هر کدام به فاصله چند کیلومتر از هم در اطراف چشمه‌ها و چمنزارهای منطقه مستقر شده‌اند.

پرجمعیت‌ترین ایل منطقه شمه دشت، ایل شاهورن است که در حدود ۲۷ خانوار (در حدود ۷۰ نفر) جمعیت دارد. راه دسترسی به این ارتفاعات از طریق جاده خاکی صعب‌العبوری است که به روستای عمقین و شهر سپردان و روستاهای دیگر منتهی می‌شود. البته طی سالیان اخیر با فعالیت معدن گرانتیت در این ارتفاعات، جاده مذکور مرمت شده و روستاییان آسان‌تر از گذشته به این منطقه تردد می‌کنند. اولین ایلی که پس از رسیدن به شمه دشت از سمت سپردان با آن مواجه می‌شویم، ایل شاهورن است که از اقوام چموش گزک هستند.

از جاذبه‌های طبیعی این منطقه می‌توان به چشمه‌های آب‌معدنی معروف آن، مراتع و چمنزارهای سرسبز و قله مرتفع آن اشاره کرد. پیشه غالب ایل دامداری بوده و از طریق تولیدات دامی (گوشت و لبنیات) امرار معاش می‌نمایند.



در حقیقت، وجود مراتع همیشه سرسبز و آب کافی در این منطقه باعث شده تا دامداری رکن اصلی زندگی این اقوام را تشکیل دهد. آب و هوای سرد و مرطوب شمه دشت، آن را به یکی از تفرجگاه‌های تارم‌سفلی به ویژه در فصل تابستان تبدیل کرده است. لازم به ذکر است که دامداران شاهورن به غیر از دامداری در بیلاق شمه دشت، در روستای شاورن، واقع در همسایگی روستای آلتین‌کش، به کار باغداری و تولید زیتون و روغن آن نیز مشغولند.

- کلج اوباسو (Kallaj Obaso)

پس از عبور از محل ایل شاهورن، دومین ایلی که در راستای جاده خاکی شمه دشت منزل دارند، ایل کلج اوباسو است که ساکنین آن از عشایر روستای کلج به شمار می‌روند و زمستان را در این روستا و به ویژه در محله موسوم به داش (محله سنگی) به سر می‌برند. این ایل‌ها به فاصله چند کیلومتری از هم در سطح منطقه بیلاقی شمه دشت پراکنده شده و به کار دامداری اشتغال دارند.



در بندکلیج محل زیست حیوانات نادری چون بزکوهی، قوچ ارمنی، خرس، پلنگ، گرگ و دیگر جانوران و دوزیستان است. این روستا از قدیم قشلاق اقوام چموش گزک محسوب شده و این ایل زمستان را در این روستا سپری می‌کردند. گرچه امروزه این روند با وجود رکود چنین فعالیت‌هایی همچنان ادامه دارد و عشایر بخشی از ساکنین روستا به خصوص در بخش غربی را تشکیل می‌دهند که به داش محله‌سی (محل سنگ) معروف است. آب کشاورزی باغات زیتون از رودخانه قزل‌اوزن و آب آشامیدنی نیز از طریق کوه‌های بیلاق گیلجار واقع در غرب تارم‌سفلی تامین می‌گردد.

(طرح مستندنگاری صنایع دستی استان قزوین- ۱۳۸۸)



فصل ۲
تاریخچه کشاورزی
و دامپروری





کشاورزی

اهمیت کشاورزی ایران در عهد باستان و توجه خاص مردم به ساخت و پرداخت ابزارهای کشاورزی و دقت نظر به روش‌های آبیاری که نمونه‌ای از مبارزه انسان با ناسازگاری‌های طبیعت و استفاده حداکثر از زمین‌های زراعتی است، این مهم را می‌رساند که کشاورزی یکی از ستون‌های استوار مدنیت ایران زمین بوده است. کاوش‌های باستان‌شناسی ثابت کرده است که ایران در امر کشاورزی قدیمی‌تر از مصر و کشورهای همسایه بوده است و کشف نقاطی در شوش و دامغان قدمت تاریخ کشاورزی ایران را تا بیش از شش هزار سال پیش تخمین می‌زند. (تاریخ کشاورزی در دوران ساسانیان - طوبی فاضلی پور - ۱۳۸۰ - ص ۹ و ۱۰ و ۱۱).

- گیرشمن می‌نویسد: سکنه بدوی بین‌النهرین که کشاورزی پیشرفته داشتند از همان نژاد و منشا سکنه فلات ایران می‌باشند. بسیاری از اقوام جنوب غربی آسیا من جمله ایرانیان روش جمع‌آوری غلات را به مکان‌های جغرافیایی دیگر منتقل نموده و اقتصادی متکی بر کشاورزی را شکل دادند. (همان - ص ۲۹).

- باستان‌شناسان ضمن حفاریات خود به دانه‌های گندم و جویی دست یافتند که قدمت آن‌ها به پنج تا شش هزار سال قبل از میلاد می‌رسید. این تاییدی بر وجود زراعت عالی در ایران هزاره چهارم قبل از میلاد می‌باشد. لذا ایران را می‌توان نخستین خاستگاه کشاورزی در جهان دانست. (همان - ص ۳۱)



- در گزارش‌های نخستین دولت چین در زمان اشکانیان آمده است که مردم ایرانی دهقان هستند و به کار کشاورزی اشتغال دارند و برنج و جو می‌کارند. (همان- ص ۴۲)
- نقل شده است که انگور از دوران هخامنشی کشت می‌شده است. در متون تاریخی، مقدسی، آمل، دیلم، قزوین، ارمستان و قفقاز شمالی را مکان کشت انگور ذکر نموده است. (همان ص ۱۳۲)
- در فقه اسلامی جامعه به طبقاتی تقسیم می‌شود و آن طبقه‌ای که سایر طبقات روی آن قرار گرفته طبقه کشاورز است و عقیده عامه بر آن است که سعادت ملت و آخرین مایه امید او بسته به کار و کوشش کشاورز است. اگر حال و روز دهقانان تباہ شود از میزان خیر و سعادت عامه و عواید دولتی کاسته می‌گردد. در اوستا نیز چنین آمده است: ای آفریدگار این جهان مادی، ای پروردگار مقدس، خرمی در کجای جهان بیشتر است؟ و اهورامزدا پاسخ داد: "جایی که گندم بیشتر می‌روید، آنجا که گیاه و درختان میوه است و زمین خشک مبدل به زمین پر آب و مرداب مبدل به زمین خشک می‌گردد." امام علی (ع) در نامه‌ای به مالک اشتر می‌نویسد که: "باید وزیر در عمارت و زراعت ولایت کوشد." (مالک و زارع در ایران- لمتون- ۱۳۴۵)
- به طور کلی وضعیت کشت و کار از قدیم در فلات ایران با توجه به اقلیم، به صورت دیم بوده است و محصولات عمده‌ای که در این فلات به دست می‌آمده شامل گندم، جو، ارزن، یونجه، حبوبات، پنبه، تریاک و تنباکو و درختان میوه و انگور ذکر شده است. (همان- ص ۳۲)
- موقعیت جغرافیایی قزوین برای کشاورزی مانند سایر مناطق فلات ایران است و در مورد محصولات کشاورزی آن منابعی وجود دارد که برخی از آن‌ها به شرح زیر است:



- "قزوین را کشت بر آب باران بود و با این بی آبی شهر پر نعمت است و میوه بسیار دارند. انگور و بادام و مویز چندان بود که به شهرها برند." مینودر ص ۸۳
- "حصار چینه بی خندق و باغها و رزستان اطرافش زیاد و آبش کم است." همان ص ۱۹۲
- "قزوین دارای دهاتی ثروتمند است که در آنها دانه‌های مزروعی به عمل می‌آید." همان ص ۱۹۸
- "در اراضی قزوین پسته به عمل می‌آید و مثل انگور خوشه دار است." همان ص ۲۳۸
- "در اینجا بهترین انگور ایران به دست می‌آید که موسوم است به شاهانی ... این انگور را به تمام نقاط کشور می‌فرستند...." همان ص ۲۴۲
- "در اینجا پسته خیلی درشت به دست می‌آید." همان ص ۲۴۲
- "محصول عمده باغ‌های قزوین انگور، پسته، بادام و قیسی است. کم و بیش گوجه، سیب، هلو، توت و گردو هم یافت می‌شود...." همان ص ۸۷۰
- "انواع گیاهان خوراکی و پزشکی از کوه‌های الموت به دست می‌آید...." همان ص ۹۳۴
- "بسیاری حرف و صنایع دیگر که در کارهای نجاری و کشاورزی و غیره مورد احتیاج بود در خود قزوین به وسیله صنعتگران محلی تهیه و در دسترس خریداران قرار می‌گرفت...." همان ص ۷۳۹
- "کارخانه خشکبار قزوین در سال ۱۳۳۳ بهره‌برداری شده و جهت تمیز کردن کشمش و آماده کردن آن برای صادرات است." همان ص ۷۴۹





دامپروری

تاریخچه دامپروری بر اساس منابع و شواهد به دست آمده به حدود ۱۱ هزار سال پیش از میلاد حضرت مسیح (ع) در ایران باستان باز می‌گردد. اهلی کردن حیوانات توسط بشر، اولین بار در تمدن‌های ساکن در آسیا اتفاق افتاده و اساساً مفهوم حیوانات اهلی در جامعه بشری قدمتی حدود ۳۲ هزار ساله دارد. این موضوع مربوط به دوره کواترنری زمین شناسی، دوره پلیستوسن است که بازه‌ای بین ۲/۵ میلیون سال پیش تا ۱۰ هزار سال پیش را پوشش می‌دهد. گوسفند اولین دامی بوده که اهلی شده است. این‌که چطور و چگونه انسان موفق به اهلی کردن گوسفند شده به شکل واضح و قطعی معلوم نیست، اما می‌دانیم که انسان شکارچی به واسطه نگهداری از حیوانات اهلی شکار را کنار گذاشته و به دامپروری مشغول شده و این موضوع اساس تفاوت انسان‌ها در انتخاب شیوه زندگی بوده است، چرا که اگر کشاورزی را انتخاب می‌کرد باید در یک مکان، با در نظر گرفتن تمام خطرات و فرصت‌ها، ساکن می‌شد و به کشت و زرع می‌پرداخت، اما اگر پرورش دام و نگهداری از حیواناتی که اهلی شده بودند را انتخاب می‌کرد باید برای تأمین خوراک آن‌ها مدام از جایی به جای دیگر کوچ می‌کرد و به دنبال مراتع و دشت‌های سرسبز می‌گشت. بدین شکل به مرور تاریخچه دامپروری شکل گرفته است.

با رشد مدنی جوامع انسانی، به این دلیل که احساس نیاز به تأمین غذای افراد جامعه بیش از پیش شده بود، اهمیت دامپروری و پرورش حیوانات اهلی رو به افزایش گذاشت. به مرور طوایف و ایل‌هایی که دارای گله بیشتری بودند از قدرت و ثروت بیشتری برخوردار شدند. این باعث می‌شد که نسبت به دیگر اقوام پیشرفته‌تر باشند و برای دستیابی به گله بزرگ‌تر و زودبازده تلاش‌هایی را آغاز کنند. کم‌کم پیشرفت جامعه بشر به پرورش حیوانات و تولیدات آن‌ها وابستگی بیشتری پیدا کرد و با آغاز زندگی شهرنشینی نیازهای روزافزونی به وجود آمد. انسان توانست با دخالت در جفت‌گیری گوسفندان و کنترل آن، به اصلاح نژاد دامی دست یافته و شکل و ریخت جدیدی از دام‌های مورد نیاز خود را در جهت رفع احتیاجات و ملزومات زندگی خویش به وجود آورد.

دامپروری سنتی از نظر شناخت بیشتر روش‌های پرورش و جفت‌گیری و نگهداری از بره‌ها، شناخت بیماری‌های رایج و علل شیوع بیماری و یا بیماری‌های مشترک بین دام و دیگر حیوانات اهلی، پیشرفت‌های چشم‌گیری را تا به امروز داشته است، اما به طور کلی از نظر ساختار کلی کوچ‌محوری برای دستیابی به علوفه تازه و نظام خوراک‌دهی به دام، تغییر چندانی نداشته است.

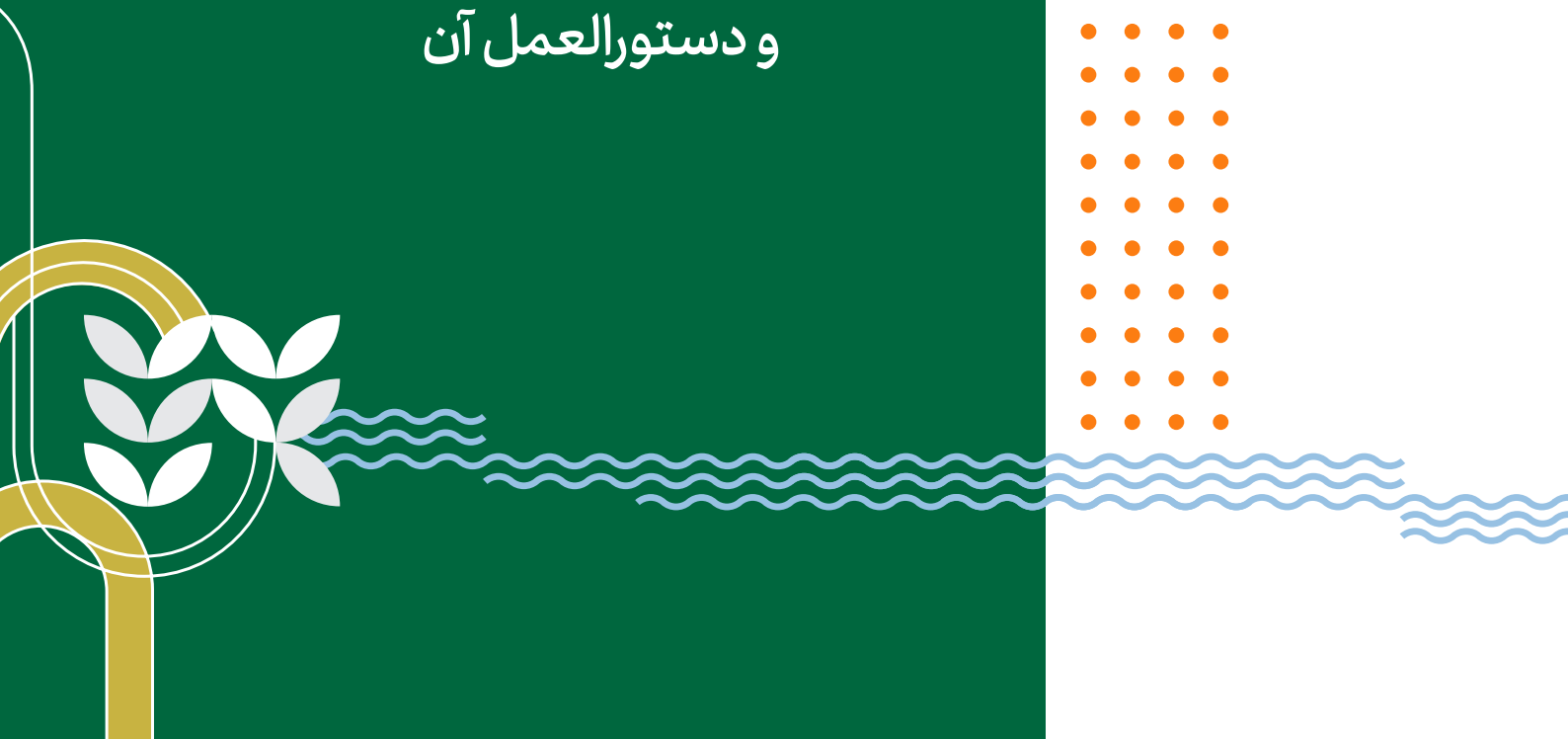
با شهرنشین شدن روستاییان و مقیم شدن ایل‌ها، تولید تا حد قابل توجهی کاهش یافت و در نتیجه تقاضا بیش از تولید شد. به همین دلیل مسئولیت دام‌داران و دامپروران برای تأمین غذای مورد نیاز جامعه بیشتر شد. از این رو با سرعت هر چه تمام‌تر، دامپروری به سمت مدرن و صنعتی شدن پیش رفت.

در استان قزوین انواع دام‌های سبک و سنگین پرورش داده می‌شود و بالغ بر سه نژاد گوسفند در استان وجود دارد. گوسفند شال از جمله نژادهای برتر گوشتی ایران و خاستگاه واقعی این نژاد در جنوب غربی استان است. دو نژاد دیگر شامل فشندی و الموت می‌باشند. (چشم‌انداز بخش کشاورزی استان قزوین- جهادکشاورزی قزوین)

با توجه به ظرفیت‌های موجود در بخش دام و طیور، زنبور عسل و آبزیان در استان، می‌توان در بخش گردشگری کشاورزی از این ظرفیت‌ها بهره جست، به ویژه با توجه به منابع آبی استان، پتانسیل گردشگری کشاورزی در حوزه آبزیان قابل تامل است.



فصل ۳
گردشگری کشاورزی
و دستورالعمل آن



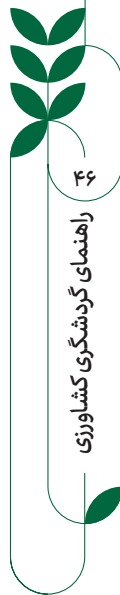




گردشگری کشاورزی

گردشگری کشاورزی یکی از شاخه‌های صنعت گردشگری است که علاوه بر درآمدزایی در حوزه گردشگری، می‌تواند به عنوان منبع درآمد ثانویه‌ای برای کشاورزان به شمار آید. در این نوع از گردشگری از ظرفیت‌های حوزه کشاورزی برای گردشگری استفاده می‌شود. البته معمولاً اشتباهی که پیش می‌آید و به آن توجهی نمی‌شود، این است که کشاورزی، محدود به زراعت یا حداکثر باغداری شده است، در حالی که کشاورزی طیف وسیعی از فعالیت‌های مختلف است که زراعت، باغداری، دامداری و دامپروری، پرورش کرم ابریشم و زنبور عسل و پرورش و صید ماهی است و هر کدام از این فعالیت‌ها می‌تواند یک جاذبه برای کشاورزی باشد. بنابراین گردشگری کشاورزی، استفاده از زیرساخت‌ها و فضاهای تولید کشاورزی است که در خدمت گردشگری قرار می‌گیرد. در واقع، گردشگری کشاورزی، بازدید از یک مزرعه یا فعالیت‌های کشاورزی برای لذت‌بردن، آموزش و تجربه عملی فعالیت‌های مربوط به کشاورزی است.





اخیرا در مجلات مربوط به کشاورزی، سیستم‌های خوراک و توسعه جوامع، فعالیت‌های گردشگری کشاورزی را به گونه‌ای دسته بندی می‌کنند که بیش از یک گروه را شامل می‌شود. این دسته‌بندی‌ها فروش مستقیم به مشتری (برداشت محصول توسط گردشگر، حضور در مزرعه)، آموزش کشاورزی (بازدید مدارس از مزرعه)، میزبانی (اقامت چند روزه در مزرعه)، فعالیت‌های ورزشی مانند شکار و اسب‌سواری و فعالیت‌های سرگرمی مانند علف‌چینی و برداشت را شامل می‌شود. بیشتر گردشگران کشاورزی، زمانی را جهت بازدید از مزارع می‌گذرانند تا به جمع‌آوری میوه یا غذا دادن به حیوانات بگذرانند. برخی ممکن است فعالیت زراعی انجام دهند و در فعالیت‌های سخت و نگهداری احشام کمک نمایند. (ویکیپدیا)

مطالعات کشاورزی نشان داده‌اند در فرایند سریع صنعتی‌شدن، بخش کشاورزی بیشترین آسیب را متحمل شده است. از بین رفتن روش‌های کهن و سازگار با محیط در بخش کشاورزی و جایگزین کردن و استفاده از الگوهای وارداتی کاشت، داشت و برداشت بدون هیچگونه تناسبی با محیط، باعث کاهش بازده تولید در بلند مدت، فرسایش خاک و تخریب شدید محیط‌زیست شده است. بنابراین اهمیت به دانش بومی و ایجاد زمینه‌ای برای شناخت و استفاده از آن از اقدامات مهم شمرده می‌شود. در نتیجه توجه به میراث کشاورزی می‌تواند در ارائه اطلاعات و فرهنگ بومی کشاورزی کمک موثری نماید.

دشت قزوین دارای تنوع بالایی در زمینه کشاورزی است و با توجه به قدمت آن، این دشت مراحل مختلف کشاورزی را به خود دیده است. کشاورزی در نوع عام خود شامل زراعت، باغداری و دامداری است که هر یک در نوع خود دارای زمینه‌های مختلف شناختی از ابتدایی‌ترین تا پیشرفته‌ترین مراحل هستند. از این رو شناخت میراث کشاورزی استان ضروری می‌نماید. همان‌طور که از عناوین مرتبط به میراث کشاورزی مشخص است (چشم‌اندازها، باغ‌ها، مزرعه‌ها، محصولات کشاورزی، گونه‌های بومی، روش‌های آبیاری و کشاورزی، ابزارها، علم تغذیه، فستیوال‌های سنتی، سبک زندگی و ...)، این نوع میراث می‌تواند با میراث فرهنگی (بناهای مربوط به کشاورزی)، میراث طبیعی (باغ‌ها و چشم‌اندازها)، میراث معنوی (سنت‌ها و فستیوال‌ها) و میراث صنعتی (آسیاب‌ها و بناهای زادبومی) مرتبط باشد. شاید واژه میراث کشاورزی واژه‌ای باشد که کمتر آن را شنیده باشیم اما مفهوم عجیبی نیست و برای همگان آشناست چرا که هر فرد ایرانی قنات و کبوترخانه و سد و سیستم‌های آبرسانی را در شهرهای مختلف ایران مشاهده کرده است و همگان از وجود جشن‌ها و سنت‌های مربوط به کشاورزی و باغبانی باخبر هستند.

میراث کشاورزی از جنبه‌های مختلف می‌تواند نقش مهمی در ارائه فرهنگ و رونق گردشگری ایران داشته باشد. از جمله دلایل آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- وجود سفالینه‌های متعدد با نقوش مختلف گیاهی که از فرهنگ کشاورزی در ایران سخن می‌گویند.
 - حضور باغ در فرهنگ دیرین ایرانی که از عناصر بسیار مهم کشاورزی است.
 - وجود جشن‌ها و فستیوال‌های مختلف که همگی از سنت‌های باستانی و میراث معنوی این سرزمین سخن می‌گویند. مثلاً جشن نوروز با فرهنگ کشاورزی درآمیخته است. در شهرهای مختلف از جمله قزوین نیز جشن‌های برداشت محصول برگزار می‌شود که قابلیت جذب گردشگر را دارند.
- (طرح مرمت و احیاء عمارت سپهدار- موزه کشاورزی قزوین- رضا سامه - ۱۳۸۹)





دستورالعمل گردشگری کشاورزی

به استناد جزء (۷) بند (ج) ماده (۱) آیین نامه «ایجاد، اصلاح، تکمیل، درجه بندی و نرخ گذاری تأسیسات گردشگری و نظارت بر فعالیت آن‌ها» مصوبه شماره ۵۱۰۰۱/۷۵۷۹۱ هـ مورخ ۱۳۹۴/۶/۴ هیات محترم وزیران با موضوع «محیط‌ها و پارک‌های طبیعت‌گردی و گردشگری روستایی و عشایری» و تفاهم نامه همکاری وزارت جهاد کشاورزی و وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی مورخ ۱۴۰۰/۰۲/۲۷، الزامات مجوزهای گردشگری کشاورزی به شرح زیر تعریف شده است:

گردشگری کشاورزی شامل کلیه فعالیت‌های مرتبط با کشاورزی نظیر زراعت، باغبانی، دام و طیور، آبروی پروری، زنبورداری و ...، فعالیت پس از برداشت، آداب و رسوم محلی و نظایر آن می‌شود که در آن یک بازدید کننده در مزرعه یا دیگر محیط‌های کشاورزی با اهداف آموزشی و تفریحی، فعالیت‌های کشاورزی انجام می‌دهد. لذا گردشگری کشاورزی شاخه‌ای از گردشگری است که در آن کشاورزان و کارآفرینان حیطه کشاورزی، خدماتی را برای فراهم شدن امکان مشارکت عملی و اقلان نیازهای بازدیدکنندگان در محیط‌های کشاورزی ارائه می‌کنند و گردشگران در ازای برخورداری از خدمات مذکور، هزینه‌ای به آنان می‌پردازند.

بازدیدکننده در مزرعه یا دیگر محیط‌های کشاورزی به تفریح و آموزش می‌پردازد و خدماتی برای مشارکت وی در فعالیت‌های کشاورزی به وی ارائه می‌گردد. در ازای این خدمات، گردشگران هزینه‌ای را به خانواده کشاورز پرداخت می‌نمایند.

مراکز گردشگری کشاورزی عبارتند از: واحد تولیدی کشاورزی اعم از مزرعه، باغات، گلخانه، پرورش ماکیان، دامپروری، شیلات، عرصه‌های تولید در فضای باز و بسته و رویشگاه‌های طبیعی که با توجه به جاذبه‌هایی همچون تولید خوراکی، دارویی از محصول و صنایع تبدیلی و فراوری، امکان بهره‌مندی توسط گردشگران را فراهم می‌نماید. لذا این مراکز شامل محدوده‌هایی با تقاضای هر فرد حقیقی و یا حقوقی جهت ایجاد کسب و کار گردشگری کشاورزی به صورت فعالیت‌های تجربه‌گرا و بدون نیاز به سازه ثابت می‌شود که پس از اخذ مجوزهای لازم فعالیت می‌نماید. سازه‌های مورد استفاده در گردشگری کشاورزی تأسیسات متحرک و غیر ثابت است با قابلیت برچیده شدن که کمترین دخالت و تخریب در محیط طبیعی را داشته و سازه‌ای سبک با ایمنی کافی باشد.

در محدوده طرح‌های هادی روستا، ساخت سازه‌های ثابت با رعایت قوانین مربوطه مجاز بوده و از مصادیق آن می‌توان به سازه‌های پیش ساخته مناسب با محیط طبیعی، سایبان، میز و صندلی، تخت استراحتگاهی، چادرهای اقامتی و سازه‌های موقت و بدون فونداسیون و بدون استفاده از مصالح نامتعارف که کمترین مداخله را در زمین دارند اشاره نمود.



عکس: سید جعفر مهدی حسینی

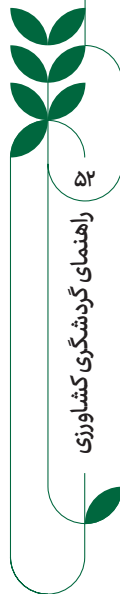
در ایجاد تاسیسات مرتبط با گردشگری کشاورزی، حفظ کاربری اراضی زراعی و باغی الزامی است و ظرفیت کشاورزی و برد محل باید مد نظر قرار گیرد. گردشگری به عنوان بخش ارزش افزوده و مکمل درآمدزایی و ایجاد زمینه‌های کسب و کار در نظر گرفته می‌شود.

این مراکز باید دارای مراکز پذیرش و راهنمایی گردشگران باشند و آن‌ها را به بخش‌های مختلف راهنمایی نمایند. همچنین نصب علائم و تابلوهای راهنما در قسمت‌های مختلف ضروری است.

رعایت نکات ایمنی، جعبه کمک‌های اولیه، دسترسی نهادهای امدادی به بخش‌های مختلف، نصب وسایل اطفای حریق، رعایت بهداشت در پذیرایی و استفاده از تجهیزات مناسب و استاندارد برقی، نفتی و گازی، سیستم‌های آب و فاضلاب مناسب جهت جلوگیری از آسیب به محیط‌زیست و پیش‌بینی‌های لازم جهت مقابله با بلایای طبیعی از الزامات صدور مجوز در بخش گردشگری کشاورزی است.

فعالیت‌های تجربه‌گرا و بدون نیاز به سازه می‌تواند موارد زیر را شامل شود:

- کسب تجربه و همکاری در امور کشاورزی تولیدی از قبیل میوه‌چینی، گل‌چینی، ماهیگیری، هرس درختان و آبیاری
- تماشای امکانات و تجهیزات مزارع (باغات) و مراکز پرورش گونه‌های حیوانی، پرنده‌نگری، بازدید از ابزار کاشت محصول
- فعالیت‌های تفریحی از قبیل برگزاری تور پیاده روی، تفریح و خورگشت، اسب و کالسکه سواری، بالن‌سواری بر فراز مزرعه، عکاسی و نقاشی
- ارائه فراورده‌ها و محصولات کشاورزی و دامی، آشپزی و عرضه غذاهای محلی
- برگزاری دوره‌های آموزشی مرتبط با کشاورزی
- برگزاری جشنواره‌ها، رویدادها و همایش‌های مرتبط و موضوعی



رسته‌های فعالیتی مرتبط با گردشگری کشاورزی شامل کلیه رشته‌های کشاورزی و دامپروری با اولویت موارد زیر است:

- گردشگری مزرعه: مزارع محصولات زراعی شامل گندم، برنج، سبزی، صیفی جات و ...
- گردشگری در باغات: باغ میوه‌های سردسیری و خشک، میوه‌های گرمسیری و نیمه گرمسیری، کشت گیاهان دارویی، معطر و ادویه‌ای، گل و گیاهان زینتی فضای باز، محصولات گلخانه‌ای، قارچ‌های خوراکی و ...
- گردشگری به منظور بازدید از شیوه دامداری و دامپروری: مراکز پرورش و پرواربندی گاو، گوسفند، شترمرغ و ...
- گردشگری به منظور بازدید از شیوه پرورش ماکیان: تولید و پرورش جوجه و پرندگان خاص
- گردشگری در مراکز وابسته کشاورزی و شیلات: گلخانه‌ها، کارگاه‌ها، سردخانه‌ها و محل نگهداری محصولات کشاورزی

توسعه گردشگری کشاورزی می‌تواند مزایای زیر را به همراه داشته باشد:

- تهیه بانک اطلاعات جامع فعالان گردشگری کشاورزی
- ترویج فرهنگ گردشگری در حوزه روستایی و معرفی جاذبه‌های بکر طبیعی
- تعریف طرح‌های مطالعاتی و پژوهشی
- ثبت دانش بومی کشاورزی و معرفی قابلیت‌های فرهنگ بومی استان
- ایجاد موزه گردشگری کشاورزی و شناخت ادوات بومی کشاورزی
- مرمت و احیاء سازه‌های مرتبط با کشاورزی بومی
- معرفی گونه‌های گیاهی و دانش گیاهان دارویی
- حفظ آداب و سنت‌های کشاورزی بومی به عنوان جاذبه گردشگری
- بهبود معیشت کشاورزان و توسعه پایدار روستایی
- حفظ حقوق و منافع مشروع قانونی فعالان بخش گردشگری کشاورزی و استفاده از ظرفیت آن‌ها در جهت پیشبرد اهداف گردشگری و نظارت بر فعالیت و عملکرد آن‌ها
- کاهش بیکاری و افزایش درآمد روستاییان
- کاهش نامطلوب آثار زیست‌محیطی



شرایط عمومی مجوز گردشگری کشاورزی:

- الزام حفظ کاربری اراضی زراعی و باغی
- حفظ ظرفیت کشاورزی و ظرفیت برد محل اعطای مجوز (گردشگری به عنوان بخش ارزش افزوده و مکمل در درآمدزایی و ایجاد زمینه‌های کسب و کار در این مناطق به‌کار گرفته می‌شود)
- دارای ورودی و دفتر پذیرش نصب علائم، تابلو راهنمای مجموعه
- رعایت استانداردهای ایمنی و بهداشت
- مجهز به سیستم آب و فاضلاب (به نحوی که باعث آلودگی زیست‌محیطی نشوند) و زهکشی باشند.



مصادیق سازه

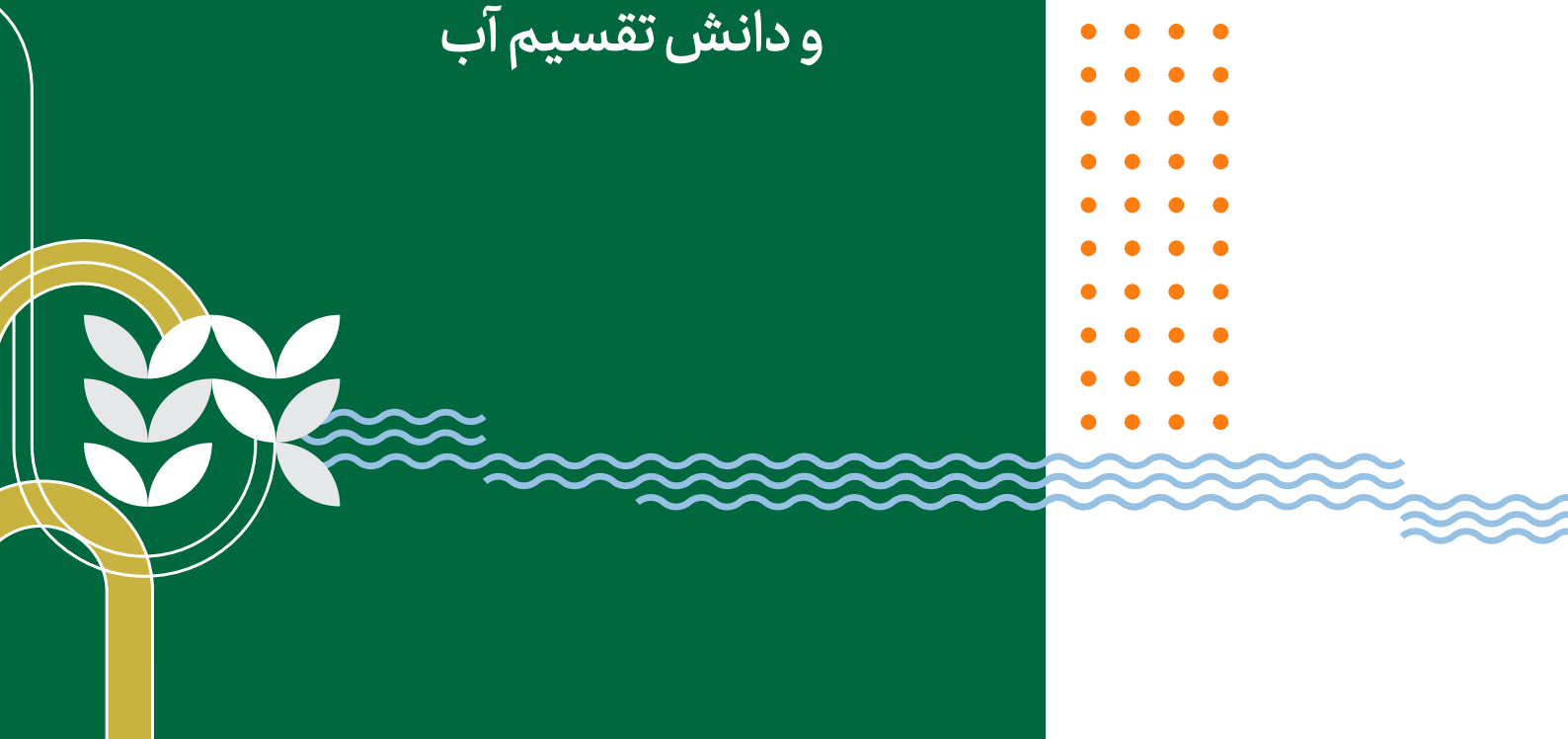
- سازه‌های پیش ساخته متناسب با محیط طبیعی
- سایبان
- میز و صندلی
- تخت استراحتگاهی
- چادرهای اقامتی
- سازه‌های موقت و بدون فوندانسیون و بدون استفاده از مصالح نامتعارف که کمترین مداخله را در زمین دارند

مساحت و نصاب اراضی مورد نیاز

عنوان	حداقل مساحت زمین مورد نیاز
بخش زراعت	۱۰۰۰۰ متر مربع
بخش باغبانی	۵۰۰۰ متر مربع
دامداری و دامپروری	برحسب مجوزی که از جهادکشاورزی جهت فعالیت دامداری و دامپروری اخذ شده است
پرورش ماکیان	برحسب مجوزی که از جهادکشاورزی جهت پرورش ماکیان اخذ شده است
سایر فعالیت‌های تولید و عرضه محصولات کشاورزی	برحسب مجوزی که از جهادکشاورزی جهت امور مربوطه اخذ شده است



فصل ۴
فناوری های بومی کشاورزی
و دانش تقسیم آب







طی ۱۰ سال اخیر با اجرای طرح مستندنگاری صنایع دستی استان و ایجاد موزه کشاورزی در عمارت سپهدار، بسیاری از ابزارآلات مربوط به کشاورزی و آیین‌های مربوط به آن در استان شناسایی شده‌اند. در حال حاضر موزه کشاورزی در دولتخانه صفوی برقرار و برای عموم قابل بازدید است. برخی ابزار مرتبط نیز در قالب جدول معرفی شده‌اند. هرچند امروزه با مکانیزه شدن فرایند کشاورزی، این ابزار فاقد کاربرد هستند ولی بخش مهمی از فرهنگ غنی کشاورزی استان قزوین را معرفی می‌نمایند. این ابزار هنوز در برخی روستاها قابل مشاهده‌اند، از این رو می‌توانند به عنوان بخشی از فرهنگ بومی برای گردشگری دارای جذابیت باشند.



انواع ابزار کشاورزی

علاوه بر ابزار معمول کشاورزی مانند بیل، داس، اره و کلنگ، برخی ابزار سنتی مرتبط با کشاورزی به صورت زیر معرفی می‌شوند:



نام شی	کتل یا کتیل
نام محلی	کتل- کتیل- Katel
منطقه شناسایی شده	آوج، تاجیکستان
جنس	چوب
کارکرد و مشخصات	حمل علوفه و محصولات کشاورزی بستن ساقه‌های گندم، جو و یونجه- چهار چوب به صورت دو به دو و در موازات هم است که در قسمت پایینی توسط یک چوب افقی کوچک به هم متصل شده‌اند



نام شی	گاو آهن
نام محلی	اوجار- ojar
منطقه شناسایی شده	آوج، آبیک، تارم
جنس	چوب
کارکرد	شخم زدن زمین



نام شی	علف خرد کن
نام محلی	خشگر- khashgar
منطقه شناسایی شده	همه مناطق استان
جنس	چوب و آهن
کارکرد	خرد کردن علوفه- این ابزار ارکت Arakat نیز نامیده می‌شود



نام شی	ظرف خمیر
نام محلی	سونه- Sonna
منطقه شناسایی شده	آوج، الموت
جنس	سفال
کارکرد	درست کردن و جایابی خمیر نان. در الموت به نام لاکو یا لکا نیز شناخته می‌شود و به عنوان ظرف ساییدن کشک نیز به کار می‌رود.



نام شی	داس
نام محلی	داس
منطقه شناسایی شده	همه مناطق استان
جنس	چوب و آهن
کارکرد	بریدن ساقه‌ها و هرس

نام شی	مهر چوبی- دج
نام محلی	مهر- Daj
منطقه شناسایی شده	تاکستان
جنس	چوب
کارکرد	تایید نهایی کیسه‌های گندم و کوبیدن مهر بر روی خرمن. دج. [د] [ا] مهر خرمن. چون دانه گندم یا جو را در خرمنگاه از کاه جدا و توده کنند و خواهند که شب هنگام یا تا گاه تقسیم از دستخوردگی مصون ماند آنرا دج کنند یعنی قطعه چوبی دسته‌دار را که بر سطح آن خطوطی یا اشکالی کنده‌گری و نجارت شده است به اطراف توده غله جای جای قرار دهند و بفشارند تا نقش آن خطوط و اشکال بر توده غله پیدا آید و شکسته شدن این نشانه‌ها برداشته شدن قسمتی از توده غله را نشان دهد. و رجوع به دج کردن شود. (دهخدا)





نام شی	خرمن کوب
نام محلی	جنجل - Janjal
منطقه شناسایی شده	آوج، تاکستان، تارم، الموت
جنس	چوب - آهن
کارکرد	کوبیدن خرمن جنجل‌هایی که کلا از چوب ساخته شده‌اند نیز در مناطق مختلف دیده شده‌اند.

نام شی	آسیاب دستی
نام محلی	دستاس - dastas
منطقه شناسایی شده	همه مناطق استان
جنس	سنگ
کارکرد	آردکردن غلات





نام شی	ظرف نگهداری حبوبات، آرد و غلات
نام محلی	کندو یا کندوله - Kandoo
منطقه شناسایی شده	همه مناطق استان
جنس	سفال به روش فتیله ای
کارکرد و مشخصات	ارتفاع ۱۵۰ سانتی-متر- قطر دهانه ۴۰ و قطر کف ۸۰ سانتی-متر- ظرف نگهداری آرد و غلات مواد اولیه شامل خاک رس، آب، خاک نرم و گیاهی بنام کرک، کاه و کود حیوانی به عنوان ماده چسباننده ساخت به روش فتیله-ای. هر فتیله را پس از ساختن با کاردک صاف کرده و فتیله دیگر بر روی آن می‌گذاشتند و پس از خشک شدن بر روی آن کاهگل می‌کشیدند.



نام شی	تنور
نام محلی	تنور یا تندور
منطقه شناسایی شده	تاکستان، الموت، تارم
جنس	استوانه‌ای از خاک، خاکستر و موی بز (برای چسبندگی بیشتر و جلوگیری از ترک خوردن)، ماسه نرم و مقادیری پودر رختشویی برای لیز شدن گل و به روش فتیله‌ای
کارکرد	تنوره‌های بزرگ برای پخت نان و تنوره‌های کوچکتر برای پخت شیره و رب و مواد غذایی کاربرد دارند. عمر این تنورها ۱۵ الی ۲۰ سال است. در منطقه تارم کندوی گلی با نام محلی "مکل Mokol" (محفظه‌ی مخصوص نگهداری نان) در کنار تنور ساخته می‌شود.



نام شی	مرزکش
نام محلی	کیکر - Keykar
منطقه شناسایی شده	آوج، تاجیکستان
جنس	چوب و آهن
کارکرد	بعد از شخم زدن زمین توسط گاو با این وسیله زمین کشاورزی را مرزبندی و کرت بندی می کردند تا بهتر و راحت تر آبیاری انجام گیرد.



نام شی	شن کش
نام محلی	شنه - Shaneh
منطقه شناسایی شده	همه مناطق استان
جنس	چوبی
کارکرد	جدا کردن دانه های گندم و جو از کاه. بعد از کوبیدن گندم و جو، مخلوط دانه و کاه را به صورت انباشته در یک جا جمع می کنند و برای اینکه دانه را از کاه جدا کنند، با شنه چوبی دانه و کاه را به هوا پرتاب کرده تا باد دانه ها و کاه را از هم جدا کند.



نام شی	ترازو
نام محلی	ترازو
منطقه شناسایی شده	آوج، تاجیکستان، تارم
جنس	چوب- آهن
کارکرد	دارای دو کفه بیضی شکل. هر کدام از سینی‌ها توسط ۳ زنجیر تقریباً ۷۰ سانتیمتری به یک دسته افقی شکل نصب می‌شدند و وسط دسته افقی شکل یک بند جهت بلندکردن ترازو از زمین قرار دارد.



نام شی	کیسه حمل کود
نام محلی	گوالا- زورابر - Gwala
منطقه شناسایی شده	بوئین زهرا
جنس	پشم
کارکرد	حمل کود و خاک- ۶۰ در ۱۰۰ سانتی‌متر



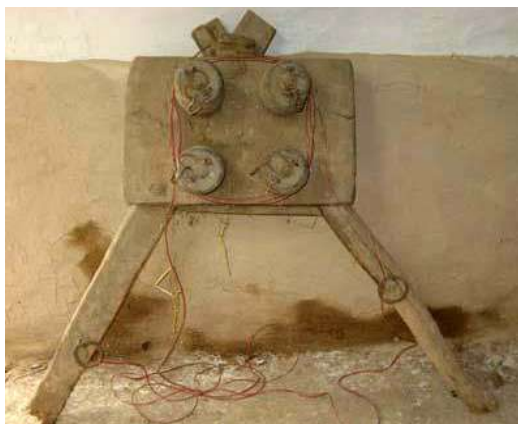
نام شی	سنگ پرتاب کن
نام محلی	چوپان قیه- Choopan qiye
منطقه شناسایی شده	بوئین زهرا
جنس	موی بز
کارکرد	پرتاب سنگ به صورت دستی برای دور کردن پرندگان از مزارع



نام شی	کیسه نگهداری گندم
نام محلی	کمچه - Kamcheh
منطقه شناسایی شده	بوئین زهرا
جنس	پشمی
کارکرد	نگهداری گندم و آرد



نام شی	خمره
نام محلی	بستو یا بسته - Bastoo
منطقه شناسایی شده	بوئین زهرا
جنس	سفال
کارکرد	نگهداری شیر و پنیر



نام شی	دستگاه طناب بافی
نام محلی	-
منطقه شناسایی شده	بوئین زهرا
جنس	چوب
کارکرد	بافت طناب



پلاس	نام شی
پلاس - Palas	نام محلی
کوهین	منطقه شناسایی شده
نخ پنبه	جنس
نگهداری آرد، نان و خمیر یا حمل کاه و علوفه	کارکرد



جای پا روی بیل	نام شی
اسبره - Asbara	نام محلی
کوهین	منطقه شناسایی شده
چوب	جنس
دسته بیل از آن عبور کرده و به کمک آن بر روی بیل سوار می شود. این ابزار چوبی در بخش بالایی کفه بیل قرار گرفته و عمل بیل زدن با پا را تسهیل می نماید.	کارکرد



نام شی	تور کاه کشی
نام محلی	ونه یا ونده- Vannah
منطقه شناسایی شده	همه مناطق استان
جنس	پشم یا پنبه
کارکرد	حمل کاه و علوفه در الموت به نام ونده (Vendeh) خوانده می شود. به نوع پلاستیکی آن زنبه گفته می شود. (Zanbeh) این وسیله در بین اقوام کردنشین تارم به شاوک (Shavak) معروف است.

نام شی	کیسه آرد
نام محلی	تایچه- taycheh
منطقه شناسایی شده	اقبال غربی- تارم
جنس	موی بز
کارکرد	نگهداری و حمل آرد اقوام کرد و لر به آن دستوره نیز می گویند و برای نگهداری قند و شکر نیز به کار می رود.



نام شی	سبد حصیری
نام محلی	کولشی سبد - Kolashi Sabad
منطقه شناسایی شده	همه مناطق استان
جنس	ساقه گندم
کارکرد	آبکش - نگهداری و جابجایی نان و مواد غذایی



نام شی	سبد
نام محلی	شوشکینه سبد Shooshkineh Sabad
منطقه شناسایی شده	همه مناطق استان
جنس	ساقه درختان بید، تبریزی، ارغوان، قره آغاج، سنجد
کارکرد	نگهداری و جابجایی محصول، دم‌کنی، نابند (قرار دادن زیر نان‌های از تنور درآمده)



نام شی	نمکدان
نام محلی	-
منطقه شناسایی شده	اقبال غربی
جنس	پشمی- گلیم باف
کارکرد	نگهداری نمک - در منطقه تارم به آن خویین نه (Khuin na) گفته می‌شود.



نام شی	طناب
نام محلی	ریس- Ris- تنگ Teng
منطقه شناسایی شده	همه مناطق استان
جنس	موی بز- کاموا- پنبه
کارکرد	بستن بار به طناب‌های سیاه و سفید از پشم خودرنگ تنگ گفته می‌شود. در برخی روستاهای الموت به نام لافن نیز شناخته می‌شود. (Lafen) در منطقه بوئین‌زهره به آن قزیل (Qazil) گفته می‌شود.





نام شی	چیغ یا چیق
نام محلی	چیغ - Chiq
منطقه شناسایی شده	تارم - الموت
جنس	ساقه‌های نی با اتصال نخ‌های پشمی یا پنبه‌ای
کارکرد	پوشش پنجره‌ها، حصار خانه‌ها، زیرانداز، آلاچیق در الموت به نی‌ها، قمیش له (Qamish la) نیز گفته می‌شود.

نام شی	خیش و یوغ
نام محلی	خیش و یوغ - Khish va Yuq
منطقه شناسایی شده	تارم سفلی
جنس	چوب
کارکرد	ابزار شخم زنی در منطقه تارم به یوغ، بوندوروخ یا بویون دوروخ گفته می‌شود. این ابزار بر روی خرمن کوب یا جنجل نیز سوار شده و برای سایش کمتر از چوب سنجد ساخته می‌شده‌اند.



نام شی	سبد زنگوله‌ای
نام محلی	-
منطقه شناسایی شده	تارم سفلی
جنس	ترکه بید و ساقه نی
کارکرد	نگهداری میوه



نام شی	سبد پرچینه
نام محلی	پرچینه - Parchinah
منطقه شناسایی شده	تارم سفلی
جنس	نی‌های اطراف رود قزل‌اوزن
کارکرد	حمل میوه و بار رشته‌های نی به صورت فرد بافته می‌شوند. رشته‌های عمودی تان (Tan) و رشته‌های افقی ارقاش (Arqash) نامیده می‌شوند. پرچینه‌های کوچک برای جابجایی توت و انجیر و پرچینه‌های بزرگ برای انار و گردو به کار می‌روند. نوعی از پرچینه‌ها به نام نین (Nin) به عنوان آشپانه ماکیان استفاده می‌شود. در برخی مناطق اطراف این سبد را با گل و فضولات اندود می‌نمایند. دربی نیز با استفاده از فضولات حیوانی و گل بر روی دهانه کندو ساخته می‌شود. در پایان نیز، سوراخ و روزن کوچکی به قطر ۳-۵ سانتی‌متر برای رفت و آمد زنبورهای عسل بر روی این درب‌ها تعبیه می‌شود. این کندو در زبان محلی کرگه (Kargah) نامیده می‌شود.



غریال پوستی	نام شی
قلبیر- سیقبیر- کم Qalbir- Siqbir- Kam	نام محلی
تارم	منطقه شناسایی شده
چوب- پوست و روده	جنس
قلبیر برای الک کردن دانه ریز غلات- سیقبیر برای الک کردن دانه‌های درشت‌تر و کم برای الک کردن دانه‌های درشت مثل لوبیا استفاده می‌شود. این غریال‌ها توسط دستفروشان به نام قراچو در روستاها فروخته می‌شده است.	کارکرد



ظرف نگهداری لبنیات و شیر	نام شی
کاتو - Kato	نام محلی
تارم	منطقه شناسایی شده
گل رس و موی بز	جنس
نگهداری لبنیات و شیر- نگهداری لبنیات در این ظروف مانع خرابی و تلخی آن‌ها می‌شود.	کارکرد

نام شی	سبد
نام محلی	چوبوخ- Chobokh
منطقه شناسایی شده	تارم- الموت
جنس	ترکه های بید و انار
کارکرد	جابجایی میوه های بزرگ و سنگین مانند انار یا فضولات و مصالح اگر به صورت دایره ای و تخت بافته شود به عنوان بالش تک خمیر نان از آن استفاده می شود و به آن لاوان (Lavan) می گویند. سبدهای که برای حمل علوفه به کار می رود در منطقه تارم به نام یم سبدهی (Yam Sabadi) خوانده می شود. در منطقه الموت به این نوع سبدها که برای حمل میوه استفاده می شود چلک (Chalak) گفته می شود.





نام شنی	مشک پوستی
نام محلی	تولوخ - Tolokh
منطقه شناسایی شده	تارم سفلی
جنس	پوست میش
کارکرد	نگهداری لبنیات- در صورت عدم استفاده آن را پراز نمک می‌کنند تا خراب نشود.

برای نگهداری پنیر، مشک را به صورت سه گوش می‌دوزند و به آن دری (Dari) می‌گویند. در تارم در زمان قدیم از پوست بز و گوسفند مشک چرمی تهیه می‌شد. مشک که با پوست بز درست می‌شد مخصوص خانواده‌ای بود که تعداد دام کم و به همان نسبت شیرو ماست کمتری داشتند اما مشک که از پوست گاو نر تهیه می‌شد با نام محلی گوواز و مخصوص برای خانوارهایی بود که تعداد دام بیشتری در اختیار داشتند. ابتدا پوست را در داخل دیگ مسی گذاشته و کل سطح آن را با خمیرآرد گندم ور آمده می‌پوشاندند. (این خمیر به حالت شل بود و به اسم آتش معروف بود). پوست تا حدود سه روز در این حالت باقی می‌ماند و بعد از سه روز پوست را بیرون آورده و پشم سطح آن را به راحتی می‌کنند. در مرحله بعد پوست را که با پشم و خمیر آغشته شده بود با آب می‌شستند و سپس در حدود چهار روز در داخل آب نمک می‌خوابانند که موجب جمع شدن پوست می‌شد. بعد از خارج کردن پوست از داخل مایع، آب نمک آن را شسته و آن را بر سطح زمین پهن می‌کردند و بر سطح آن سنگ زاج پودر شده را می‌پاشیدند و تا سه روز پودر زاج بر سطح و زیر پوست باقی می‌ماند و موجب زرد رنگ شدن پوست می‌شد. در مرحله بعدی نیز پوست انار خشک شده را در داخل دستاس کوبیده و بر سطح پوست پهن شده می‌ریختند و تا سه روز به همین صورت نگه می‌داشتند تا سبب رنگ دهی زرد پوسته انار بر سطح چرم شود. سپس چرم را برداشته و با آب می‌شستند و برای مرحله سوم رنگری که با علف صحرائی با نام بوروخ صورت می‌گرفت آماده می‌کردند. ابتدا علفی را که از صحرا چیده‌اند در داخل دیگ جوشانده و پس از جوشانیدن، تفاله علف را از آب آن جدا کرده و چرم را در داخل آب سیاه به مدت یک هفته نگه می‌داشتند. در این مدت برای جذب بهتر رنگ، در داخل دیگ محتوی چرم مقداری اشیاء آهنی از کار افتاده مانند نعل اسب، تبر، تیشه و ... را می‌ریختند. بعد از یک هفته چرم را که به رنگ سیاه در آمده بود از داخل دیگ خارج کرده و با آب می‌شستند و آن را پیش فردی موسوم به تولوخ تیکن (مشک دوز) می‌بردند و وی با استفاده از سوزن و کناره‌های پارچه‌ی متقالی، چرم را از ناحیه شکم و شانه گردن و سایر منافذ می‌دوخت و آن را کاملاً سفت می‌کرد و در مرحله آخر دو تا دسته چوبی را که در وسط آن روزنه‌ای برای عبور چوبی از وسط آن تعبیه شده بود به صورت افقی به هر دو پای عقب و جلوی مشک می‌بست. سپس مشک آماده شده را تحویل صاحب مشک می‌داد و صاحب مشک برای تست عدم درز داشتن آن مقداری آب دوغ در داخل مشک ریخته و مشک زنی می‌کرد اگر مشک درز نداشت و محتویات داخل را به بیرون تراوش نمی‌داد آماده استفاده کردن بود.

طریقه نگهداری و استفاده مجدد مشک نیز دارای اصولی بود، در فصل پاییز و پس از اتمام کره زنی مشک را از دسته باز کرده و در جلوی آفتاب پهن می‌کردند تا رطوبت مشک کاملاً خشک شود سپس سطح درون و برون مشک را با نمک می‌پوشاندند و از دسته مشک آن را سقف انباری خانه می‌آویختند.

در فصل بهار و برای استفاده مجدد از مشک آن را در داخل آب جاری رودخانه می‌انداختند تا آب نمک‌های باقی مانده و گرد و خاک را کاملاً تمیز نماید و بعد آنرا را خشک کرده و برای مشک زنی آماده می‌کردند.



نام شی	هاون چوبی
نام محلی	دووک - Dovak
منطقه شناسایی شده	تارم سفلی
جنس	چوب
کارکرد	خرد کردن غلات و مواد خوراکی



نام شی	خورجین
نام محلی	خورجین
منطقه شناسایی شده	همه مناطق استان
جنس	پشم
کارکرد	برای حمل بار روی چهارپا استفاده می‌شود. به صورت گلیم باف یا جاجیم باف است و در برخی مناطق به ویژه اقوام لر تارم به صورت منقوش بافته می‌شود.

کیسه چرمی	نام شی
هیزه- Heezeh	نام محلی
تارم	منطقه شناسایی شده
چرم	جنس
نگهداری روغن	کارکرد

با استفاده از پوست بره یا بزغاله تهیه می‌شد با این تفاوت که پشم روی چرم را دباغی نمی‌کردند و فقط پشم سطح آن را می‌چیدند و سپس تمامی منافذ چرم را گره می‌زدند و تنها از ناحیه گردن، دهنه می‌گذاشتند. برای از بین بردن بوی نامطلوب چرم نیز از مخلوط شیرو گیاه محلی خوش طعم با نام "ازگو Azgo" استفاده می‌کردند و به مدت سه روز این مخلوط را در داخل کیسه هیزه نگه می‌داشتند، سپس به داخل کیسه مذکور شیره انگور می‌ریختند تا از لحاظ بو و مزه کاملاً آن را تمیز کند. شیره انگور نیز به مدت دو ماه در داخل کیسه مانده و در طول این مدت دو هفته‌ای، شیره قبلی با شیره تازه عوض می‌شد در این مدت هرگاه بو یا مزه‌ی شیره تغییر نمی‌کرد کیسه چرمی هیزه آماده استفاده کردن بود.






نام شی	جوال
نام محلی	جوال- Javal
منطقه شناسایی شده	همه مناطق استان
جنس	پنبه یا پشم
کارکرد	انباشتن گندم و جو و آرد



نام شی	چیپی
نام محلی	چیپی- Chapi
منطقه شناسایی شده	تارم- الموت
جنس	ساقه و ترکه

کارکرد

در برخی مناطق چیپی خوانده می شود. در بافت چیپی از ساقه های سبز علفی به نام قندرقا نیز استفاده می گردد. همچنین با استفاده از ساقه های درختچه محلی با نام " گل بورنو - Gool Bornoe " (نوعی درختچه خاردار که در محیط کوهستان می روید و دارای میوه ای شبیه به اخته زغال است) و ساقه های نی نازک به بافت " چیپی - Chapi " می پردازند . چیپی نوعی وسیله و زیرانداز است که به هنگام پخت نان در کنار تنور قرار می گیرد تا نان های پخت شده بر سطح آن جمع شود و یا بر سطح آن خمیر مسطح شده پهن کرده تا به دیواره تنور چسبانده شود . از دیگر کاربردها چیپی این است که به عنوان صافی در موقع دم کش کردن برنج و آبکش کردن لبنیات از آن استفاده می شود.





نام شی	خجره
نام محلی	Khajareh
منطقه شناسایی شده	الموت
جنس	آهن
کارکرد	شبیه داس است



نام شی	کوزه
نام محلی	کوزه
منطقه شناسایی شده	همه مناطق استان
جنس	سفال
کارکرد	نگهداری پنیر



نام شی	دوشان
نام محلی	دوشان - Dushan
منطقه شناسایی شده	الموت
جنس	سفال
کارکرد	نگهداری لبنیات



نام شی	بال پیچ
نام محلی	بال پیچ - Bal Pich
منطقه شناسایی شده	اقبال غربی
جنس	دست بافته پشمی
کارکرد	پیشگیری از آسیب خار و خاشاک هنگام کشاورزی



نام شی	رختخواب پیچ
نام محلی	مفرش - Mafrash
منطقه شناسایی شده	اقبال غربی - کوهین - تارم
جنس	پشمی
کارکرد	حمل و نقل البسه و رختخواب به هنگام کوچ - این وسیله برای اقوام کرد و لر که سابقاً به بیلاق و قشلاق می رفته اند کاربرد داشته است.



نام شی	چرخ نخ ریسی
نام محلی	چره یا چهره - Jahrah
منطقه شناسایی شده	همه مناطق استان
جنس	چوبی
کارکرد	ریسیدن نخ

(طرح مستندنگاری صنایع دستی استان قزوین - ۱۳۸۸)

رنگری سنتی

تکنیکهای رنگری سنتی در مناطق روستایی اصولاً مشابه و از طریق مواد اولیه در دسترس و گیاهان بومی هر منطقه انجام می‌شود. از این رو صرفاً تفاوت‌های جزئی در روش و مواد به کار رفته دیده می‌شود.

تارم سفلی

از رنگ‌های مورد استفاده در رنگری در منطقه تارم که بیشتر در خود محل به دست می‌آید می‌توان به رنگ شتری تهیه شده از پوسته گردو، رنگ نارنجی و زرد از گیاهانی به نام نازک و "ساری چوب" (زردچوبه) از گیاهان تیره زنجبیل، "اسپرک" بانام محلی "دیشلیجه"، "برگ سماق" و "شیره پوسته انار" و رنگ قرمز که بیشترین کاربرد را در قالی‌ها داشته و از ریشه گیاهی به نام روناس به دست می‌آوردند اشاره کرد. ریشه روناس را از خاک در آورده و خشک کرده و سپس آسیاب کرده و گرد حاصله را در رنگری به‌کار می‌بردند. روناس گیاهی است که از دیر زمان توسط بشر شناخته شده و از آن رنگ قرمز طبیعی را بدست می‌آوردند. در تورات و همچنین نوشته‌هایی که از قبور فراعنه مصر بدست آمده است به مدارکی در مورد رنگری با روناس برخورد می‌شود. در رنگری محلی برای به دست آوردن رنگ سیاه ابتدا پوست گردو و انار را با روناس مخلوط می‌کردند و با استفاده از ترکیب زاج و ترشی رنگ سیاه را بدست می‌آوردند. از ترکیب روناس و پوست پیاز نیز جهت تغییر طیف‌های رنگی استفاده می‌شده است. از پوست انار رنگ نارنجی و از پوست گردو رنگ سرمه‌ای تیره که بیشترین کاربرد را در سطح قالی‌های داشت، درست می‌شد.

برای شفافیت، روشنایی و تثبیت رنگ بر روی خامه‌های ریسیده شده از زاج سفید (نوعی سنگ معدنی با نام علمی آلونیت که معادن آن در تارم فراوان است) و ادرار گاو استفاده می‌کردند. این عمل را در اصطلاح رنگری، دندانه و آغشته‌کردن با این املاح را دندانه دادن می‌نامند. متأسفانه طی دهه‌های اخیر به دلیل کمبود تعداد نفرات قالی باف و افراد کمکی در این زمینه و بالا بودن میزان تقاضای قالی و عدم تهیه مواد اولیه رنگ‌های گیاهی، استفاده از رنگ‌های شیمیایی را جانشین رنگ‌های گیاهی ساخته‌اند.



علف نازک



اسپرک و با نام محلی دپشلیجه



ساری چوب یا زردچوبه از تیره گیاهان زنجبیل



نمونه‌ای از زاج خالص استخراج شده



وجود معادن زاج در شهر سیردان و روستاهای زاجکان سفلی و زاجکان علیا از مهمترین منابع تولید زاج مورد نیاز در رنگرزی سنتی می‌باشد



خامه‌های رنگرزی شده



الموت

دو رنگ قرمز و سیاه بیشترین کاربرد را در صنایع دستی الموت به ویژه چادر شب دارند. هرچند زنان روستایی کار رنگرزی را به سلیقه شخصی و در خانه‌های خود انجام می‌دهند ولی پیروی از یک شیوه یکسان در کیفیت و نوع رنگ که ویژه منطقه الموت است از مشخصات محصولات صنایع دستی آنان به شمار می‌رود. رنگ غالب در تمامی دست‌بافته‌های زنان روستایی الموت و حتی نمدهای درست شده توسط مردان الموت، رنگ سیاه، نارنجی و قرمز است. البته روستاهای مجاور استان گیلان و مازندران تا حدودی متأثر از شیوه رنگ‌آمیزی و شیوه بافت همسایگان شمالی خود هستند و این امری است طبیعی چرا که مراودات اقتصادی و اجتماعی سبب تأثیرات متقابل است. رنگ‌های استفاده شده در الموت، رنگ‌های شاد و گرمی هستند که به زندگی روح و گرما بخشیده و آن‌ها را ماندگار می‌سازند. شیوه رنگرزی به گونه‌ای است که نخ پنبه‌ای و پشم در هنگام بافت و در اولین شستشو کمی رنگ پس می‌دهد. به نظر می‌رسد رنگرزی در الموت وابسته به افراد و کیفیت کار آنان متفاوت است.



هر چند در بعضی روستاهای الموت زنان هنرمندی یافت می‌شوند که بسیار هنرمندانه از ترکیب چند رنگ و شیوه رنگرزی ساده اما قانونمند - چون یک هنرمند نقاش - رنگ‌های جدید و با ثباتی خلق کرده‌اند، اما کمتر رنگرزی آنان دارای ثبات رنگی است.

روستائیان منطقه الموت در گذشته برای رنگرزی از ریشه و برگ درختانی چون انگور (که در منطقه «رز» خوانده می‌شود)، درخت گردو، انار، توت، سیب و روناس استفاده می‌کرده و به افرادی که به کار رنگرزی اشتغال داشتند «صباغ» گفته می‌شد.

در رنگرزی از پوست گردو، انار و روناس با ترکیب زاج و ترشی، رنگ سیاه (کپو) به دست می‌آید. ریشه روناس رنگ قرمز جگری و از ترکیب روناس و پوست پیاز جهت تغییر طیف‌های رنگی استفاده می‌شده است. از پوست انار، رنگ نارنجی و از پوست گردو رنگ سورمه‌ای تیره و قهوه‌ای درست می‌شد.

از تکنیک‌های رنگرزی «بُنه دادن» (boneh) است که هنوز هم زنان این مهارت را به کار می‌گیرند. آنان چون نقاشی که بر روی بوم نقاشی خود پس زمینه‌ای از یک رنگ به کار می‌برد، سپس رنگ‌های اصلی را بر روی آن پس زمینه یا «ته رنگ» به کار می‌گیرد، از زاج به عنوان ته رنگ استفاده می‌کنند. این عمل اصطلاحاً «بُنه دادن» نامیده می‌شود. رنگرزی در دو منطقه رودبار الموت و رودبار شهرستان یکسان است و تفاوت در به کارگیری رنگ هنگام بافت است. در الموت شرقی رنگ‌های گرم بیشتر به کار گرفته می‌شود و در الموت غربی از رنگ‌های سرد نیز بهره گرفته می‌شود. این امر به شرایط اقلیمی دو منطقه ارتباط دارد. زیرا منطقه الموت شرقی فصل سرمای طولانی‌تری دارد و در مناطق سردسیر گرایش به رنگ‌های گرم بیشتر دیده می‌شود.

در روستای کوشک برای رنگ‌آمیزی پنبه از روناسک، رنگ قرمز و از ترکیب پوست انار و زاج سفید (منظور زاج است)، رنگ مشکی به دست می‌آوردند.

تاکستان

برای رنگرزی، رنگ‌های شیمیایی را با گیاهی به نام بویاخ باشی Boyakh Bashi می‌جوشانند. بنا به گفته روستائیان از این گیاه برای ثابت نگه داشتن رنگ‌ها استفاده می‌کنند.

(طرح مستندنگاری صنایع دستی استان قزوین - ۱۳۸۸)

آب

طبق روایات مورخان و سیاحان، فلات ایران از دیرباز با کمبود آب مواجه بوده و مردم برای رفع این نیاز به دو ابتکار روی آوردند: حفر قنات و ساخت آب انبار. شاردن در سفرنامه خود در مورد قزوین می نویسد: با وجود کمی آب، شهر از حیث خوار و بار در فراوانی است و همه قسم مواد غذایی یافت می شود.

گذشته و سرنوشت نیاکان و اجداد ما همواره با آب پیوند مستقیم داشته به صورتی که محل استقرار خود را آبادی و از سکوفایی و پایایی یک منطقه با عنوان آبادانی آن یاد می کردند. به عبارت دیگر شرایط خاص جغرافیایی و اقلیمی و سختی و مشقت دسترسی به آب از قدیمی ترین ادوار تمدن ایران به ساکنان آن آموخت که آب را به عنوان جزئی جدایی ناپذیر از زمین و پایه اصلی کشاورزی و زندگی خود همواره گرمی داشته، ارزش آن را پاس بدانند و برای آن قداست ویژه ای قائل شوند، چنان که در اساطیر زرتشتی، آفرینش آسمان در چهل روز و ایجاد آب در پنجاه و پنج روز صورت گرفته است. در طی این دوران، نه تنها هیچ گاه از این ارزش کاسته نشده بلکه همواره جایگاه و اهمیت آن حفظ شده یا ارتقا یافته است، به طوری که با ورود اسلام به ایران نه تنها از قداست آب کم نشد بلکه ارزش معنوی آب افزایش و با مذموم شمردن اسراف و استفاده نادرست از آن، دایره ارزش و مسوولیت همگانی در استفاده به مقدار و مناسب از آب توسعه یافت. کمیابی و در مواقعی نایابی آب در اقلیم گرم و خشک ایران، در کنار سایر عوامل فرهنگی و دینی، نقشی کلیدی در ارزش گذاری آن در مناطق مختلف و تعیین و تنظیم نظام های تقسیم و توزیع آب داشته است. (روزنامه جهان صنعت jahanesanat.ir)

قنات ها و سیستم های آبرسانی در قزوین

از دیرباز احداث قنات در قزوین معمول بوده است. بنا به روایات تاریخی، احداث قنات در قزوین از دوران غزنوی آغاز شده است. علاوه بر احداث قنات در مناطق مختلف استان و دشت قزوین، شهر قزوین نیز دارای چندین قنات بوده که بسیاری از آن ها از بین رفته یا رو به نابودی هستند. از برخی قنات های شناسایی شده در روستاهای قزوین می توان به موارد زیر اشاره کرد:

قنات‌های شهری: قنات شاهی، قنات خمارتاشی، قنات طیفوری

قنات‌های روستایی: قنات روستای کردوجین در آوج، قنات‌های روستای ینگه کهریز، اسپیک، بندسر، خیارچ، سوراجین، آقاجری، پیروز آباد، درویش‌آباد، یزن، امیرآباد نو، رودک، حسین‌آباد شاه نظر، آراسنج بالا، شهرک قدس و جرینده (آراسنج پایین) در بوئین‌زهرا، قنات حسین‌آباد درکوهین، قنات‌های الولک، زویار، اکبرآباد، همت‌آباد، شفیع‌آباد، ناصرآباد در اطراف قزوین، قنات‌های روستای میان و رادکان (فضلعلی‌خان) در تاکستان و قنات‌های حصارخروان و شریف‌آباد در البرز که برخی از آن‌ها به ثبت ملی رسیده‌اند. (طرح مستندنگاری صنایع‌دستی استان قزوین - ۱۳۸۸)

در بخش‌هایی از دژ الموت دیواره‌های سنگی و اتاقک‌هایی کنده شده و مخزن آبی با ظرفیت ۲۰۰ متر مکعب حفر شده است. در قسمت غربی آن اتاقی است که درخت انگوری در آن روییده و طبق افسانه‌ها گفته می‌شود که حسن صباح آن را کاشته است. در پایین دژ الموت به نام قلعه گردن، مجموعه جوی‌های کنده در صخره با شبکه آبرسانی با لوله‌های تنبوشه سفالی به دست آمده است که نشانگر دانش و فناوری آبرسانی دژنشینان است. (بروشور الموت- پایگاه میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری)

درمغرب آبادی نیاق در اطراف قزوین کوه سنگی یکپارچه و کم ارتفاعی وجود دارد که آثار باقی مانده بفرز آن را ایوان نیاق یا دیو ایوان یا طاق محمد حنیفه می‌نامند. در زیر دیواره نسبتاً بلند بالای کوه که به سوی شرق کشیده شده و نیم طاقی طبیعی زیبایی از سنگ به ارتفاع تقریبی ده متر به وجود آورده، سطح سنگی گسترده‌ای است که به روستای نیاق و چشم‌اندازهای مجاور آن احاطه دارد. در قسمت جنوب غربی این صفا، ۵ متر کنده شده که با هفت پله از سنگ تراشیده به عمق آبگیر می‌رسد و همواره حوضی سنگی به طول ۸ و عرض ۲ متر دارای آب است. بر بالای ایوان قلعه‌ای وجود داشته که آثار قابل ملاحظه‌ای از آن باقی نمانده و تنها مخازن ذخیره غله و حبوبات آن هم اینک یادآور گذشته پرشکوه قلعه و ایوان نیاق است.

همچنین چندین آسیاب در روستاهای کلین الموت، پلادره در الولک و سید علیخان در جاده بهرام‌آباد به ثبت ملی رسیده‌اند که نمادی از به کار بردن نیروهای طبیعت برای تهیه آرد هستند. پیوندی دوباره برای انسان و طبیعت.

باغستان قزوین

امروزه باغات سنتی قزوین از سه جبهه شرقی، جنوبی و غربی به صورت نعل اسب، شهر قزوین را دربرگرفته‌اند. در گذشته این باغات پیرامون شهر را دربرگرفته بودند. از نظر موقعیت جغرافیایی، گسترش این باغات بین $۵۷^{\circ} ۴۹'$ تا $۵۲^{\circ} ۵۰'$ طول شرقی و $۳۶^{\circ} ۲۰'$ تا $۳۶^{\circ} ۱۳'$ عرض شمالی می‌باشد. ارتفاع از سطح آب‌های آزاد در بخش‌های مختلف باغستان متغیر است. ارتفاع در ناحیه شمال شرق و شمال غرب در محل بلوک‌های احمدخان و کت‌آباد حدود ۱۳۶۵ متر از سطح دریا بوده و در محدوده شرقی شهر با محوریت بلوار آیت‌الله خامنه‌ای دارای پایین‌ترین ارتفاع (۱۲۹۵ متر) است. این اختلاف ارتفاع در طول ۱۰ کیلومتر مسافت میان باغات شمال و جنوب شهر گویای شیب ۱۰ در ۱۰۰۰ از شمال به سوی جنوب می‌باشد.

تفاوت اصلی باغستان سنتی قزوین با سایر باغ‌های شناسنامه‌دار ایرانی در این است که باغ‌های معروف ایرانی سراسر کشور معمولاً برای استفاده اختصاصی توسط طبقات اعیان و اشراف جامعه ایجاد شده و محل گذران آن‌ها و خدمه‌شان بوده است. آن‌ها با برخورداری از امکانات مناسب (آب، خاک، سرمایه، امنیت) باغ‌ها را در قلب و یا حومه شهرها با دیواره‌های بلند در بهترین مکان ایجاد می‌کردند. در باغستان سنتی قزوین هر قطعه یک پلاک و سند ثبتی دارد. جمعیت زیادی از اهالی قزوین باغ و یا باغ‌هایی در این منطقه دارند و گاهی یک قطعه چندین مالک دارد و به طور کلی کثیرالمالک است.

یکی از مشخصه‌های بارز و منحصر به فرد باغستان سنتی قزوین نوع آبیاری باغات است. آب رودخانه‌های فصلی براساس طومارهای تقسیم آب که قدیمی‌ترین نمونه آن مربوط به حدوداً ۷۰۰ سال پیش بوده، بین فندها و محلات (تقسیمات محلی) تقسیم می‌شوند.

در کل وجود ۵ نوع میوه اصلی شامل انگور (بیش از ۳۰ گونه مختلف)، پسته قزوین، بادام، قیسی (زرد آلو) و گردو در باغستان سنتی به عنوان درختان پایدار رشد و پرورش یافته‌اند.

یکی از مشخصه‌های بارز دیگر باغستان وجود مرزهای بسیار بلند بین باغات است که ارتفاع برخی از آن‌ها تا ۲ متر نیز می‌رسد. این مرزهای خاکی علاوه بر مشخص نمودن حدود مالکیت قطعات باغداران و در سیستم غرق‌آبی به عنوان نگهدارنده آب برای زمان طولانی‌تر، در واقع جزء شبکه عبور و مرور (تردد باغداران و ...) و "مسیر دسترسی باغات مختلف می‌باشد و هرگز با دیوار، حصار و یا ساختمانی بسته نشده است. این موضوع برای ناصر خسرو قبادیانی نیز بسیار جالب بوده و در سفرنامه خود باغستان را بی‌دیوار و خاک توصیف می‌کند. شهر قزوین به علت قرار داشتن باغستان‌های سنتی در دور تا دور خود نه تنها در در سطح کشور بلکه به نوعی در سطح جهان منحصر به فرد می‌باشد.

باغستان سنتی با طبیعت نظام یافته است. رشد و نمو درختان در کف باغها و گیاهان مرتعی بر روی مرزها، زیستگاه مناسبی برای موجودات زنده همچون حشرات، خاکزیان، پرندگان و... بوده که وابستگی اجزاء درونی آن از رموز پایداری باغستان می باشد. همچنین روابط منطقی گروه های انسانی در ارتفاع از طبیعت و احترام به حقوق یکدیگر قابل تعمق و پیگیری است و باورهای فرهنگی در رفتار با گیاهان تأثیر فراوان بر ارتقاء تعامل پایداری انسان و طبیعت داشته است. در طول تاریخ اشکال مختلفی از مالکیت عرصه و اشجار و مشارکت در بهره برداری از باغها شکل گرفته است که متداول ترین آنها شیوه ارباب- برزگری است. تملک قسمتی از باغ در قبال کار بدون پرداخت پول، راه را برای باغدار شدن علاقه مندان باز می کرده است. ورود و قدم زدن در روی مرزها و هوا خوری به شرط رعایت حقوق مالکین برای عموم آزاد است. در طول تاریخ، باغها فقط محل کار بوده است، آن هم کار سخت بدنی، طاقت فرسا و طولانی مدت. مردانی که صبح زود، با پای پیاده و یا سواره از دروازه های شهر به باغ می رفتند و اول غروب به خانه بازمی گشتند.



دانش تقسیم آب در باغستان

علاوه بر ویژگی‌های بسیار که در جزء جزء باغستان وجود دارد، تاثیر فرهنگی آن بیش از سایر موارد دیگر به چشم می‌خورد. باغستان مانند شهر قزوین دارای تقسیمات است. همانگونه که شهر به محله، کوچه و ... تقسیم‌بندی شده، باغستان نیز از واحدهای مختلفی همچون بلوک، پند (فند)، دوله، سامان و ... تشکیل شده است.

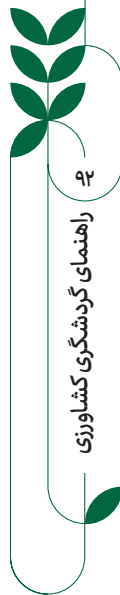
نظام آبیاری این باغستان که بسیار پیچیده و دقیق و از قدیمی‌ترین نظامات آبیاری به شمار می‌رود به گونه‌ای است که به اعتقاد باغداران قزوینی، تقسیم آب زاینده رود که توسط شیخ بهایی در عصر صفوی انجام شد بر گرفته از نظام تقسیم آب در باغات قزوین بوده است.



بر اساس این نظام که از نیمه ی آذر ماه شروع شده و تا ابتدای خرداد ادامه دارد، به طور دقیق و بر اساس حق آبه های معین، باغستان چهار نوبت کامل توسط دو رودخانه ی فصلی آبیاری می شود. قدیمی ترین سندی که از این نظام آبیاری بر جا مانده طوماری است متعلق به قرن ۸ هجری که در آن مهر حمدا... مستوفی مورخ شهیر دوره ی ایلخانی نیز به چشم می خورد.

مدیریت این نظام با دخوها بوده است که حکم کلانترهای باغستان را داشته اند و آن ها می دانند که نوبت آب در چه ساعتی و چه روزی به چه میزانی و از چه مسیری می بایست تقسیم شود. تا به امروز نیز آبیاری بر اساس این طومار و نظام ادامه داشته و هر گونه تغییر در شرایط اقلیمی باغات و مالکیت حق آبه ها طبق آن واگذار می شده است. اهمیت حق آبه به قدری زیاد بوده است که تا چند دهه پیش از آن به عنوان دیه و مهریه نیز استفاده می شده است.





دیگر نظام باغستان که قابل توجه است نظام مالکیتی باغستان است. بر اساس آماري که از مالکان باغستان گرفته شده است حدود ۴۵ هزار نفر به نوعی از این باغستان سهم و بهره می‌برند. در باغستان قزوین همچنان نظام ارباب-برزگری جاری است که بر اساس اسناد و عرف، به صورت‌های مختلف همچون سه به یک یا ده به یک بهره‌ی باغ به مالک داده می‌شود. همچنین شیوه‌های باغبانی و باغداری و نظام دسترسی باغستان از نکات بسیار قابل توجه می‌باشد.

در مجموع می‌توان گفت که زندگی و باغستان در قزوین در هم تنیده شده‌اند. بسیاری از اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های جاری در زبان و گویش قزوینی برگرفته از فرهنگ باغداری و باغ می‌باشد. در پایان اینکه در شهر قزوین باغدار یک طبقه‌ی اجتماعی به شمار می‌آید. همانگونه که دخویک قشر اجتماعی است.

در خصوص شکل‌گیری اولیه باغ‌های سنتی قزوین به علت فقدان اطلاعات جامع نمی‌توان اظهار نظر قطعی نمود. اما آنچه مشخص است، این باغات از گذشته‌های دور نظر سیاحان و مسافران داخلی و خارجی را که روزگاری از این سرزمین دیدار کرده‌اند به خود جلب کرده است. در حال حاضر قدیمی‌ترین سند و نوشته موجود که به باغستان‌های سنتی قزوین اشاره کرده است، مربوط به ناصرخسرو قبادیانی می‌باشد که در سفرنامه خود به سال ۴۳۸ هجری قمری شهر قزوین را چنین توصیف کرده است: باغستان بسیار داشت بی دیوار و خاک و بی هیچ مانعی از دخول درباغات و قزوین را شهری نیکو دیدم باروی حصین کنگره بر آن نهاده و بازارهای خوب، مگر آن که آب در آنان کم بود.

علاوه بر سفرنامه ناصرخسرو قبادیانی که از باغستان‌های بدون دیوار قزوین یاد نموده، زکریای قزوینی مؤلف آثارالبلاد، قزوین را در آغاز قرن هفتم هجری (۶۷۲ ه.ق) یعنی پیش از حمله مغول چنین توصیف کرده است: قزوین شهری بسیار بزرگ و پرجمعیت است در دشتی بسیار پهناور و هموار بنا شده و مهندسان در بنای شهری نقش‌های کشیده‌اند که نظیرش وجود ندارد زیرا دو شهر است یکی در آغوش دیگری آرمیده، شهر کوچک را که در وسط قرار دارد شهرستان می‌نامند که برای خود دروازه و بارو دارد. شهر بزرگتر که پیرامون شهرستان واقع شده دارای برج و باروی دیگری است. باغستان‌ها و تاکستان‌ها گرداگرد باروی خارجی شهر دوم را فرا گرفته و پس از آن کشتزارهای سرسبز دو شهر را دربردارد و دو رودخانه دیزج و ارنزک از آن می‌گذرد. از دیگر اسناد تاریخی مهمی که در مورد باغات قزوین است مربوط به سفرنامه حمداله مستوفی در سال ۷۴۰ هجری قمری می‌باشد که عنوان می‌نماید: قزوین از اقلیم چهارم ... هوایش معتدل است، آبش از قنوات است و در آن باغستان بسیار است و هر سالی که نوبت به وقت آبخیز سقی (آبیاری) کنند، انگور، بادام، فستق (مغرب پسته) بسیار از او حاصل شود. حمدا.. مستوفی در "تاریخ گزیده" می‌نویسد: باغستان شهر با فندها

متصل به همدیگر در گرد شهر همچون کمری و به مساحت احتیاط کرده شد، سی هزار جریب باشد و هر جریبی شصت گام در شصت گام و میان باغستان هیچ زمین عاقل نیست. در کتاب هفت اقلیم درباره قزوین آمده است: از غرایب دنیا معامله باغات آنجاست که در سالی زیاده از یک مرتبه آب نمی خورد و اینکه سالی یک نوبت آب می خورد وقتی است که احتیاج به آب ندارد یا قبل از نوروز یا بعد از نوروز که وقت وفور آب قزوین است، تا ۶ ماه همان آب کافی است.

تقسیم آب قزوین برای آبیاری باغستان های قزوین بر اساس حق آبه هر یک از "پند" ها بر اساس طوماری کهن که به قول بعضی، بنیانگذار آن "سیاه کلاه" نامی بوده صورت می پذیرد.

در فرهنگ مردم قزوین چنین آمده است که چون بر اثر کمی آب درباره تقسیم آن درگیری بین صاحبان باغها به وجود می آید، کدخدا یا دخوبی به نام "حسین سیاه کلاه" نظمی برای این کار به وجود می آورد و برای مجموع ۴۸ نار از باغستان های قزوین هر یک سهمی در نظر می گیرد که هنوز نیز بر همان اساس عمل می شود. به اعتباری "حسین سیاه کلاه" را می توان "شیخ بهایی" قزوین دانست و همان طور که شیخ بهایی طرح دقیق و حساب شده آب زاینده رود را به وجود آورد، او نیز تقسیم آب قزوین را سامان بخشید. این شخص در زمینه تقسیم آب بر اساس طرح تنظیمی، دقت بسیار روا داشت تا حق هیچ کس پایمال نشود. می گویند یک بار پسر او خواست تا به آموزگار خود خدمتی کرده باشد و در نتیجه بر خلاف مقرراتی که پدر وضع کرده بود، بند آبی را که حق آبه دیگری بود شکسته و آب را به باغ آموزگار برد. سیاه کلاه برای آنکه کسی از این پس جرات نکند تا ضابطه را به هم بزند دستور داد پسرش را آوردند و جلو همان نهر خواباند و سد بست و آب را به باغی که حق آب از آن او بود جاری ساخت.

مزار او را در صحن امامزاده حسین (ع) و بر مزارش سنگی به شکل کاسه سر قرار داشت که مردم بدان دخیل می بستند. سالهاست که دیگر نشانی از آن مزار و سنگ مزار آن بر جای نمانده است. (پرونده ثبتی باستان سنتی قزوین-۱۳۹۲)

میزان سهم حق آبه

میزان هر سهم بر اساس "هنگام" است که ۱۲ ساعت را در برمی گیرد. سهم نار بر حسب فصل، یک هنگام و نیم آب و کمتر از آن خواهد بود. گذشته از آب هایی که به صورت حق آبه به همه باغستان ها می رسد، آب هایی نیز وجود دارد که به فروش می رسد و بابت آن آب بها پرداخته می شود.

تمامی باغستان سنتی قزوین با حق آب از چهار رشته رودخانه فصلی و یک رودخانه سیلابی آبیاری می‌شده است که وضعیت آن‌ها به شرح زیر می‌باشد:

رودخانه ارنجک

رودخانه ارنجک از شمال شرق وارد باغات می‌شود و کلیه باغات واقع در شرق شهر قزوین را با محوریت جاده بوئین‌زهرا مشروب می‌نماید. رودخانه ارنجک را در اسناد تاریخی ارنزک و آب آن را از وادی ارنزک نوشته‌اند.

رودخانه بازار

رودخانه بازار را در اسناد تاریخی به نام رودخانه دزج و دیزج و آب آن را از وادی دزج نوشته‌اند. در اسناد ثبتی رودخانه بازار و در مطالعات اداره کل امور آب تحت نام بازار، الولک و امیرآباد مورد بررسی قرار گرفته است.

رودخانه زویار

رودخانه زویار در اسناد تاریخی و ثبتی به همین نام و آب آن از وادی زویار نوشته شده است. این رودخانه در غرب رودخانه بازار از مسیری واقع در غرب راه قدیمی ناصرآباد (ادامه حد فاصل دانشگاه علوم پزشکی شهید بابایی و کوی دادگستری) به طرف جنوب ادامه دارد که باغات شمال جاده رشت تا کارخانه شیشه و قسمتی از باغات جنوب جاده رشت تا جاده تاکستان را آبیاری می‌کند.

سیلاب‌های این رودخانه باغات سنتی قریه ناصرآباد و باغات شمال کارخانه شیشه را آبیاری می‌نماید و مازاد آن از نهرهای شرق کارخانه شیشه به طرف باغات آبخور از رودخانه دلیچای و بازار سرازیر می‌شود.

رودخانه دلیچای

در طومار قدیمی نام رودخانه دلیچای را فاسقینه رود نوشته‌اند. این رودخانه دارای دو رشته می‌باشد. رشته اصلی از شمال قریه اک واقع در جاده رشت به نام چاریز و رشته فرعی از شمال قریه محمودآباد به نام رودخانه پسینه‌رود می‌گذرد. این دو رشته مجموعاً از طریق نهری واقع در شمال و غرب کارخانه شیشه، باغات مجاور کارخانه شیشه، جنوب جاده رشت، جنوب جاده تاکستان و قسمتی از باغات جنوب میدان تره بار را آبیاری می‌نماید. از قدیم

موقعیت رودخانه دلیچای طوری بوده که با مختصر بارندگی و طغیان آب رودخانه از مسیل های متعدد به طرف اراضی قریه نظام آباد و محمودآباد جریان می یافته و باغداران آبخور دلیچای از سیلاب های آن رودخانه بی بهره بوده اند ولی سیلاب های رودخانه زویار به طرف آن ها سرزیر می شده است. اطلاق کلمه دلیچای (رودخانه دیوانه) را بعضی ها به علت همین امر می دانند و بعضی ها نام دلو چای را صحیح می دانند و عقیده دارند به علت این که آب در این رودخانه از ماه دلو (بهمن ماه) شروع می شود نام صحیح آن دلو چای است.

رودخانه وشته

رودخانه گمنامی است که در حد فاصل رودخانه های بازار و زویار جاری می شود و بلوک احمدخان و محل های قصران و سرآتش را آبیاری می نماید. این رودخانه در سال های پر باران به مدت محدود جاری می شود ولی حجم سیلاب آن بسیار بالا و خطرناک است. سیلاب آن به رودخانه بازار می ریزد.



مدیریت تقسیم آب رودخانه‌ها

در نظام باغستان ایجاد هر نوع مانع به صورت بند و یا سد با مصالح پر دوام نظیر بتن و شفته (مخلوط آهک و شن) در مسیر رودخانه‌ها ممنوع بوده است. هر زمانی که بستر رودخانه در اثر فرسایش گود می‌شده است و انحراف آب را به انهار دو طرف دچار مشکل می‌نموده، برخورداران آن انهار مجاز بودند با کندن پی در عرض رودخانه و شفته ریزی به ارتفاع نهر فرعی، ورود آب به آن نهر را تسهیل نمایند. ممنوعیت ایجاد بند و سد محکم در مسیر رودخانه‌ها در بقاء باغستان و شبکه انهار خاکی هزار ساله آن موثر بوده است زیرا انحراف سیل بیش از ظرفیت یک نهر سبب خرابی باغات آبخور از آن نهر و محرومیت سایر باغ‌هایی که باید با آب سیلاب آبیاری شوند می‌شده است.

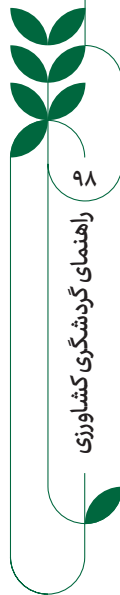
روش معمول در باغستان، انحراف آب با بند خاکی و برحسب ضرورت به کمک علف و شاخ و برگ بوته‌های انگور و درختان بوده و هر زمان که آب طغیان می‌کرده، با شکستن بند خاکی آب، در انهار دیگر پخش می‌شده است. موقعی که سیل جاری می‌شود هر محلی که نوبت دارد در استفاده از سیلاب حق تقدم دارد و بسته به ظرفیت انهار، باغبان‌ها و افراد کمکی از سیلاب استفاده می‌کنند.



موقعیت بعضی محل‌ها طوری بوده که سیلاب به طرف آن‌ها جاری می‌شده لذا در تقسیم آب برای این محل‌ها آب کمتری از جریان‌های عادی منظور کرده‌اند.

باغات بعضی از بلوک‌ها فقط با اتکا به سیلاب‌ها ایجاد شده و هیچ گونه حق آبی ندارند. گرچه عدم استفاده از مصالح سنگین در مسیر رودخانه‌ها و استفاده از شن و ماسه و خاک برای انحراف آب به انهار به عنوان یک ارزش در نظام باغستان مطرح شده ولی امروز با توجه به برداشت بی‌رویه شن و ماسه از رودخانه‌ها و گود شدن اکثر انهار فرعی و کمبود کارگران خبره و تنها ماندن باغبان‌ها، نصب کشوه‌های آهنی با استفاده از بلوک‌های سیمانی یک ضرورت احساس می‌شود. در بیست سال گذشته حدود ۱۰٪ از باغداران در زمان جنگ با مصالح حواله‌ای ارزان قیمت دریاچه‌هایی روی انهار و دهنه باغ‌ها ایجاد کرده و آبیاری باغات را تسهیل کرده‌اند ولی ۹۰٪ از باغات بدون دریاچه آهنی می‌باشند. بعضی نیز برای انحراف آب از لودر استفاده می‌کنند. کاربرد لودر در انهار فرسایش را تسریع و تشدید می‌کند.





تقسیم آب رودخانه‌ها بین فندها، محل‌ها و انهار بر اساس طومار قدیمی و سپس تقسیم آب بین باغ‌ها کلاً به عهده باغبان‌های هر محل می‌باشد و باغداران هیچ نوع وظیفه‌ای ندارند.

روز قبل یا روزهای قبل از نوبت، هر باغبانی موظف است برای دریافت آب و انجام آبیاری آماده شود. آمادگی شامل ایجاد بند خاکی در مقابل دهنه هر باغ و مسدود کردن دهنه سایر باغ‌ها و انهار می‌باشد تا آب بدون تلفات با عبور از مسیر معینی به نهر مورد نظر وارد شود. زمان تحویل آب معمولاً غروب یا طلوع آفتاب می‌باشد و در صورت ابری بودن هوا از ساعت کمک می‌گیرند. (پرونده ثبتی باغستان سنتی قزوین-۱۳۹۲)

در این راستا، توسعه گردشگری کشاورزی در باغستان قزوین به عنوان تجربه‌ای منحصر به فرد در فصول مختلف سال می‌تواند در ایجاد اشتغال و کسب درآمد و نیز معرفی فرهنگ و تاریخ باغستان کمک شایانی نماید. ضمن این که به دلیل نزدیکی باغستان به شهر قزوین، ایجاد زیرساخت‌های گردشگری به صورت گسترده مورد نیاز نیست و فرصت مناسبی برای بهره‌مندی گردشگران از تجربه‌ای جدید است.

چاخانه‌ها

در باغستان دو هزار و ششصد هکتاری قزوین، ۱۵۰ الی ۲۰۰ اتاق ۲۰ الی ۲۵ متر مربعی بدون در، به نام چاخانه وجود داشته که پایگاه باغبانان بوده است. در گذشته نه چندان دور جمعیت کثیری از مردان در مشاغل مختلف باغداری (دخو، باغبان، کارگر ماهر، کارگر فصلی، کارگر پاره وقت) زنان در فعالیت‌های صحرایی نقشی نداشتند ولی کارهای پس از برداشت محصول و مراقبت از احشام خانگی در محیط خانه به عهده آنان بوده است. (مانند شستن پسته، خشک کردن، پوست کندن بادام و ...)

باغستان سنتی اثرات زیست محیطی فراوانی بر شهر قزوین دارد که به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌شود:

-باغات فراوان اطراف شهر در پالایش هوا تاثیر به سزایی دارند و به نوعی نقش فیلتر هوارا را دارند.

-باغات در خنک کردن باد گرم جنوبی (راز)، تعدیل سرعت و سرمای باد مه، جذب گردوغبار و تلطیف و فرح بخشی هوای شهر بسیار موثر است.

- آبیگری از رودخانه‌های فصلی به صورت آبخوانی متمرکز، به مساحت ۲۵۰۰ هکتار و ظرفیت ۳۶ میلیون متر مکعب، سفره‌های آب زیر زمینی را تقویت می‌کند و در پایداری کشاورزی منطقه نقش مهمی دارد.

- طراحی آنهار آبیاری، به نحوی است که سیلاب‌ها را تقسیم و قابل استفاده برای آبیاری باغات می‌نماید و شهر قزوین را از خطر خسارت سیل مصون می‌کند.

- مردان از سنین کودکی در کنار پدران خود، با طبیعت انس گرفته و فنون باغداری، دامداری و رفتار با طبیعت را در حین کمک، تجربه می‌نمایند و احترام به طبیعت و انتفاع از آن در وجودشان نهادینه می‌شود. سایر اقشار مردم نیز با ورود در باغستان از زیبایی‌ها و سخاوتمندی طبیعت لذت می‌برند.

محلات هفده‌گانه شهر قزوین در طی تاریخ به گونه‌ای شکل گرفته اند که در ارتباط مستقیمی با باغستان هستند. معابر اصلی این محلات دو سویه هستند که از یک سمت به مرکز محله و از سوی دیگر منتهی به باغستان می‌شود.

با نگاهی دقیق تر به محلات کنونی و مقایسه آن با شکل امروزی باغستان به یک نتیجه می‌رسیم و آن این که قسمت‌های پویا و زنده باغستان عمدتاً در مناطقی است که محلات منتهی به آن نقطه از باغستان اصالت خود را حفظ نموده است و مهمتر اینکه محلات جدید شهر قزوین به دلیل تبعیت نکردن از بافت سنتی شهر قزوین فاقد محیط باغی می‌باشند همچنین آن محلاتی که دارای بافت سنتی بوده و دستخوش تغییرات شده، تاثیر مستقیمی بر باغات متصل به خود داشته و آنان را نیز دستخوش تغییرات بنیادین و در مواردی تا مرز نابودی کرده است.

باغستان قزوین در فهرست آثار ملی به شماره ۳۱۰۹۵ ثبت شده است. باغستان سنتی قزوین را باید حاصل همکاری و هماهنگی انسان و طبیعت دانست. به گواه تمامی سفرنامه نویسان و مورخین، قزوین شهری است با آب اندک. حال با این کمبود چگونه در طی تاریخ باغستانی آباد به وجود آمده که علاوه بر معاش شهروندانش محصولات آن به اقصی نقاط عالم روانه شده؟

واسطه ی انسان سخت کوش با طبیعت خشک در قزوین، باغستان است. حیات و آبادی شهر نیز در دست باغستان است. بر اساس آخرین آمار، هفتاد درصد جمعیت بومی قزوین به نوعی درگیر باغستان آن می‌باشند. علاوه بر آن به دلیل آبیاری خاصی که در باغات قزوین انجام می‌شود (غرقابی)، باغات باعث ذخیره ی آب‌های زیرزمینی شهر و دشت قزوین می‌شوند.



آسیاب‌ها

پلادره

این بنا در بخش مرکزی استان و در قسمت غربی روستای الولک قرار گرفته است. این آسیاب یک بنای سنگی دارای مساحتی در حدود ۸۵ متر مربع می‌باشد. فضاهای این آسیاب شامل چاه برای ذخیره آب، انبارگندم، مطبخ، تنور نانوايي و اصطبل می‌باشد. این آسیاب در کنار رودخانه‌ای واقع شده است که آب خود را از همین طریق تامین می‌کند. این بنا نمادی از بهره‌وری مشارکتی محصولات زمینهای کشاورزی اطراف است. این بنا سازه سنگی دارد که جهت پوشش سقف آسیاب از تیرچوبی استفاده شده است. همچنین در بعضی قسمت‌ها نیز از چوب بهره گرفته شده است.

مصالح استفاده شده در بنا از سنگ‌های بومی منطقه تهیه شده و ملات مورد استفاده از گل -ساروج و گل آهک- کاهگل می‌باشد. این آسیاب تنها نمونه به جا مانده از میراث مدیریت سنتی کشاورزی و نشانگر فناوری سنتی در چرخه تولید محصولات غذایی و بهره‌برداری از منابع آبی به عنوان سازه صنعتی سالم و پاک است. (پرونده ثبتی آسیاب پلادره)

محمودآباد

روستای محمودآباد در منطقه الموت دارای آسیابی بوده که ساختمان آن بر جای مانده و امروزه به عنوان موتورخانه برای پاک کردن برنج استفاده می‌شود. دو سنگ بزرگ آسیاب نیز در مقابل آن به عنوان پل و سرپوش چاه مورد استفاده قرار گرفته است.

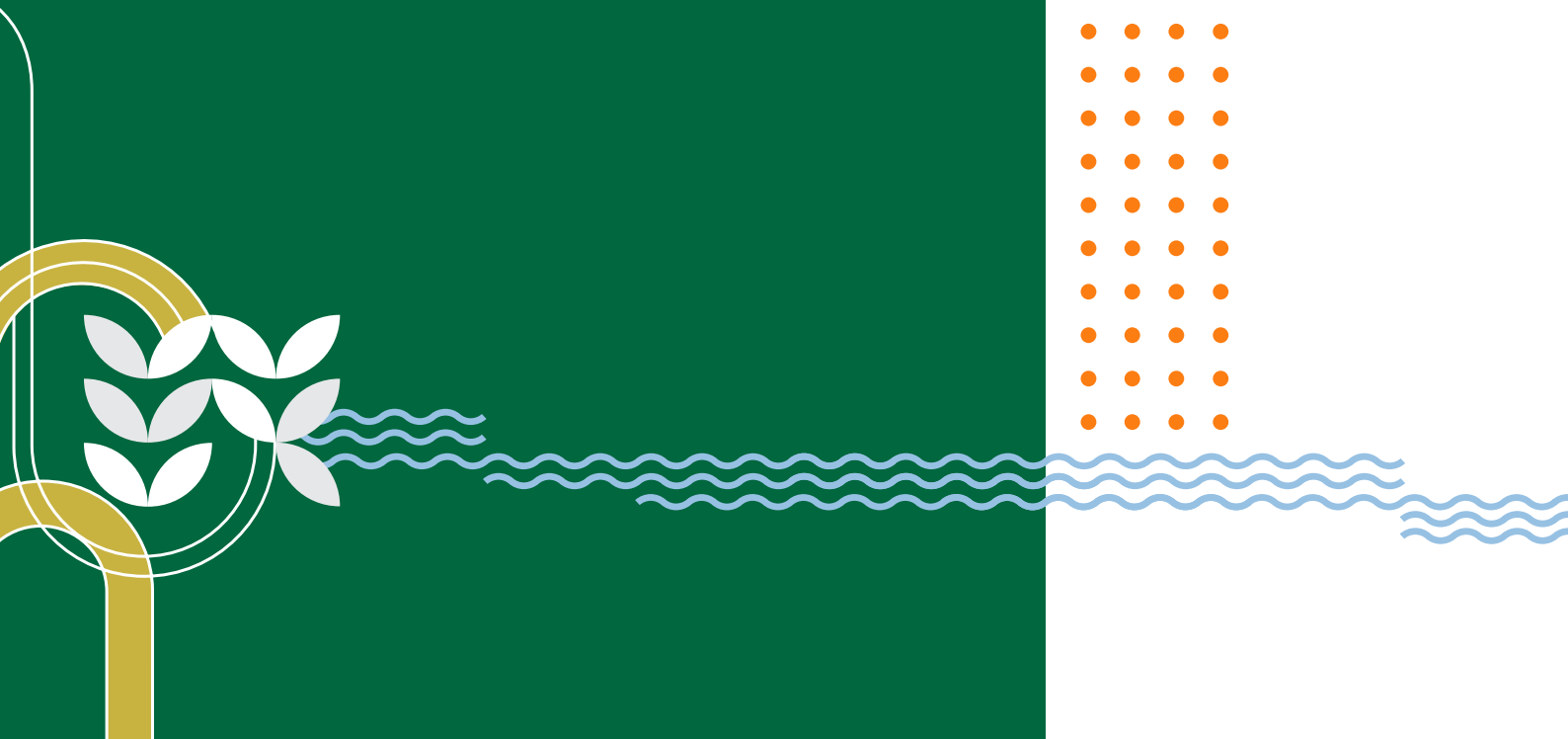
کهک

روستای کهک در شهرستان تاکستان واقع است. آسیاب این روستا در سال ۱۳۴۰ ساخته شده و توسط موتور گازوئیلی کار می‌کند و اگر در طول ۲۴ ساعت روشن باشد، کل مصرف گازوئیل آن ۷ لیتر است. این دستگاه دو تسمه جهت چرخاندن سنگ‌های بزرگ آسیاب دارد و گندم از قسمت بالا در حوضچه‌ای ریخته می‌شود و از طریق سوراخی که در داخل آن قرار دارد، کم‌کم مابین سنگ‌ها قرار می‌گیرد و تبدیل به آرد می‌شود.

(طرح مستندنگاری صنایع دستی استان قزوین - ۱۳۸۸)



فصل ۵ فرهنگ و اعتقادات







گذشته درخشان قزوین در عرصه‌های علم، فرهنگ، اندیشه و ... که دارای قدمتی دیرینه و نشانه‌های تمدن ۹ هزار ساله پیش از میلاد دارد، روحیه مردم این سرزمین و تنوع ایلات و اقوام ایرانی همچون لرها، کردها، تات‌ها، ترک‌ها و ... در نواحی و اطراف شهرها و روستاها سبب پیدایش سنت‌های ماندگار اجتماعی در این سرزمین شده که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. بدیهی است که زندگی روستایی از محصول کشاورزی جدا نیست و تمام آنچه روزمره زندگی روستایی است با محصول پیوند خورده است. جدا از جشن‌های برداشت محصول، توت‌ها، مراسم مذهبی، نقوش به کار رفته در صنایع دستی و به طور زندگی روزمره روستایی برگرفته از ذهن طبیعت‌پسند مردم بوده است و طبیعت است که مادر زمین و بارآوری محصول و نمادی برای ادامه زندگی است. برخی آداب شناسایی شده مرتبط با محصول در این بخش شرح داده شده است :



تارم سفلی

آداب مشک‌زنی

مشک (دوخته شده از پوست احشام برای تولید لبنیات) را در زمستان با نمک پر می‌کنند تا فاسد نشود. در فصل بهار و برای استفاده مجدد از مشک، آن را در داخل آب جاری رودخانه می‌اندازند تا آب نمک‌های باقی مانده و گرد و خاک را کاملاً تمیز نماید و بعد آن را خشک کرده و برای مشک‌زنی آماده می‌کنند. مشک‌زنی توسط دو نفر که معمولاً زن هستند، انجام می‌شود ولی گاهی این عمل به صورت انفرادی نیز انجام می‌شود. زنان در حین مشک‌زنی، اشعار و اذکاری در مدح پروردگار و ائمه معصومین (ع) و فرزندان خویش خوانده و از خداوند طلب برکت و فزونی می‌کنند: یاعلی یا محمد، صل علی محمد. اعتقاد بر این بوده که اگر این سروده‌ها را بر زبان جاری نکنند گره‌ای از ماست نمی‌گیرند یا در حد کمی خواهد بود.

گاهی این اشعار خطاب به خود مشک نیز بر زبان رانده می‌شود:

تولوخوم سنی چالخارام / یاغوی تشته باسارام / حسین جانوموی تویوندا / قوفلو قازان آسارام

اعتقاد به قدم سبک و خیرداشتن در برخی از افراد، در بین تمامی روستاهای تارم سفلی رایج است و در هر رشته‌ی هنری و یا امور کشاورزی و خانه‌داری این باور به شکلی نمود یافته است. مثلاً در هنگام مشک‌زنی اعتقاد بر این است که اگر فلان شخص وارد شود، قدمش سبک بوده و باعث تسریع کار و برکت در محصول تولیدی خواهد شد.

مراسم خرده‌بار (خرج بار)

اقلام و خوراکی‌های مورد نیاز عروسی بر روی چهارپا حمل می‌شده و از خانه داماد به خانه عروس ارسال می‌شده است.

تولد

در گذشته طناب قزیل را بالای سر زائو قرار می‌داده‌اند تا از آسیب آل در امان باشد. همچنین برای کاهش درد زائو، کف دست او را برنج یا گندم می‌ریخته‌اند و صبح فردا آن را به نیازمندان یا پرندگان می‌دادند یا برنج و گندم را زیر غربال ریخته و کودک تازه متولد را روی غربال قرار می‌دادند و فردای آن روز گندم و برنج را به نیازمندان می‌داده‌اند.

پخت نان برای عروسی

در منطقه تارم به دلیل مشغله زیاد و کار کشاورزی، عروسی‌ها در زمستان غالباً برگزار می‌شده است. برای پخت نان عروسی، جوانان به صحرا رفته و هیزم می‌آوردند و از زمان آغاز پخت نان تا پایان عروسی، عاشیق‌ها یا نوازندگان موسیقی سنتی به نواختن ساز مشغول می‌شدند.



مراسم اوجاق لار و جشن محصول

از اعتقادات خاص این منطقه می‌توان به مراسم "اوجاق لار" (نیایشگاه روباز) اشاره کرد که طی آن مردم روستا در اولین ماه فصل پاییز و پس از اتمام کار خرمن‌کوبی و علوفه‌چینی به اوجاق لار مکانی در ارتفاعات کوهی واقع در اطراف روستا عزیمت می‌کنند. روز حرکت به این مکان توسط فردی خاص و دو روز مانده به مراسم به همه مردم اعلام می‌شود که طی آن فرد مذکور بر بالای پشت بام رفته و با جار کشیدن جمله "صباح حمام بیری گون امام" یعنی فردا روز نظافت و حمام رفتن و پختن نان بوده و پس فردا آئین زیارت و شکرگذاری از معبود می‌باشد، مردم را باخبر می‌نماید.



در صبح روز مراسم مردم روستا به اتفاق کل خانواده و بستگان خود و با استفاده از چهارپایان خود را به محل اوجاق لار رسانده و با کشتن قربانی و پختن آبگوشت به شکرگذاری از خدا پرداخته و برای سلامتی خود و خانواده‌های خود دعا و راز و نیاز می‌کنند. در این روز دختران و زنان روستا پس از صرف نهار دور هم جمع شده و به شادی و گفتگو مشغول می‌شوند. در برخی روستاها از جمله زرنه مردم به منزله شکرگذاری از درگاه خدا سالیانه یک بار بعد از درو محصول گندم و علوفه به زیارت امامزاده ابراهیم (در کنار روستا) رفته و در آنجا با کشتن قربانی و پخت گوشت قربانی و پخش آن در میان همه از معبود خود شکرگذاری کرده و صحت و سلامتی خود و خانواده خود را از آستان امامزاده و خداوند خواستارند. این روز به عنوان خاتمه کارهای درو نیز محسوب شده و کشاورزان با خیال آسوده در این روز حاضر می‌شوند.

از اعتقادات مردم قارخون، رفتن به زیارت امامزاده چهل تن (مکانی در راس کوهی واقع در جبهه غربی روستا) بعد از دروی محصولات علوفه‌ای و غله‌ای است. موعد این مراسم در آخر فصل تابستان می‌باشد.

الله شامی

از مراسم خاص منطقه تارم می‌توان به الله شامی اشاره کرد. در فصل تابستان و در آخرین روز دروی گندم، فردی که در حال گندم چینی بود به تعدادی از دوستان و آشنایان و همسایگان شامی می‌داد. این افراد جمع می‌شدند و برای کمک به دروی گندم صاحب مزرعه می‌رفتند و در آخرین لحظات که کار گندم چینی در حال تمام شدن بود حاضرین شروع به صلوات فرستادن و خواندن اشعاری در رابطه با خیر و برکت محصول خود و ایمن بودن از بلا یا سرمی‌دادند و بعد از تمام شدن کار اذان می‌گفتند و دعا می‌کردند. معمولاً در این روز خوشه آخر گندم را به دست " شرخه چی Sharkhechei " (کودک خردسالی از قشر طبقاتی خوش‌نشین بود که وظیفه داشت تا در زمان گندم چینی به ارائه خدماتی از قبیل تامین آب گوارا و غذا رساندن به کارگران در مزرعه بپردازد) می‌دادند تا او درو کند و آن شخص با چیدن آن خوشه و تحویل به صاحب مزرعه پولی به عنوان سوغات می‌گرفت. سرانجام بعد از اتمام کار، صاحب مزرعه گندم تمامی آن‌هایی که برای کمک به دروی محصول آمده بودند و چندی از ریش سفیدان محل را به ضیافت شامی بابت شکرگذاری از پروردگار جهت اتمام کار برداشت محصول دعوت می‌کرد. این پذیرایی غذا در روستای ماهین به الله شامی (احسان کردن شام در راه خدا) معروف بود. در این مراسم بیت معروف ((اگر خسته جانی بگو یا علی اگر ناتوانی بگو یا علی)) و دیگر سروده‌ها را به صورت دسته جمعی همخوانی می‌کردند.



الموت

سنگ چین

در روستای عباسک مراسمی است که بی ارتباط با باورهای آنان نیست. دلیل آن وجود امام درخت (درخت چنار) مقدسی است که زیر آن «شیلان کنشی یا جشن شادمانی همراه با صرف غذا» برگزار می‌کنند. چشمه‌ای در کنار امام درخت قرار دارد که برای مردم مقدس و مورد احترام است. مردم از چشمه می‌نوشند به امید شفا به درخت دخیل سبز می‌بندند و از چشمه و درخت و زیارتگاه «عمه خاتون» حاجت می‌گیرند. شاخه‌های درخت را نمی‌برند و اعتقاد دارند هر کسی آن‌ها را برد خیر نمی‌بیند. زیارتگاه کنار امام درخت که در آن شمع و چراغ روشن می‌کنند، درخت چنار و چشمه آب و نام «عمه خاتون» مجموعه‌ای را تشکیل می‌دهد که معابد الهه میترا (الهه آب و زایش) را تداعی می‌کند. اعتقادات ایرانیان در طول زمان با تغییراتی روبرو بوده است، اما هنوز هم مظاهر اعتقادات پیش از اسلام در شکل تغییر یافته آن در جای جای الموت بر جای مانده و مردم همبستگی خاصی با این باورها دارند.

نشانه‌های برکت

زندگی روستایی از جاذبه‌های بسیاری برخوردار است. مظاهر این نوع زندگی در ابزارآلات زندگی و کار، آداب و رسوم و پوشش آنان تجلی می‌یابد. نگهداری از یک خوشه برنج به یمن تبرک و یمن از جمله این جذابیت‌ها به شمار می‌رود. خشک کردن میوه‌ها بر روی پشت‌بام‌ها از دیگر جاذبه‌های فرهنگ روستاییان الموت به شمار می‌رود.



عکس: اعظم داداشی

ایزار بافی (سفره جامه - سفره نان)

ایزار نامی است که در بعضی روستاهای الموت به سفره نان اطلاق می‌شود. سفره نان به ابعاد تقریبی ۱۵۰×۱۵۰ سانتی‌متر تهیه می‌شود. بافت آن مانند چادرشب و به صورت نواری بلند با رنگ سفید و نوارهای افقی به رنگ آبی تیره (در گویش بعضی روستاهای الموت: کپو) بافته شده و به اندازه دلخواه بریده شده و در کنار هم دوخته می‌شود. ایزار با نخ پنبه‌ای بافته می‌شود و ضخامت آن بیشتر از پارچه چادرشب است. گاهی در بافت آن از پشم نیز استفاده می‌شده است. ایزار یا به گویش محلی «سفره جامه» هنگام پخت نان به کار گرفته می‌شود. آرد و نان در فرهنگ ایرانی و مسلمانان اهمیتی ویژه دارد و برکت خداوند محسوب می‌شود و استفاده از سفره نان به آن جهت است که علاوه بر اینکه سبب می‌شود نان خشک نشود، ذره‌ای از آن بر زمین ریخته نشود.

سفره دیگری نیز با تاروپود پنبه‌ای به رنگ سفید و کمی ضخیم‌تر از ایزار، در بعضی روستاها بافته می‌شده است. گاهی سکه ومهره فیروزه‌ای رنگی از جنس سفال در گوشه‌ای از سفره به نشانه چشم و نظر و نماد برکت خواهی (طلب برکت) دوخته شده است. این نمونه سفره آرد محسوب می‌شود و نه نان. این دو نمونه متفاوت از ایزار مرسوم در اکثر روستاهای الموت است.

پخت شیره

با فرا رسیدن فصل جمع‌آوری انگور، روستائیان را در حال انجام مراحل مختلف پخت شیره می‌توان دید. بسیاری از اهالی در پخت شیره انگور کمک می‌کنند. پخت شیره از گذشته‌های دور رونق داشته و همچنان نیز انجام می‌شود. انگور پس از انتقال به روستا طی مراحل بر روی اجاق‌هایی که در محوطه باز حیاط خانه‌ها با خشت و گل بر پا شده پخته می‌شوند. محلی که شیره در آن پخته می‌شود را در اصطلاح محلی "چره" می‌گویند. چره محلی است که انگور را داخل آن می‌ریزند و لگد می‌کنند و آبش را می‌گیرند. سپس درون ظرف‌های بزرگ بر روی اجاق‌های فلزی یا ساخته شده از گل جوشانده می‌شود تا غلظت کافی بیابد. کار ساخت اجاق‌ها نیز گاهی توسط زنان انجام می‌شود. گرفتن آب انگور، مخلوط کردن خاک تمیز با آن و جوشاندن شیره انگور از مراحل پخت شیره می‌باشد. سبدهای چوبی که محصول خود روستا است برای حمل انگور به کار می‌رود. پخت شیره در روستای نیاق به ثبت ملی رسیده است.

عقیقه

مراسم ویژه پخت نان توسط تعدادی از زنان روستا برای عقیقه (مراسم کشتن قربانی) در صبح روز عید فطر انجام می‌گیرد و روز عید، همه در مسجد به صرف نهار می‌روند. این آداب بیشتر در میان مراقی‌ها انجام می‌شود.



پخت نان

شیوه زندگی در بسیاری از روستاهای الموت هنوز رنگ و بوی گذشته خود را حفظ نموده است. در بعضی خانه‌ها چون گذشته نان محلی طبخ می‌شود و مردان با کمک زنان به دام‌ها رسیدگی می‌کنند.

اریشته

در منطقه آوج تولید اریشته (رشته) از دیرباز رواج داشته است. برای این کار، آب، آرد و نمک را مخلوط می‌کنند و ورز می‌دهند تا خمیر آماده گردد. خمیر را صاف می‌کنند و با چاقو به صورت باریک و نواری برش می‌دهند. نوارهای بریده شده را روی طناب مقابل آفتاب پهن می‌کنند تا کاملاً خشک شود. در نهایت رشته‌ها را روی آتش سرخ می‌کنند تا برای مصرف آماده شود.

گِله ترشی

باغداران قزوین از برخی انگورها که دارای پوست سفت تری هستند مانند انگور فخری و انگور تخمه دار، دسر ترشی تهیه می‌کنند. انگورها را با خوشه داخل ظروف سفالی می‌ریزند و روی آن مخلوطی از شیره و آب ریخته و نعنای تازه به آن می‌افزایند. سپس در ظرف را بسته و در شب چله یا نوروز از آن به عنوان دسر که دارای طعم ترش و شیرین است استفاده می‌کنند. (پرونده ثبتی گِله ترشی - استان قزوین - ۱۴۰۰)

پنیر کوزه‌ای

این نوع پنیر در استان قزوین طرفداران زیادی دارد. پس از تهیه پنیر تازه آن را نمک سود می‌کنند و پس از خشک کردن، آن را رنده کرده و افزودنی‌هایی چون زیره یا سیاه دانه به آن می‌افزایند و محصول به دست آمده را به صورت فشرده داخل کوزه سفالی می‌ریزند و با دست آن مقدار می‌فشارند تا تمام هوای آن خارج شود. پس از پرسیدن کوزه روی آن برگ توت گذاشته و در کوزه را گل اندود می‌نمایند و کوزه را به صورت وارونه داخل چاله ماسه‌ای (چاله پنیر) قرار می‌دهند و پس از چند ماه از آن استفاده می‌کنند. (پرونده ثبتی پنیر کوزه‌ای - استان قزوین)



گیاهانی برای دفع چشم نظر

اسفند

اسفند از گیاهانی است که به وفور در همه مناطق قزوین می‌روید و روستاییان از آن برای تزئین منازل خود و رفع چشم زخم بهره می‌گیرند. اسفندبافی با سلايق مختلف برای دفع چشم زخم تقریباً در تمام روستاهای استان مشاهده شده است. دانه‌های اسفند به اشکال مختلف بافته می‌شوند که رایج‌ترین آن به شکل لوزی‌هایی است که از دو ضلع پایین آن رشته‌های اسفند آویزان است. مواد اولیه برای بافت چنین تزئیناتی شامل: کپسول‌های اسفند، کاموهای رنگین و دو چوب کوچک هر کدام به طول ۲۰-۱۰ سانتیمتر است. برای شروع کار، ابتدا دو چوب کوچک را به صورت چلیپا یعنی یکی را افقی و دیگری را عمودی بر روی هم قرار داده، سپس الیاف رنگین کاموا را بین این دو چوب چندین بار عبور می‌دهند تا شکل یک لوزی به دست آید. سپس کپسول‌های اسفند را با سوزن سوراخ کرده و نخ را از آن عبور می‌دهند و به شکل دانه‌های تسبیح، رشته‌هایی از کپسول‌های اسفند به صورت زنجیروار به دست می‌آید. سر رشته‌ها را از دو ضلع پایین لوزی آویزان کرده و ته آن‌ها را با الیاف کاموا به شکل منگوله در می‌آورند. با استفاده از کاموهای رنگین چندین لوزی تودرتو در بخش بالایی ایجاد می‌شود و معمولاً این کامواها به رنگ‌های شاد و شفاف‌ی چون آبی، سبز، قرمز و نارنجی است. این آویزهای تزئینی بر روی دیوارهای منازل، چه در ورودی‌ها و چه در اتاق‌های اندرونی نصب شده و گونه‌های دیگری از آویزها نیز هستند که به شکل مدور و مارپیچ و... بافته می‌شوند. (طرح مستندنگاری صنایع دستی

استان قزوین-۱۳۸۸)





گون

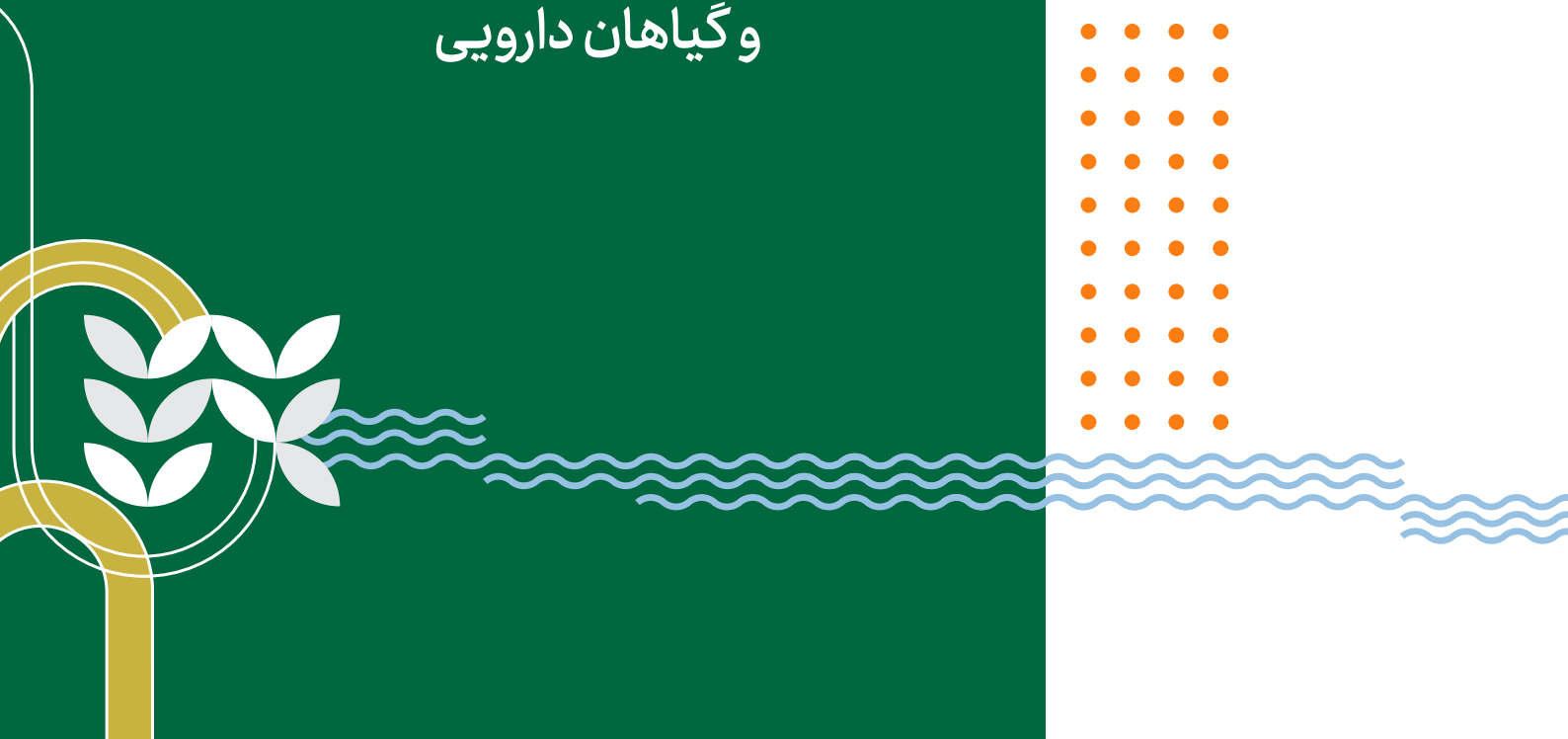
به غیر از اسفند از گیاهان و درختان دیگری نیز به منظور رفع چشم زخم بهره می‌گیرند و اعتقاد بر این است که این گیاهان و درختان مورد نظر مخصوص خداوند بوده است و به اصطلاح نظرکرده می‌باشند. گیاه گون، یکی از این گیاهان است که بر سر در خانه‌ها و بر روی تیرهای چوبی سقف اتاق‌ها می‌آویزند تا ساکنین از هرگونه گزند در امان باشند. اعتقاد بر این است که تیغ‌های گون بر چشم بدخواهان فرو رفته و صاحب خانه را از آسیب‌ها و بلایای احتمالی مصون می‌دارد. این اعتقاد، شاید برگرفته از این حقیقت باشد که گیاه گون دارای تیغ‌های بسیاری است که به محض تماس با انسان علاوه بر درد گزش، خارش زیادی نیز در پوست ایجاد می‌کند.

تادانه

تادانه یا داغداغان درختی است با چوب سخت و خم‌پذیر و خاکستری رنگ و میوهایی شبیه زالزالک ولی بسیار کوچک و شیرین که رنگ خاکی یا کبود تیره دارد. این درخت در برخی نقاط استان به ویژه الموت و تارم پراکنده است. در روستای حسین‌آباد واقع در دهستان چوقور، جنگلی به نام داغداغان وجود دارد که در گذشته از چوب این درخت قطعات کوچک مهره، آویز و تعویذ ساخته به همراه دیگر سنگ‌های قیمتی بر گردن نوزادان و حتی دام‌ها می‌آویختند تا از بلایای احتمالی در امان بمانند و شیر مادر برکت دار شود. همچنین سابقاً در میان روستاییان استفاده از چوب این درخت برای رفع چشم زخم رایج بوده که به مرور زمان اهمیت و نقش خود را از دست داده است. درخت تادانه نزد عامه نظرکرده است و در بسیاری از مناطق استان مشاهده شده که آن را در حیات امام‌زادگان کاشته‌اند و به آن دخیل می‌بندند. دو درخت تادانه نیز در استان به ثبت ملی رسیده‌اند. (طرح مستندنگاری صنایع‌دستی استان قزوین-۱۳۸۸)



فصل ۶
پوشش گیاهی
و گیاهان دارویی



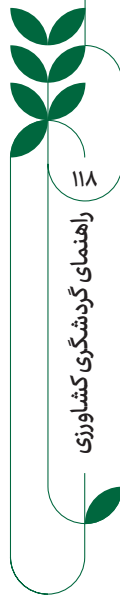




پوشش گیاهی و گیاهان دارویی

پزشکی و داروشناسی در حقیقت هنری والا بوده و کسانی در این علوم به کمال می‌رسند که از دیدگاه و استعداد هنری برخوردار باشند. کشور باستانی ایران به عنوان یکی از بنیان‌گزاران فرهنگ و تمدن بشری نقش بسیار بزرگی در تکامل و اعتلای هنر و علم پزشکی و داروشناسی در جهان داشته و در طی ادوار گذشته‌ی تاریخی با برقرار نمودن و اعلام فرضیه و نظریه‌های اساسی و مختلف پزشکی در مورد کیفیت ایجاد بیماری‌ها و برگرداندن سلامتی به انسان و استفاده‌ی بجا از گیاهان و مواد طبیعی در درمان بیماری‌ها، نقش ارزشمندی در پیشرفت علم پزشکی در دنیا به عهده داشته است. فرضیه طبایع چهارگانه که اساس پزشکی باستان را تشکیل داده و به عنوان نظریه و مبانی طب یونانی معروف شده در کتاب ارزشمند بوندهش قرن‌ها قبل از شکوفایی تمدن یونانی و انتشار آثار بقراطی به تفصیل ذکر شده و اسامی بسیاری از گیاهان و مواد دارویی مفید در آثار باقیمانده از زرتشت در کتاب اوستا شرح داده شده است. بدین ترتیب ایران را می‌بایستی یکی از بنیان‌گزاران اصلی هنر و علم پزشکی در جهان برشمرد.





در مکتب طب ایرانی حفظ سلامتی بر درمان اولویت داشته و اصول صحیح سبک زندگی براساس شرایط هر فرد در قالب "اصول حفظ الصحة یا سته ضروریه" ارائه می‌گردد؛ همانگونه که شیخ الرئیس ابوعلی سینا در کتاب قانون چنین می‌فرماید: "طب علمی است که به واسطه آن احوال بدن انسان شناخته می‌شود از جهت آنچه که موجب سلامتی و بیماری است تا صحت و سلامتی موجود را حفظ کند و در صورت از دست رفتن سلامتی آن را به بدن برگرداند." ابن سینا توصیه‌ای اکید در تجویز دارو دارد و می‌فرماید: هرگاه بیماری با تجویز داروی تکی قابل درمان است، هرگز از چند دارو برای درمان استفاده نکن، و هرگاه چند دارو می‌توانند درمان را بر عهده گیرند، هیچوقت دست به داروهای بزرگ (معجون‌ها، ایارج‌ها) نبر. در پزشکی کهن، داروها از گیاهان بدست می‌آمدند. در تولد رستم، موبد پزشک به دستور سیمرغ مرهمی از کوبیدن گیاهی مخصوص و آمیختن آن با شیر و خشک کردن آن در سایه، ساخته و بر زخم عمل رودابه می‌گذارد. نکته ظریف این دستور، توصیه به خشک کردن مرهم در سایه است تا خواص آن در اثر نور آفتاب و گرما از بین نرود. این توصیه امروز هم در نگهداری داروها به قوت خود باقی است. (هنر پزشکی و داروشناسی در ایران باستان - فریبرز معطر و دیگران - ۱۳۸۹)

بنا بر روایات و داستان‌ها، ساکنان منطقه الموت دارو فروش بوده‌اند و در دامنه کوه‌ها، زنان و کودکان گیاهای طبی را جستجو می‌کردند و گیاهان اهلی را در باغچه‌های خود می‌کاشتند. روستاییان گیاهان و گل‌ها و ریشه‌های گیاهی را که خاصیت طبی داشت به شهرها می‌فروختند و الموت در دنیای قدیم یکی از مراکز بزرگ داروسازی بود. (خداوند الموت- پل آمیر- ص ۱۲).

منطقه الموت سرسبز و حاصلخیز با چشم‌اندازی باشکوه است. گیاهان خودروی وحشی که دارای ارزش سرشار دارویی است در دامنه کوه‌ها می‌رویند. کما، ناس، زیره وحشی، زرشک، تمشک، ریواس، شیرین بیان، گون - کتیرا با مصارف دارویی در گذشته به ویژه کاربرد آن در دوره اسماعیلیه از شهرت بسیاری برخوردار است. درختان بید و تبریزی که پرده نقاشی مینیاتوری را آفریده‌اند، درختان مقدس چنار و درختان خودروی زالزالک و بقایای جنگل‌های پراکنده آوِرس (سروکوهی) در الموت به وفور دیده می‌شود.

پوشش گیاهی منطقه الموت غالباً شامل گیاهان خودرو می‌باشد که جهت تغذیه دام‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. مراتع بیلاقی را اغلب گیاهان خانواده گرانیه و گیاهان پهن برگ تشکیل می‌دهد. مراتع بیلاقی که در شمال منطقه و ارتفاعات رشته کوه البرز واقع شده تقریباً مشجر می‌باشد. در این مراتع گیاهان نادر و کمیاب نظیر کما و سایر گونه‌های مرتعی

وجود دارد و پوشش گیاهی بسیار غنی است. گونه‌های غالب گیاهی در منطقه تحت تأثیر ارتفاع و نوع شیب (شمالی یا جنوبی) متفاوت هستند. در بعضی نقاط بوته‌های تنگرس (تنگز) گیاه غالب و در برخی نقاط گون گیاه غالب بر سایر گونه‌های گیاهی است. در مراتع بیلاقی گیاهان خانواده غلات گونه غالب را تشکیل می‌دهند، اما تنها گونه گیاهی که در اکثر مراتع و تمام مناطق مشاهده می‌شود گون زرد و سفید می‌باشد.

به طور تقریبی جنگل‌های نیمه متراکم و پراکنده این منطقه شامل درختان ارس (سرو کوهی)، بلوط (بلند مازو)، سقز (بنه)، داغداغان، زالزالک (بصورت پراکنده) و درختچه‌های انار وحشی (انار ترش) و زرشک و از گیاهانی که کاربرد دارویی و صنعتی دارند نظیر خشخاش، زرشک، خاکشیر، باهوشاه، شب بوی ایرانی، قدومه، گیاه کیسه، میخک، پنیرک، گل ختمی و گون که می‌توان از آن‌ها مقدار قابل توجهی کتیرا استخراج نمود، همچنین انواع دیگر، کاسنی، نعنای آویشن و کاکوتی را باید نام برد که در این بخش به وفور می‌روید. همچنین اهالی از گیاهی به نام محلی «رومانچ» سخن می‌گویند که خواص دارویی دارد. (طرح مستندنگاری صنایع دستی-۱۳۸۸). فعالیت اسماعیلیان به ویژه در زمان حسن صباح در زمینه گیاهان دارویی گویای فراوانی نمونه‌های گیاهی است که بخشی از آن‌ها شناخته شده است.



اهداء گیاه دارویی توسط حسن صباح به یکی از فدائیان

(طرح مستندنگاری صنایع دستی استان قزوین-۱۳۸۸)

برخی رستنی‌های استان که جنبه دارویی و صنعتی دارند به شرح زیر خلاصه شده‌اند:

رستنی‌های شناسایی شده در مناطق مختلف استان قزوین

ردیف	نام گیاه	کاربرد
۱	آویشن	دارویی- صنعتی
۲	اردوج	
۳	ارس	
۴	ازگیل	خوراکی
۵	اسفند	
۶	افسانی یا اسپرک زرد	
۷	ال اسبی	
۸	انار وحشی (انار ترش)	
۹	اناریچه	
۱۰	بابونه	دارویی
۱۱	بادام کوهی	
۱۲	بادبر یا علف شاهپسند	
۱۳	بارهنگ	دارویی
۱۴	باهوشاه	
۱۵	بذراالبنج	دارویی
۱۶	بلوط	صنعتی- دارویی
۱۷	بلوط (بلند مازو)	صنعتی- دارویی
۱۸	بنه	
۱۹	بومادران	دارویی
۲۰	بید	





کاربرد	نام گیاه	ردیف
	پزند یا کاروانکش	۲۱
	پنجه مرغ یا دندان سگ	۲۲
دارویی	پنیرک	۲۳
دارویی	پونه	۲۴
	پونه آبی	۲۵
دارویی	پیاز کوهی	۲۶
	پیازک	۲۷
	پیچک صحرائی یا سیاه باغی	۲۸
	پیرو	۲۹
	تاج خروس یا زلف عروس	۳۰
	تبریزی	۳۱
دارویی	ترشک	۳۲
دارویی	ترنجبین	۳۳
خوراکی	تره کوهی	۳۴
خوراکی	تمشک	۳۵
	تنگرس	۳۶
خوراکی - صنعتی	توت	۳۷
دارویی	توکلجه	۳۸
	تیر ماهی یا گل گندم خاردار	۳۹
	جگن	۴۰
	جو پیازدار، شغال دم	۴۱
دارویی	چای کوهی	۴۲
	چنار	۴۳
	خارزد یا تیغ زرد	۴۴



کاربرد	نام گیاه	ردیف
دارویی	خارشتر	۴۵
دارویی	خاکشیر (شوران)	۴۶
دارویی	خرفه	۴۷
دارویی	خشخاش	۴۸
	خلنگ	۴۹
	داغداغان	۵۰
	دیو آلبالو	۵۱
	رومانچ	۵۲
صنعتی	روناس	۵۳
خوراکی	ریواس	۵۴
خوراکی	زالزالک	۵۵
	زبان گنجشک	۵۶
خوراکی	زرشک	۵۷
دارویی	زیره وحشی	۵۸
	ژرک	۵۹
	سایه کینه یا سایه چورک	۶۰
	سرخ ولیک	۶۱
	سفید جاروب	۶۲
	سقز (بنه)	۶۳
خوراکی	سماق	۶۴
	سنجد	۶۵
	سیاه ال	۶۶
	سیاه تلو	۶۷
	سیاه تنگرس	۶۸
	سیاه ولیک	۶۹



کاربرد	نام گیاه	ردیف
	سیب وحشی	۷۰
دارویی	شاتره	۷۱
	شب بوی ایرانی	۷۲
دارویی	شنگ	۷۳
	شوکران	۷۴
دارویی	شیر خشت	۷۵
	شیر سگ	۷۶
	شیردار	۷۷
دارویی	شیرین بیان	۷۸
	علف بوریا	۷۹
	علف پشمکی قیاق	۸۰
	علف چشمه یا شاهی آبی	۸۱
دارویی	علف گربه، سنبل الطیب	۸۲
دارویی	غازیاقی	۸۳
	فراموشم مکن آبی	۸۴
	فندق	۸۵
دارویی	قازیاقی	۸۶
	قیاق سورگوم	۸۷
	قدومه	۸۸
دارویی	کاسنی	۸۹
دارویی	کاسنی زرد یا شیر دندان	۹۰
	کاکوتی	۹۱
صنعتی- دارویی	کما	۹۲
	کنگر	۹۳
دارویی	کهکیلوتی	۹۴



کاربرد	نام گیاه	ردیف
	گردو	۹۵
دارویی	گزنه دو پایه، گزنه	۹۶
دارویی	گل بنفشه	۹۷
	گل حسرت	۹۸
دارویی	گل ختمی	۹۹
	گل سفیدک، شاه تره فرنگی	۱۰۰
	گل فراموشم مکن	۱۰۱
دارویی	گل گاوزبان	۱۰۲
دارویی	گل ماهور	۱۰۳
دارویی	گلپر	۱۰۴
	گندمی برنجان	۱۰۵
	گوش بره	۱۰۶
صنعتی	گون	۱۰۷
	گیاه کیسه	۱۰۸
	گیلاس وحشی	۱۰۹
	مریم نخودی	۱۱۰
	مورتی	۱۱۱
	مورغای پیازدار	۱۱۲
	موسیر	۱۱۳
دارویی	میخک	۱۱۴
دارویی	ناس	۱۱۵
دارویی	نسترن یا گل سرخ وحشی	۱۱۶
دارویی	نعناع	۱۱۷
	ون	۱۱۸

منابع (آرشو اداره کل منابع طبیعی استان - آرشو پایگاه الموت - آرشو اداره

کل میراث فرهنگی استان قزوین)

با توجه به سابقه استفاده از گیاهان دارویی در استان قزوین و تنوع گیاهان، این بخش به عنوان مکمل توسعه گردشگری کشاورزی با رعایت قوانین مربوط به آن می‌تواند مد نظر قرار گیرد.

ایستگاه‌های تحقیقات دارویی

ایستگاه تحقیقات گیاهان دارویی الموت به وسعت ۱۳ هکتار در کیلومتر ۷۵ شمال استان قزوین و در ارتفاع ۱۴۵۰ متری از سطح دریا و در طول جغرافیایی $50^{\circ} 24' 50''$ و عرض جغرافیایی $36^{\circ} 28' 45''$ واقع شده است. متوسط بارندگی منطقه ۳۵۰ تا ۴۰۰ میلیمتر می‌باشد. در ایستگاه تحقیقات گیاهان دارویی از بدو تاسیس تاکنون پروژه‌های تحقیقاتی در زمینه‌های فلور گیاهان دارویی، کشت و اهلی کردن، بررسی مواد موثره، آفات و بیماری‌ها و جمع آوری بذر به منظور تقویت بانک ژن انجام پذیرفته است. تنوع گیاهان در این منطقه و قدمت استفاده از گیاهان دارویی توسط مردم منطقه منجر به اجرای طرح جمع آوری و شناسایی گیاهان دارویی استان شده و تعداد گیاهان دارویی الموت بیش از ۱۵۰ گونه گزارش شده است.

سایر ایستگاه‌های تحقیقاتی شامل انگور تاکستان، پسته یزر، درختان چند منظوره لوشان، فیض آباد، مرتع نودهک و ... می‌باشند.

(چشم‌انداز بخش کشاورزی استان قزوین - سازمان جهادکشاورزی استان قزوین)

طی سال‌های اخیر، گیاهان دارویی به‌خصوص زعفران و گل محمدی در استان قزوین به‌صورت محدود در حال کشت‌ورز است. گرچه اقلیم مناطق استان قزوین به‌خصوص در الموت و بوئین‌زهره کاملاً مساعد کشت گیاهان دارویی است اما توجه چندانی به این کشت‌ها نشده و گیاهان دارویی می‌توانند به‌عنوان یک پتانسیل خوب برای توسعه کشاورزی در این منطقه پرتنش آبی نقش ایفا کنند.

<https://abanagri.com/agriculture-in-qazvin>

جنگل‌ها و ذخیره‌گاه‌های جنگلی استان قزوین

ذخیره‌گاه ارس صمغ‌آباد

طبق روایات زرتشتی، این زرتشت بود که برای نخستین بار سرو را از بهشت آورد و به کشت آن در زمین همت گماشت و حتی برایش به نیایش پرداخت. این درختان کهنسال همیشه مورد احترام و تقدس مردم بوده‌اند و مورخان و سیاحان به این امر شهادت داده‌اند. در استان قزوین چند ناحیه به عنوان ذخیره‌گاه ارس شناخته می‌شود که از آن جمله می‌توان به ذخیره‌گاه ارس صمغ‌آباد در شهرستان آبیک و جنگل‌های ارس وناش در الموت شرقی اشاره کرد. جنگل ارس وناش جزء منطقه حفاظت شده محیط زیست محسوب شده و ذخیره‌گاه ارس صمغ‌آباد نیز تحت نظر اداره کل منابع طبیعی استان است و در فهرست آثار طبیعی به ثبت ملی رسیده است.

اُرس یا هُرس گونه‌ای سرو است که در مناطق کوهستانی می‌روید. این درخت در برابر ناملایمات طبیعی بسیار مقاوم است. ارس درختی ۲ پایه از خانواده سرو، یکی از معدود سوزنی برگ‌های بومی شمال ایران و درخت مقاوم و زیبایی مناطق جنگلی و کوهستانی به‌ویژه شمال کشور محسوب می‌شود. ناحیه رویشی این درخت از غرب تا شرق در امتداد دامنه‌های جنوبی رشته کوه‌های البرز و از شمال غربی تا جنوب در امتداد ارتفاعات البرز و زاگرس است. درختی کوهستانی، با ارتفاع ۷ تا ۱۰ متر، برگ‌های فلسی، میوه‌های ارغوانی رنگ و قطر ۸ تا ۱۲ سانتی‌متر به ۲ صورت درختچه‌های پراکنده در برخی از مناطق شمال از جمله الموت و تارم در دل سنگ‌ها و صخره‌ها، قابل مشاهده است.

درخت ارس از نظر آب‌خیزداری اهمیت زیادی دارد و می‌تواند در مناطق کم آب و خشک نیز رشد کند. این گونه قادر است پس از ۵ تا ۶ ماه بدون نیاز به آب، فصل خشک را تحمل کند. صبر و مقاومت در برابر خشکی و سرما، قابلیت رویش در ارتفاعات بیش از ۳ هزار متری از سطح دریا و سرسبزی، از ویژگی‌های این درخت زیباست که توسعه کاشت آن در ارتفاعات، روند فرسایش خاک را در کشور کاهش می‌دهد.

رویشگاه‌های مورد حمایت ذخایر جنگلی ارس صمغ‌آباد آبیک و سایر گونه‌های گیاهی موجود در آن عرصه‌ها که به عنوان پرستار و همراه درختان فوق وجود دارند (سیب وحشی)، ذخایر جنگلی اعلام شده و قطع آن‌ها را ناقض تبصره ۳ ماده ۱ قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور دانسته و با متخلفین برخورد قانونی به عمل می‌آید.

(پرونده ثبتی ذخیره‌گاه ارس صمغ‌آباد-۱۳۹۷)

ذخیره‌گاه بلوط قسطنین ناحیه

جنگل بلوط قسطنین ناحیه در بالادست روستای قسطنین در الموت غربی و در شیب تند رو به شمال واقع شده است. دسترسی به جنگل از سمت روستای قسطنین صعب است چرا که مشرف به دره‌ای عمیق است و در پایین دره باغات روستای قسطنین قرار دارد. از سمت روستای قسطنین یک راه جیب رو وجود دارد. راه دسترسی راحت‌تر به داخل جنگل از سمت روستای میلک است که با بلد محلی امکان‌پذیر است. یک راه فرعی سخت نیز از روستای فشک به جنگل منتهی می‌شود. جهت تجدید حیات طبیعی، از روش‌های خراش سطحی، بذریاشی و استفاده از قرق‌بان استفاده شده است. کاشت نهال در منطقه انجام نمی‌شود و هرگونه توسعه ذخیره‌گاه باید به صورت طبیعی و دانه زاد باشد. یک رودخانه فصلی و یک چشمه داخل ذخیره‌گاه وجود دارد.

علیرغم نقاط قوت و توان رقابتی نیرومندی که این منطقه به عنوان یک خطه گردشگری دارد، دارای یک رشته نارسایی‌ها و نقاط ضعف نیز می‌باشد که عمدتاً مربوط به موارد زیر است: خطر آفرین بودن جاده‌های منطقه به‌ویژه در رشته کوه‌های البرز و محدودیت زیرساخت موجود حمل و نقل، کیفیت ضعیف منابع انسانی و مؤسسات آموزشی؛ روش‌های ناپایدار مدیریتی از جمله نارسایی در حفاظت از منابع طبیعی و فرهنگی و گردشگری؛ ضعف در مدیریت مواد زائد و آلودگی آب رودخانه‌ها؛ محدودیت توان بخش خصوصی جهت اجرای نقش مؤثر خود به عنوان مهمترین ارائه دهنده تسهیلات و خدمات گردشگری و مخالفت‌های محلی نسبت به ساخت و سازهای تجمیلی گردشگری.

از این رو بهره‌برداری گردشگری و حضور گردشگران به صورت تخصصی و با حضور راهنمای بلد و هماهنگی با اداره کل میراث فرهنگی و منابع طبیعی استان برای این مناطق پیشنهاد می‌شود. (پرونده ثبتی بلوط قسطنین ناحیه-۱۳۹۸)



جنگل بلوط حسین آباد تارم

اوری (Quercus macranthera) یا بلوط ایرانی یا بلوط قفقازی گونه‌ای از درختان برگریز بومی غرب آسیا (شمال ایران)، ترکیه و گرجستان، ارمنستان و آذربایجان در قفقاز است. نام اوری را در درفک و جواهردشت رامسر بدان دهند. گوری، اورو، پاچه مازو، ترش مازو و پالط نیز خوانده می‌شود. اوری در جنگل‌های ارتفاعات شمال ایران، مناطق کوهستانی قفقاز، ارسباران و جنگل‌های مختلط کاسپینی-هیرکانی دیده می‌شود. این گونه بلوط به شکل زمین و جهت جغرافیایی بستگی ندارد اما به ارتفاع زمین بستگی داشته و غالباً در ارتفاعات بالاتر از ۱۷۰۰ متر از سطح دریا رشد می‌کند و درختی سرمادوست و نورپسند است.



جنگل‌های بلوط استان قزوین در ارتفاعات ۲ تا ۳ هزارمتری بخش الموت و تارم‌سفلی به صورت درختان پراکنده و نامنظم رویده‌اند ذخیره‌گاه ژنتیکی درختانی مانند: ارس، زالزالک، بلوط، گردوی وحشی، آلو جنگلی، بادام کوهی و پسته وحشی می‌باشد.

جنگل بلوط حسین‌آباد تارم‌سفلی جنگلی بکر با چشم‌اندازی زیباست که دست انسان فعلا به آن آسیبی نرسانده است. چرای دام به صورت محدود صورت می‌گیرد و خطری جدی برای پوشش گیاهی منطقه محسوب نمی‌شود. از میوه بلوط گاهی به عنوان سوخت استفاده می‌شود ولی با توجه به جمعیت کم منطقه، خطر نیروی انسانی ناحیه را تهدید نمی‌کند. مردم محلی پس از گرفتن تلخی میوه بلوط، آن را آرد کرده و در پخت نان از آن استفاده می‌کرده‌اند. همچنین سابقا در پخت نوعی خورش از میوه بلوط استفاده می‌شده است. روستاییان از شاخه‌های نازک بلوط که در زبان محلی پَرِدی نامیده می‌شود در ساخت پرچین یا سایبان ایوان خانه‌ها و از شاخه‌های کلفت تر در ساخت ستون خانه استفاده می‌کرده‌اند. چوپانان ساقه بلوط را در تنور حرارت می‌دهند تا پوسته ترک بخورد و سپس با سنگ پوسته‌ها را از ساقه جدا می‌کنند و آن را صیقل می‌دهند و به عنوان چوبدستی به کار می‌برند.

محدوده جنگل‌های بلوط حسین‌آباد تارم در استان قزوین از شمال به اراضی قریه کمررود، سمنگاه، حسن آباد، جار و چمن، از غرب به اراضی روستاهای شمدادشت و قارخون، از جنوب به اراضی روستاهای پلنگه، محمدده، اردک و رازان و از شرق به اراضی روستای قلالو ختم می‌شود. مساحت کل محدوده ۴۱۹۶٫۶ هکتار است که ۳۷۹۹٫۴ هکتار از اراضی جزء منابع ملی و ۴۱۶٫۶ هکتار جزء مستحدثات و مستثنیات است. روستای حسین‌آباد تنها روستای موجود در محدوده مورد نظر است. شیب متوسط روستا ۴۵٫۵ درصد و اقلیم آن نیمه خشک می‌باشد. حداقل ارتفاع از سطح دریا ۹۱۰ متر، حداکثر ارتفاع ۲۶۶۲ متر و ارتفاع متوسط آن ۲۱۷۰ متر است. این آبادی در ۳۳ کیلومتری جنوب غربی شهر سیردان، مرکز بخش تارم‌سفلی واقع شده است.

پس از احداث سد منجیل در دهه ۴۰ ه.ش و آبیگری آن، هرساله با فروکش کردن آب سد، باد محلی دره سفید رود- که همواره در این منطقه می‌وزد- شن و خاک بستر و کناره‌های سد منجیل را به طرف برخی از روستاهای حاشیه جنوبی رودخانه منتقل می‌کند. در طی دهه‌های گذشته، نفوذ شن به همراه سرعت زیاد باد محلی سفیدرود باعث گردید تا ساکنین برخی روستاهای قدیمی منطقه تارم دچار مشکل شده و در نهایت پس از زلزله ۱۳۶۹ رودبار و منجیل، این روستاها را برای همیشه ترک کنند.

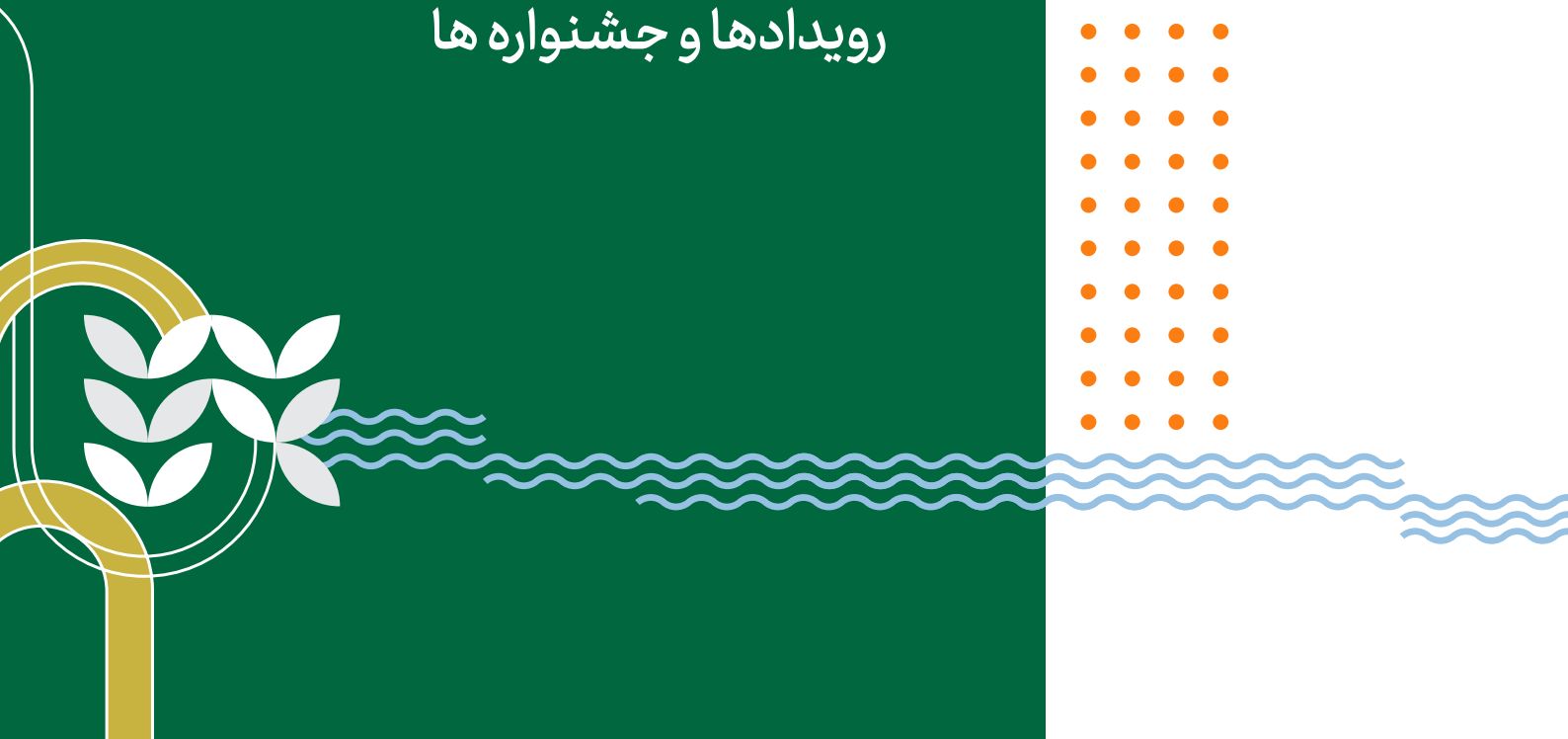


امروزه، نفوذ شن‌های روان به همراه سرعت زیاد باد محلی سفیدرود، زندگی عادی ساکنین روستاهای پایین دست مانند ارکن کرد، میرخواندسفل و علیا را مختل نموده است. جنگل‌های بلوط در ارتفاع بالاتری قرار دارند و خطر خشکسالی هنوز آن‌ها را تهدید نمی‌کند اما طبق تحقیقات محلی، در دهه ۴۰-۳۰ شمسی بخش اعظم جنگل به عنوان منبع سوخت معادن زاج توسط عوامل استخراج معدن به منظور ذوب سنگ زاج از بین رفته و دوباره به صورت طبیعی (شاخه زاد) احیاء شده است.

گردشگری در این منطقه به عنوان منطقه‌ای حفاظت شده برای گروه‌های تخصصی طبیعت‌گردی و همراه با بلد محلی امکان‌پذیر خواهد بود. ضمن آنکه زیرساختی در این محل وجود ندارد. (پرونده ثبتی جنگل حسین‌آباد-۱۳۹۵)



فصل ۷
محصولات کشاورزی
رویدادها و جشنواره‌ها







زراعت

عمده محصولات زراعی استان قزوین عبارتند از: گندم، جو، برنج، ذرت، چغندر قند، یونجه، عدس

گندم

زراعت گندم به دلیل سهم عمده‌ای که در تامین غذای اصلی مردم دنیا دارد، بیشترین سطح کشت اراضی مزروعی را به خود اختصاص داده است. این ماده غذایی از لحاظ سیاسی نیز جایگاه ویژه‌ای دارد چرا که اساس استقلال یک کشور به آن مرتبط است. گندم را از نظر نیاز به یک دوره سرما به سه دسته تقسیم می‌کنند: دسته بهاره، دسته زمستانه، دسته بهاره-زمستانه.

گندم‌های بهاره نیاز به سرما ندارند و اغلب در مناطق گرمسیر و معتدل گرم کشت می‌شوند. گندم‌های زمستانه یا پاییزه نیازمند یک دوره طولانی سرما در مراحل اولیه زندگی خود هستند و به تاریخ کشت حساسند. گندم‌های بهاره- زمستانه نیاز به دوره طولانی سرما ندارند و در مناطق سردسیر و معتدل سرد کشت می‌شوند.

از نظر تقسیم‌بندی مناطق و شرایط اقلیمی، استان قزوین را جز مناطق سرد و معتدل سرد دانسته اند و تنوع کشت گندم در استان که شامل کشت آبی در مناطق تارم‌سفلی، کوهین و الموت و گندم دیم با توجه به میزان نزولات جوی در مناطق مختلف است.



جو

قدمت کاشت جو به ۱۰ هزار سال می‌رسد و اولین غله‌ای است که انسان به کاشت آن پرداخت. طبق بررسی‌های انجام شده، مبدا این گیاه کوهستان‌های شمال آفریقا، چین، شرق تبت، کوهستان‌های شرق آناتولی و ایران است. جو در ارتفاعات با یخبندان کوتاه می‌روید و در کل نسبت به گندم مقاومتر است. جو به عنوان علوفه در تغلیف دام و در صنایع تخمیری و مالت سازی بسیار مورد استفاده است. در استان قزوین جو به صورت آبی و دیم و معمولا در پاییز کشت می‌شود.

ذرت

ذرت مهمترین منبع تامین انرژی جهت خوراک طیور، دام، انسان و ماده خام تولیدات صنعتی و غذایی است و به آن لقب سلطان محصولات کشاورزی داده‌اند. این گیاه تطابق و سازگاری زیاد با آب‌وهوای مختلف دنیا دارد و از تمام قسمت‌های آن اعم از دانه، شاخه و برگ، چوب و کاکل آن استفاده می‌شود. این گیاه مهمترین منبع تغذیه طیور است. برای کشت ذرت، شهرستان‌های قزوین و آبیگ دارای کیفیت خاک و آب‌وهوایی بهتری هستند و کشت آن کاملا مکانیزه است.

چغندر قند

قند و شکر امروزه جزیی جدا نشدنی از مواد غذایی مردم است. این گیاه بومی سواحل مدیترانه است و تا اواسط قرن هجدهم میلادی به عنوان منبع تهیه شکر ناشناخته بود. در ایران اولین کارخانه قند در سال ۱۲۷۷ خورشیدی در کهریزک تاسیس شد. کشت این محصول در استان کاملا مکانیزه است و در شهرستان بوئین‌زهرا بیشتر انجام می‌شود.

یونجه

گیاهی دائمی و جز نباتات علوفه‌ای است. در استان قزوین به هر دو صورت دیم و آبی کشت می‌شود. کشت آن بهاره یا پاییزه است و در اکثر خاک‌های آهکی رشد خوبی را نشان می‌دهد.

عدس

از قدیمی‌ترین گیاهان زراعی بشر است که دارای میزان پروتئین بالا در تغذیه انسان و کیفیت بالای سبزینه در تغذیه دام است. همچنین دارای توانایی رشد در محیط‌های نامناسب و خاک‌های فقیر است. قدمت این گیاه به آغاز کشاورزی باز می‌گردد و نام آن در کتاب‌های انجیل و قرآن کریم ذکر شده است. مرکز پیدایش آن را نواحی غرب ترکیه تا جنوب عراق دانسته‌اند. کشت عدس در استان قزوین به صورت دیم است و وابسته به الگوی بارش دچار نوسان است. عدس دیم عمدتاً در مناطق کوهپایه‌ای و کوهستانی قاقازان و ایلات قاقازان و بقیه در آوج و آبیگ می‌باشد. در الموت نیز به صورت کشت دوم در برخی مناطق انجام می‌شود.

برنج

این محصول در بین کلیه محصولات زراعی بالاترین ارزش ناخالص را دارا بوده و درآمد بیشتری را عاید می‌نماید. این محصول از قدیمی‌ترین گیاهان کاشته شده برای خوراک انسان و مبداء آن احتمالاً از هندوستان و شرق آسیا بوده است. کاشت برنج در ایران از ۲۰۰۰ سال پیش در بسیاری از مناطق ایران رایج بوده است. نام اصلی آن از کلمه ورنج و یا بارنج گرفته شده است. در دوران صفوی برنج از استان‌های گیلان و مازندران به منطقه الموت آورده شده و قدمت کشت آن به چند صد سال می‌رسد. برنج کاری در استان قزوین در حاشیه شاهرود در الموت و به صورت محدود در تارم‌سفلی در حاشیه رود قزل‌اوزن انجام می‌شود. در کاشت برنج نیروی انسانی هنوز بسیار موثر است.



باغبانی

عمده محصولات باغی استان قزوین عبارتند از: انگور، پسته، زیتون، گردو، فندق، زغال اخته، بادام، گیلاس

پسته

پسته محصولی خشکباری با ارزش غذایی بالا و از محصولات مهم و استراتژیک باغی کشور است که دارای مزیت‌های صادراتی و ارزآوری است. منشا آن آسیای مرکزی و ناحیه شمال شرقی ایران و افغانستان ذکر شده و از ۴۰۰۰ سال پیش در ایران شناخته شده بوده است. اقوام باستانی ایرانیان را به دلیل قدرت بالا و شجاعت به پسته خوار می‌شناخته‌اند. در اواخر قرن پنجم پسته توسط فرقه اسماعیلیه به دامغان و سپس به قزوین برده شد و در سایر کشورهای اروپایی نیز به نام پارسی میانه آن، پیستاک نامیده می‌شود. این محصول در طب سنتی برای درمان بسیاری از امراض کاربرد داشته است. پسته قزوین با وجود اقلیم مناسب، دارای کیفیت عالی، رنگ سبز زیبا، عطر و طعم منحصر به فرد، دارای پروتئین فراوان و جزء بهترین ارقام پسته جهانی است.

فندق

محصولی خشکباری و ارزشمند و ارزآور است و از قدیم الایام در ایران کشت می‌شده است. درختان خودروی فندق به وفور در مناطق شمالی ایران، تارم و الموت وجود دارد. این درخت طالب آب و هوای معتدل سرد است و میوه آن کاربرد دارویی و آرایشی دارد. بخش الموت غربی دارای اراضی وسیع زیر کشت فندق است.

زیتون

زیتون از قدیمی‌ترین منابع تغذیه انسان به شمار می‌آید که با پیدایش تمدن‌های اولیه استفاده از آن رواج زیادی یافت. درخت زیتون در طول قرن‌ها با زندگی اجتماعی، فرهنگ و آداب و رسوم ملل سرزمین‌های زیتون خیز آمیخته بوده و

مردم این مناطق زیتون را به دیده احترام و تقدس می‌نگریسته‌اند. در قران کریم بارها از این درخت به نیکی یاد شده و در کتاب‌های آسمانی نیز به کبوتری با شاخه زیتون در منقار به عنوان پیام رسان شادی یاد شده است. پژوهشگران خاستگاه اصلی این درخت را سوریه و کوه‌های زاگرس ایران و مسیر گسترش آن را از شرق به غرب در مسیر مدیترانه دانسته‌اند. تاریخ ورود زیتون خوراکی در ایران نامشخص است. کاشت زیتون در تارم سفلی بیش از هزار سال پیش باز می‌گردد. این گیاه به سرما حساس است و نیاز به هوایی آفتابی با زمستانی پرباران و معتدل دارد. عمده درآمد کشاورزان منطقه تارم از باغات زیتون است و صنایع تبدیلی نیز در این منطقه فعال است. زیتون میوه‌ای مغذی و پر ارزش است و در درمان بسیاری از بیماری‌ها کاربرد دارد.

بادام

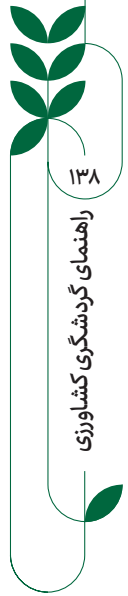
باغستان قزوین از دیرباز درختان بادام بسیار داشته است. تنوع ژنتیکی زیادی در بادام‌ها دیده می‌شود و آب‌وهوای قزوین برای کاشت بادام مناسب است. این میوه علاوه بر مصرف خوراکی، در صنایع آرایشی نیز کاربرد دارد.

گردو

گردو از درختان چند منظوره و بسیار ارزشمند خشکباری است که علاوه بر ارزش غذایی، محصولی ارزآور و صادراتی است. از چوب، میوه و برگ آن در صنایع چوب، رنگریزی، داروسازی و غذایی استفاده می‌شود. منشا درخت گردو را آسیای غربی و نواحی هیمالیا می‌دانند. در ایران درخت گردو بسیار پراکنده و در مناطق مختلف مشاهده می‌شود و طبق نوشته‌ای که در پای کهن ترین درخت گردو در شهرکرد به دست آمده، کاشت آن به دست یزدگرد ساسانی در ۱۴۰۰ سال پیش انجام شده است. در الموت نیز درختان گردو با قدمت بیش از ۷۰۰ سال یافت می‌شود. همچنین ضیاء آباد و فارسجین از توابع شهرستان تاکستان از مراکز تولید گردوی استان هستند. بهترین بازده این درختان در مناطق کوهستانی است و نیاز به خاک عمیق دارند. شرایط اکولوژیکی استان قزوین برای کشت گردو بسیار مناسب است.

انگور

انگور از قدیمی‌ترین محصولات باغی مورد استفاده بشر است که ارزش غذایی و دارویی بسیار دارد. از قول رسول اکرم (ص) آمده است: بهترین طعام شما نان و بهترین میوه‌های شما انگور است. همچنین امام صادق (ع) آن را از میوه‌های بهشتی دانسته است.



مو از قدیمی‌ترین گیاهان اهلی به شمار می‌رود و تاریخ کشت آن در ایران مشخص نیست اما بر اساس نظر کارشناسان، حداقل دو هزار سال قبل از میلاد مسیح انگور در ایران کشت می‌شده است. این گیاه بومی مناطق معتدل و گرم است و مقاومت نسبی به سرما و خشکی، انواع خاک‌ها و کم آبی دارد، لذا در محدوده جغرافیایی وسیعی پرورش می‌یابد و مهمترین میوه خزان داری است که توسعه جهانی دارد. از انگور به صورت گسترده در صنایع خشکبار، شیر، آبغوره و ... استفاده می‌شود. ارزش دارویی این میوه شناخته شده است و در طب سنتی از فراورده‌های آن برای رفع بسیاری از بیماری‌ها استفاده شده است.

طبق روایت حمداله مستوفی، از ۱۷۰۰ سال پیش در قزوین کشت انگور انجام می‌شده و شهرستان تاکستان همان‌طور که از نامش پیداست، یکی از قطب‌های تولید انگور و کشمش در ایران و حتی جهان می‌باشد.

زغال‌اخته

محصولی ناشناخته است که منشأ آن نواحی مختلف اروپا، ایران، ارمنستان و قفقاز ذکر شده و به وفور در حاشیه شمال ایران و در الموت یافت می‌شود. این درخت دوست دار آب‌وهوای کوهستانی با زمستان‌های ملایم است و برداشت آن به صورت مرحله‌ای از تیرماه تا اواخر مرداد ماه ادامه دارد. به دلیل کمبود آفت و عدم استفاده از سم‌های شیمیایی، این محصول حالت ارگانیک دارد. میوه آن خوش رنگ با مزه ترش‌وشیرین است و به صورت فراورده‌های مختلف قابل استفاده می‌باشد. در استان قزوین مناطق وسیعی از الموت و قاقازان زیر کشت زغال‌اخته است و مقام اول را در کشور دارد. (چشم‌انداز بخش کشاورزی استان قزوین - جهادکشاورزی قزوین)



عکس: اعظم داداشی

جشن‌ها و رویدادهای مرتبط با کشاورزی

پنجاه بدر

هر ساله بعد از ظهر روز نوزدهم اردیبهشت ماه، پنجاهمین روز سال، مردم قزوین به مصلاى شهر می‌روند. این مصلا در میان باغ‌های جنوب شرقی شهر قرار دارد. در گذشته در این مکان، یک آب‌انبار و یک مسجد وجود داشت که امروزه تنها بخشی از آب‌انبار آن به جای مانده است. خانواده‌ها در باغ‌های اطراف این آب‌انبار می‌نشینند و بعد از خوردن غذا و تنقلات، بزرگ‌ترها و اغلب زنان، مشغول خواندن نماز باران می‌شوند.

وجود مسجد در میان باغ‌های خارج از شهر، می‌تواند دلیل بر این باشد که این مسجد تنها برای انجام مناسک خاص ساخته شده است. از آنجا که مراسم باران‌خواهی از سنت‌های کهن در ایران است، می‌توان احتمال داد که بنای اولیه مسجد که امروزه تخریب شده مکانی بوده که پیش از اسلام در آنجا مراسم طلب باران یا احتمالاً جشن باران برپا می‌کردند و یا مکانی مانند پرستشگاه آناهیتا «الهه آب» بوده است. وجود معبد در کنار آب و اختصاص آن به زنان از ویژگی‌های معابد آناهیتا است.

جشن گیلاس

وجود باغات فراوان در روستاهای منطقه الموت به خصوص در گازرخان، رازمیان، رجایی دشت، الولک، زرآباد، اندج و ... موجب شده تا مردم این مناطق در اوایل تیر ماه به هنگام برداشت محصول جشن و پایکوبی برگزار نمایند. این جشن اواخر خرداد ماه یا اوایل تیر ماه در منطقه الموت غربی و روستای هیر برگزار می‌گردد.

جشن تبرک انگور

۲۱ مرداد (۱۲ آگوست) در گاه شماری ارمنه روز تبرک انگور نامید شده است .

این جشن موسوم به خاقوق آرهنیک Khaghogh Orhnek، (خاقوق Khaghogh در ارمنی به معنای انگور و ارهنک Orhnek به معنای تبرک) و روی هم رفته به معنی جشن تبرک انگور است. این جشن در روز عید حضرت مریم برگزار شده و در این روز در کلیسای ارمنه رفیع (هرپسیمه مقدس) ضمن خواندن ادعیه و سرودهای مذهبی، انگور از سوی کلیسا تبرک شده و به حاضران داده می‌شود. دعای کلیسایی (شاراگان) را کشیش یا بالاترین فرد روحانی و مذهبی، با هم‌آوازی گروه کر می‌خواند و برخی از حاضران نیز دعا را زمزمه می‌کنند. در پایان، از درگاه الهی درخواست می‌شود که روح و جسم آدمیان را از گناهان پاک سازد و برای شرکت در مراسم تبرک انگور آماده کند. سپس طی تشریفات، سه بار انگور متبرک و بین حاضران تقسیم می‌شود. این جشن به دلیل کاهش تعداد ارمنه در قزوین رو به فراموشی است.





جشن انگور

برگزاری جشن در هنگام برداشت محصولات در همه جهان رواج دارد و مردم ایران نیز علاوه بر جشن‌های ملی و تقویمی، مراسم شادمانی و پایکوبی در زمان برداشت فرآورده‌های کشاورزی و باغی را برپا می‌کرده‌اند.

یکی از این آیین‌های مردمی "جشن انگور" است که از روزگاران گذشته در استان قزوین و شهرستان تاکستان برگزار می‌شود.

از انواع بی‌شمار انگور، بیش از چهل نوع انگور در استان قزوین کاشته می‌شود که مهمترین آن‌ها عبارتند از:

شاهانی، بیدانه سفید، بیدانه قرمز، فخری، عسگری، صاحبی، چفته، ریش بابا، رازقی، اولوغی، خلیلی، میش پستان، حسینی، ملکی، یاقوتی، رجبی سیاه، رجبی سفید، اتابکی، طایفی، یارجین، مثقالی، سنجری و... شهر تاکستان همه ساله در شهریور ماه شاهد برگزاری جشن انگور بوده و طی آن علاوه بر اجرای موسیقی فولکلوریک و بومی، سروده‌ها و تقدیر از تولیدکنندگان انگور در محلات مختلف، از پدیدآوردگان مرغوب‌ترین انگور، بیشترین انگور، نوآوری در کاشت، داشت و برداشت انگور نیز تجلیل می‌شود. شهریور ماه شهر تاکستان میزبان مهمانان این جشن است.

جشن گندم

برگزاری جشن گندم در بیشتر مناطق روستایی استان پیشینه‌ای بس طولانی دارد ولی مراسمی که در منطقه آوج برگزار می‌گردد از شکوه بیشتری برخوردار است.

این جشن در کنار آبگیر کوچک و زیبای دریابک واقع در شمال روستای پرسپانج برپا می‌گردد و اهالی روستاهای همجوار با حضور گسترده در کنار آبگیر به ازای هر خانواده یک گوسفند قربانی می‌کنند و پس از شکر و شادی به درو محصول می‌پردازند.





جشن فندق

در بسیاری از روستاهای الموت غربی در اواخر مرداد ماه جشن فندق به پا می‌کنند. این جشن یکی از مراسم به یاد ماندنی، پرنشاط و زیبای مردم این سامان است.

در این روز اهالی روستاها همه با هم به مزارع می‌روند، در ابتدا شخصی به خواندن اشعاری که بیشتر به صورت بداهه است می‌پردازد و دیگران اشعار را تکرار می‌کنند. سپس همه شروع به چیدن فندق می‌کنند. دوشیزگانی که نامزد شده‌اند برای همسران خود از هسته فندق گردن‌بند درست می‌کنند به این صورت که زمانی که میوه هنوز خشک نشده آن‌ها را با سوزن سوراخ می‌کنند و نخ از آن می‌گذرانند و در پایان دو سر نخ را به هم گره می‌زنند این گردن‌بند را «گلوانه» (galvaneh) می‌نامند و آن را در فصل زمستان به همسرانشان هدیه می‌دهند. این جشن در منطقه الموت و روستاهای یارود، تلاتر، پرچکوه، فشک و زرآباد و معمولا در مرداد ماه برگزار می‌گردد.



جشن پسته

منطقه بوئین زهرا دارای باغات پسته فراوانی است که محصول آن با داشتن مغز سبز رنگ، چربی بالا، اسید آمینه‌های مناسب و پروتئین بالا و همچنین قابلیت ورقه و خلال شدن با عطر و طعم مناسب بیشتر به کشورهای آسیایی و اروپایی صادر می‌شود. انواع پسته در شهرستان بوئین زهرا شامل بومی و غیربومی است. پسته بومی با نام‌های پسته قرمز - خال خندان - خنجری و آق پسته و پسته غیربومی و تجاری با نام‌های اکبری، احمد آقایی و کله قوچی شناخته می‌شوند. هر ساله در ابتدای برداشت محصول باغداران گرد هم آمده و با نواهای محلی اقدام به برگزاری جشن پسته جهت سپاسگزاری از خداوند می‌کنند. این جشن در روستای خونان و در شهریور ماه برگزار می‌گردد.



جشن زغال اخته

زغال اخته در منطقه‌ی وسیعی از اروپا و آسیا به خصوص ایران، ارمنستان و قفقاز می‌روید. محل رویش این گیاه در ایران، در جنگل‌های ارسباران، کوه‌های البرز، منطقه‌ی الموت، کوهین قزوین و در جنگل‌های بین مازندران و گیلان است. این گیاه به صورت درخت یا درختچه در کنار جریان آب و یا در بیشه‌ها می‌روید و گل‌های آن زردرنگ و خوشه‌ای و دارای شهد فراوان برای زنبورهای عسل است. برگ‌های درخت سبز پررنگ، براق و نوک تیز است و میوه آن بیضوی و دارای طعم ترش و شیرین و قرمزی بسیار خوشرنگ است. درخت زغال اخته حدود ۳۰۰ سال عمر می‌کند و حدود ۲۵ سالگی تا ۸ متر نیز می‌رسد. چوب آن بسیار محکم است و کاربرد صنعتی دارد.

منطقه‌ی قزوین و الموت غربی به‌ویژه در حاشیه البرز، تولیدکننده و صادرکننده عمده زغال اخته‌ی کشور محسوب می‌شود. میوه‌ی زغال اخته در اواخر تابستان آماده‌ی چیدن است. محصول زغال اخته در استان قزوین با سطح زیرکشت ۸۵۰ هکتار رتبه نخست را در کشور دارد. روستای هیر از توابع الموت غربی بزرگترین صادرکننده محصول زغال اخته در استان است و هر ساله در هنگام برداشت محصول زغال اخته جشنی برگزار می‌گردد که شامل موسیقی و آواهای محلی، بازی‌های سنتی و توزیع محصول زغال اخته بوده که هر ساله مورد استقبال گردشگران قرار می‌گیرد. این جشن در شهریور ماه برگزار می‌گردد.



عکس: اعظم داداشی

جشن انار

جشن انار یکی از جشن‌های استان قزوین است که در اواخر مهر ماه در برخی مناطق استان شامل بخش‌هایی از الموت، بوئین‌زهرا و تارم‌سفلی برگزار می‌شود. میوه انار که در اسلام به عنوان میوه بهشتی یاد می‌شود، مصارف مختلفی دارد؛ به خصوص خون‌سازی و خون‌صافی آن معروف است و در سطح گسترده‌ای از استان قزوین به عمل می‌آید. محصول انار دانه درشت، آبدار و شیرین روستای سنگان از توابع منطقه تارم از شهرت زیادی برخوردار است و جشن انار در بخش‌های مختلف الموت (دره انبوه) و تارم در فضای شاد و با نشاط برگزار می‌شود. مردم بخش تارم در اواخر مهر ماه در یک روز از پیش تعیین شده دسته جمعی به باغ‌های انار می‌روند و پس از شکرگزاری با نواختن دهل و سرنا شروع به چیدن انار می‌کنند. تا قبل از آن روز کسی حق چیدن انار ندارد. این جشن در مهرماه در روستای سنگان تارم‌سفلی برگزار می‌گردد.



عکس: اعظم داداشی



جشن زیتون

جشن زیتون در هنگام برداشت این محصول در منطقه تارم رواج دارد. معمولا کشاورزان از اوایل مهر شروع به چیدن زیتون می‌کنند و به دلیل فراوانی آن تا اواخر این ماه به طول می‌انجامد. در مهرماه این جشن در روستای کلج برگزار می‌شود.

سمنوپزان

سمنو را یا در اسفندماه به نیت نوروز و یا در خرداد ماه می‌پزند. سمنویی که در خرداد ماه پخته می‌شود باید با آب نیسان عمل آید. برای به دست آوردن آب باران نیسان (بارانی که از دهم خرداد ماه تا آخر خرداد ماه می‌بارد)، پس از اینکه مدتی باران آمد و گرد و خاک هوا و آلودگی آب ناودان‌ها تمام شد ظرف پاک‌ی را در زیر ناودان می‌گذارند تا آب بام در آن گرد آید. اگر باران زود بند آید و ظرف پر نشود و آب به اندازه کافی به دست نیاید ناچار صبر می‌کنند تا باران نیسان دیگری ببارد. خواندن زیارت نامه حضرت زهرا (س) و دعای توسل بر شکوه و معنویت این سنت می‌افزاید. مردم عقیده دارند سمنو به نظر افراد بسیار حساس است و باید از هر نظر بدی مصون بماند. در گذشته، سمنو به عنوان اولین غذای رایگان سال نو بین اهل روستا و محل توزیع می‌شد و کودکان از اولین کسانی بودند که از این خوراک می‌خوردند. پخت سمنو به صورت دست جمعی و با همکاری زنان یک محله صورت می‌گیرد. در قزوین هر ساله در بنای عالی قاپو در اواخر اسفند ماه یا اوایل فروردین ماه جشن سمنوپزی برگزار می‌شود. در برخی از روستاهای منطقه الموت مانند زواردشت و اوان سمنوپزی در اسفند ماه رواج دارد.



شیرینی‌های سنتی

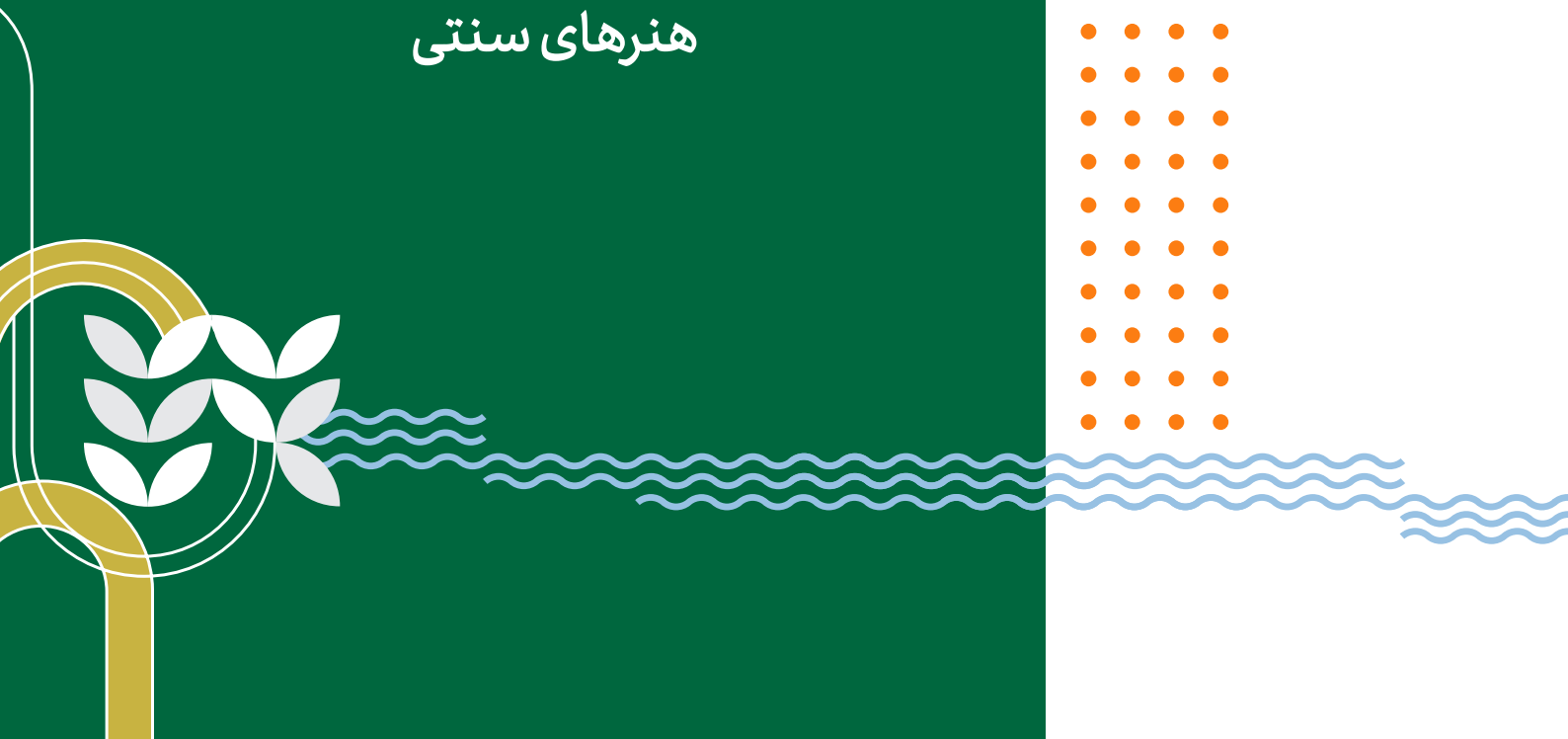
شیرینی‌پزی هنری است که در بین خانم‌های خانه‌دار قزوینی از اعتبار فراوانی برخوردار است. تا چندی پیش تمام شیرینی‌ها در خانه‌ها و به شکل سنتی پخته می‌شد و این کار بیش از هر زمانی در آستانه نوروز رواج داشت. در گذشته به طور عموم برای پخت شیرینی از گرمای ملایم زغال و یا تنور خانگی استفاده می‌کردند. نام شیرینی‌های متداول خانه‌پز قزوین عبارتند از: باقلوای پیچ و لوزینه، نان برنجی، نان نخودی، نان قندی، نان بادامی (قرابیه)، نان گردویی، پا درازی، نان چرخی، نان چایی، اتابکی، ولیعهدی، حاج کریمی.

باقلوا انواع مختلف دارد و بسیار متنوع است. در شهرهای مختلف ایران از جمله یزد، تبریز، اصفهان و قزوین پخت آن متداول است. وجود باغستان قزوین در اطراف شهر که عمده محصول آن پسته است باقلوای قزوین را ویژه کرده است. باقلوای قزوین در انواع لوز و پیچ محبوب‌ترین شیرینی سنتی قزوین است و به ثبت ملی رسیده است.





فصل ۸
نقش‌ها و نمادها در
هنرهای سنتی



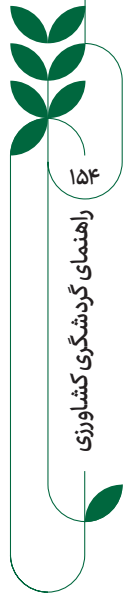




نقوش و نمادها

با نگاه به طرح‌های ترسیمی و نقوش پدید آمده در دستبافته‌های استان قزوین، ضرورت پی‌بردن به فضای ذهنی و نیاز بافندگان و اقتباس آن‌ها از محیط پیرامون خود چون طرح درختان، ساقه‌ها، گیاهان و حیوانات، الزامی خواهد بود. در بررسی مفهومی نقشمایه‌های دستبافته‌ها که در جداولی آورده شده است، با کمی تأمل در نگاره‌ها و تصاویر به کارگرفته شده و نوع تفکر، اعتقادات و آیین‌های قومی آفرینندگان آن‌ها، حضور عناصر نمادین امری واضح و بدیهی است. نقوش بافته شده بر متن قالی‌ها بیانگر برداشتی از طبیعت اطراف خود بوده و در طبیعت و اشیای پیرامون خود دست به انتخاب زده و مطمئناً هرآنچه در جایگاهی ویژه و مقدس می‌یافته، برمی‌گزیده است. از این رو حضور متنوع این عناصر دلیل بر بی‌معنایی آن‌ها نخواهد بود؛ چرا که تکرار فراوان برخی از این نقش‌مایه‌ها دلیلی بر این انتخاب و تأکیدی بر ابعاد نمادین آن‌هاست. هریک از این نقشمایه‌ها به عنوان نماد و سمبلی خاص مفاهیمی انتزاعی‌تر از نقوش را که نمی‌توان در تمام هستی برای آن‌ها تصویری مستقیم و بلاواسطه یافت، به مخاطب خویش القا می‌کنند. (اطلس نقوش استان قزوین-فرزانه خمسه-۱۳۹۵)





گیاهان یکی از بنیادی ترین عناصر شکل بخشی کهن الگوها در ایران هستند. در هنر پارسی تجلی عناصر مختلف انسانی، حیوانی و گیاهی را می‌توان به وفور نظاره‌گر شد. در متون پیش از اسلام با اسطوره‌های گیاهی همچون ریواس، گوگرد، درخت واق و ... برمی‌خوریم. پس از بررسی همه سویه اسطوره‌ها و هنرهای کهن ایرانی می‌توان گفت مهم‌ترین انگاره‌ای که بنیان اندیشه مردمان این سامان به درازای دوران‌ها بر آن پایه نهاده شده گیاه زندگی است. اندیشه اسطوره‌ای بسیار دیرینه‌ای که مبتنی بر ساختار سه گانه کیهان است اغلب به کمک نگاره درخت بیان می‌شود. گیاه زندگی یا درخت کیهانی به سه گستره آسمان، زمین و دنیای زیرزمین نفوذ می‌کند. چنان که شاخه‌هایش در دانش آسمانی رخنه دارد و ریشه‌هایش تا ژرفای زمین فرو می‌رود. (هیبت الله اکبری گندمانی - حجت عباسی - فصلنامه زبان و ادب، شماره ۷)

دسته بندی کلی نقوش به کار رفته در دستبافته‌های سنتی استان و جداول نقوش به تفکیک به شرح زیر آورده شده است:

شهرستان آبیک

این نقوش در طبقه بندی هندسی، انتزاعی، گیاهی و جانوری می‌باشد. نقوش هندسی و انتزاعی بیشترین سهم را به خود اختصاص می‌دهد و نقوش گیاهی در قالب نقوش هندسی می‌باشد. در معدودی از دستبافته‌ها به نقوش جانوری با رویکرد طبیعت گرایانه برمی‌خوریم. نقوش به کار رفته در گلیم‌ها هندسی و انتزاعی و در سایر دستبافته‌ها شامل نقوش هندسی، انتزاعی و گیاهی می‌باشد. (اطلس نقوش استان قزوین-فرزانه خمسه -۱۳۹۵)

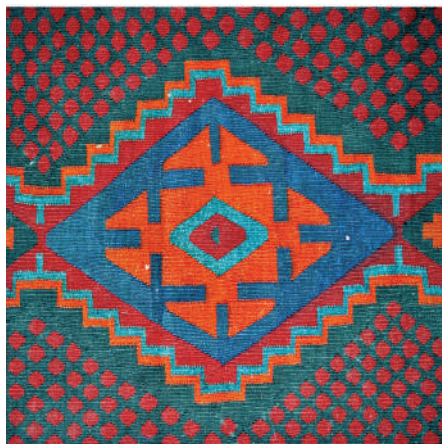


شهرستان‌های بوئین‌زهره‌ها و آوج

نقوش بافته شده در قالی‌های بوئین‌زهره بیشتر هندسی و انتزاعی بوده و به خصوص نقوش گیاهی‌اند. در منطقه آبگرم و سگزآباد در کنار نقوش هندسی و انتزاعی در برخی از دستبافته‌ها از نقوش جانوری به صورت طبیعت‌گرایانه استفاده شده است. به طور کلی نقوش گیاهی و جانوری با رویکرد طبیعت‌گرایانه کمتر در این دستبافته‌ها دیده می‌شود. بیشتر نقوش هندسی و انتزاعی در گلیم‌های این منطقه به چشم می‌خورد. نقوش گیاهی و جانوری بافته شده در آن‌ها نیز به صورت انتزاعی می‌باشد. اما در منطقه دشتابی نقوش جانوری و انسان به صورت طبیعت‌گرایانه کار شده است. سایر دستبافته‌ها دارای نقوش هندسی ساده‌اند. (همان)

شهرستان تاکستان

غالب نقوش بافته شده در قالی‌های این منطقه هندسی و انتزاعی بوده و نقوش گیاهی و جانوری آن به صورت انتزاعی طراحی شده است که میزان نقوش گیاهی آن به نسبت جانوری بیشتر است. در برخی مناطق به میزان کم از نقوش جانوری با نگاه طبیعت‌گرایانه استفاده شده است. نقوش به کاررفته در گلیم‌ها شامل نقوش هندسی و انتزاعی است که نقوش هندسی آن در مرتبه بالاتری قرار دارد. در سایر دستبافته‌ها نقوش هندسی و بسیار ساده می‌باشد. (همان)



شهرستان قزوین

غالب نقوش بافته شده در قالی‌های شهرستان قزوین انتزاعی بوده و در مرتبه پایین تر، نقوش هندسی قرار دارد. نقوش گیاهی و جانوری به کاررفته در آن نیز رویکرد انتزاعی دارند. در برخی مناطق به صورت بسیار جزیی از نقوش طبیعت گرایانه جانوری و گیاهی استفاده شده است. در گلیم‌ها نقوش هندسی، انتزاعی و جانوری به چشم می‌خورد که نقوش هندسی آن غالب می‌باشد. در سایر دستبافته‌ها نقوش هندسی و انتزاعی اند. (همان)



اسطوره‌های گیاهی

درخت، چهار نماد را در کنار هم گرد می‌آورد: آب در شیرهاش جریان دارد، ریشه‌هایش با خاک در هم تنیده و برگ‌هایش با باد و آتش از چوبش سر می‌زند. درخت در معنای کهن الگویی خود دلالت دارد بر زندگی کیهان، تداوم آن، رشد و فرایندهای زایشی و باززایی. درخت نشانه حیات تمام نشدنی است و همسان با فناپذیری.

در اندیشه کهن، درخت کیهانی گیاه غول پیکری است که رمز آفرینش کیهان است. نوک این درخت تمام سقف آسمان را پوشانده، ریشه‌هایش در سرتاسر زمین دویده‌اند، شاخه‌های پهن و ستبرش در پهنه جهان گسترده‌اند و قلبش جایگاه آتش خورشید است. خورشید و ماه و ستارگان در میان شاخه‌های این درخت، همچون میوه‌های تابناک می‌درخشند.

در ایران باستان درختان میوه از جمله خرما و انگور نماد زندگی و باروری بوده‌اند و درختان بدون میوه چون چنار و سرو که عمری دراز دارند تقدیس شده و برایشان مراسم دینی به جای می‌آورده‌اند. درخت تاک در داستانی که هرودوت از خواب آستیگس روایت می‌کند به شهریاری کورش بر جهان تعبیر شده. هرودوت همچنین از تاک مشهور زرینی یاد می‌کند که خوشه‌های انگوری از گوهرهای گوناگون داشته و یکی از بزرگان لیدی به داریوش هدیه داده بود.

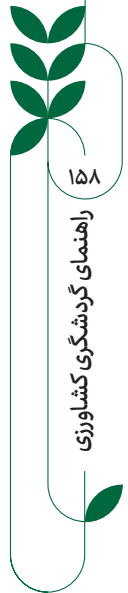
در گذشته هنگامی که کودکی از مادر زاده می‌شد، پدر او به یاد فرزند، نهالی از درخت همیشه سبز مانند سرو، مورد یا کاج را در جایی مناسب در خاک می‌نهاد و برای رشد و سرسبزی این درخت نیز مانند فرزندش کوشش می‌نمود.

هنوز هم در منطقه تارم قزوین، به هنگام تولد یا ازدواج، درخت زیتونی را به فرزند یا عروس و داماد هدیه می‌دهند.

در اساطیر ایران باستان نیز با تعدادی گیاه رمزناک و اساطیری مانند مشی و مشیانه، هوم، گز، انار، انگور و سرو مواجهیم که اینجا نیز نقش این گیاهان، تعیین مرگ و زندگی شخصیت‌هایی نیمه انسان است؛ چراکه منشأ آدمیان به دو گیاه مشی و مشیانه بازرگدانده می‌شود؛ رویین تنی اسفندیار با اناری که زرتشت به وی می‌دهد، رقم می‌خورد؛ از خون گاوی که به دست مهر کشته می‌شود، انگور می‌روید و هوم گیاهی است که هر که از آن بخورد، بی مرگ می‌شود.

مولوی نیز به سائقه تأثیرپذیری آشکار از اندیشه‌ها و تصاویر قرآنی، هر جا که تصویر و تجسم حشر و نشر و رستاخیز را قصد می‌کند، دست به دامان گیاهان می‌شود:

کدام دانه فرو رفت در زمین که نُرسد چرا به دانه انسانیت این گمان باشد



درخت زندگانی و اعتقاد به ابعاد فراطبیعی گیاهان و میل به جاودانگی، موجب گشته تا انسان همواره در افسانه‌ها و اسطوره‌هایش، از درختانی یاد کند که زندگانی جاوید بخشیده یا به همراه داشتن شاخه‌ای از آن موجب مصونیت و قدرت می‌شده است؛ چنان که در مثنوی، حکایتی درباره وجود درختی حیات بخش که هر که از میوه آن بخورد نه هرگز پیر می‌شود و نه خواهد مرد، ذکر شده است که ابیات آغازین آن چنین است:

گفت دانایی برای راستان که درختی هست در هندوستان
هر کسی کز میوه او خورد و برد نی شود او پیر نی هرگز بمرد

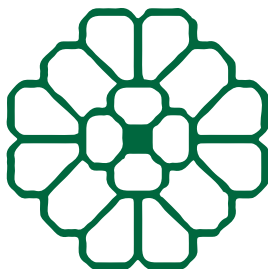
نمونه این باور را می‌توان در بسیاری از متون اساطیری دیگر نیز به دست آورد که از جمله مشهورترین آن‌ها، گیاه مقدس هوم در اساطیر ایران باستان است. (مقاله - هیبت اله اکبری- جداول فصلنامه اوبال و ادب - شماره ۷)

علاوه بر نقوش متعدد دستبافته‌های روستایی که به صورت مختصر در جدول زیر معرفی شده‌اند، باید به نقش معروف گل پسته بر روی قالی قزوین اشاره کرد. نقش قالی قزوین در حال حاضر دیگر بافته نمی‌شود ولی نقشه‌ای با جزئیات بسیار و ظریف است و گل پسته نیز مخصوص این نقشه است.

در جداول زیر برخی از مهمترین نقوش و نمادهای مشاهده شده در دستبافته‌های سنتی استان شناسایی و معرفی شده‌اند: (اطلس نقوش استان- فرزانه خمسه-۱۳۹۵)

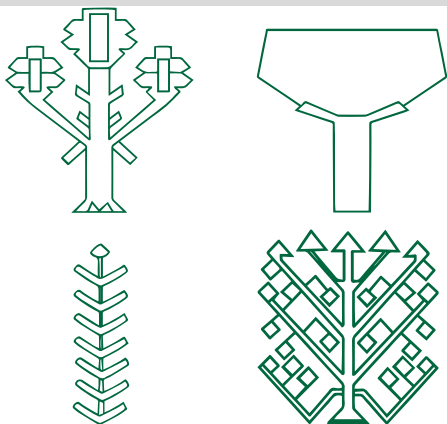


نام نگاره: گل سیب (آلما گل)



سیب نماد معرفت، شناخت نیک و بد و گاهی نشان درخت زندگی است. نشانی که در صورت وحدت آفرین بودن با جاودانگی مقایسه شده و در صورتی که تفاوت آفرین باشد باعث هبوط می‌گردد. سیب همچنین نماد باروری، عطر و طعم کلمه الله، نو کردن و تازگی دائمی است.

نام نگاره: درخت - نگاره‌های درخت بسیار زیاد و متنوع است.



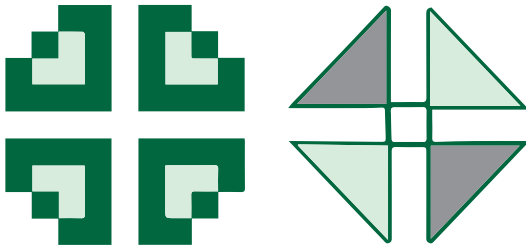
درخت به دلیل تغییر دائمی خود، نماد زندگی است و با عروجش به سوی آسمان مظهر قائمیت است. درخت زندگی چون ریشه اش در زمین فرو رفته و شاخه اش به بالا می‌رود به عنوان نماد ارتباطی میان زمین و آسمان شناخته شده است. درخت زندگی در تفکر ایرانی مظهر روحانیت و تنویر است.

نام نگاره: بادام گلی - قلاب



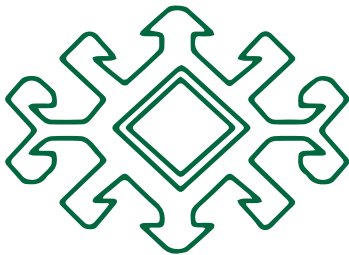
از قلاب به عنوان نمادگرایی صید یاد شده است. به قلاب انداختن هم کنایه از قلاب عشق است و هم به ناحق کسی را اسیر کردن.

نام نگاره: گل چهارپیر



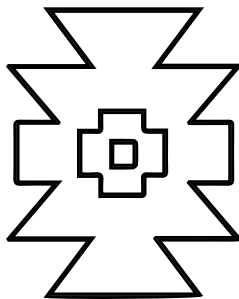
گل به مثابه ی ثمر و آخرین جلوه ی تجلی محبوب از منظر اهل نظر است. نیز جلوه ی جمال ربوبی در این عالم گل دانسته شده است که گاهی شکل و لطافت و زیبایی اش و گاهی رایحه ی دلنوازش یادآور مقام ملکوت انسان و جایگاه قدسی اوست. گل همزاد نور است و سالکی که در این طریق نور است می‌تواند همدم گل شود. گل رو در روی خورشید و ماه می‌گشاید و نشان از نور دارد.

نام نگاره: گل خرچنگی



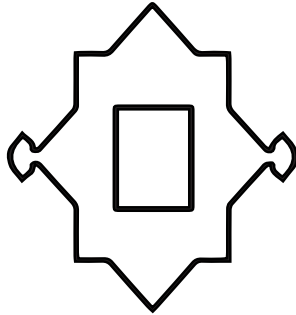
خرچنگ گاهی نماد اتحاد دو قطب متضاد است، زیرا هم در خشکی و هم در آب می‌زید. چهارمین نشانه منطقه البروج، برج سرطان، خرچنگ می‌باشد.

نام نگاره: سرمه دان



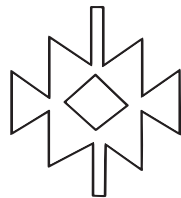
از زمان گزنفون و گفته او درباره عقیده کوروش نسبت به سرمه، بیش از دو هزار و چهار صد سال می‌گذرد. طی این دوران طولانی و دست کم هزار سال پیش از آن، هیچ دوره‌ای از تاریخ ایران را نمی‌توان یافت که ایرانیان به سرمه و سرمه‌گشی توجه نکرده و برای این ماده آرایشی طبی، مخزن زیبا نساخته باشند. این مخزن‌ها به سرمه‌دان معروف‌اند.

نام نگاره: حوض

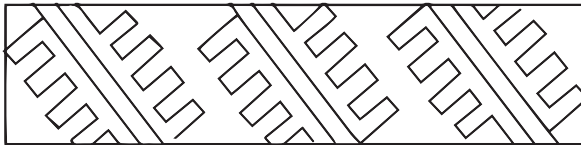


حوض با کارکردهای نمادین آب پیوند دارد. آن را یادآور دریاچه‌ای می‌دانند که مهر در آن زاده شده است. حوض مفهوم روشنی، شفافیت، انعکاس و آیین را القا می‌کند. داستان اسطوره‌ای باغ بهشت دگر بار با نقش آفرینی متمایزی در دست بافته (فرش- گلیم -قالی) ایران تداوم می‌یابد و به صورت حوضی پر آب در مرکز متن فرش با نام ترنج ظاهر می‌شود. حوضی با تزیینات جانوری و گیاهی درون یا اطراف آن نمایانگر فضای فردوس و مجسم‌کننده نعمات آن است.

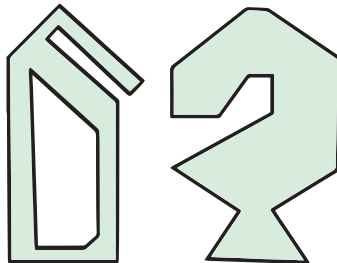
نام نگاره: شانه (تارخ)



شانه وسیله ارتباطی با قدرت ما فوق طبیعت است که با آن همذات می‌شود. دندان‌های شانه، نشانه شعاع‌های نور آسمانی است که از تارک سر، در انسان نفوذ می‌کند. شانه به دلیل رشته کردن دسته مواج‌زایی نظیر نیرو، شرافت و ارتقاء روحی را با هم جمع کرده و تعدیل می‌کند.

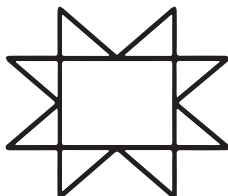


نام نگاره: بته جقه



بته جقه، سمبلی از شعله‌های آتش مقدس زرتشتیان و یا درخت سرو می‌باشد.

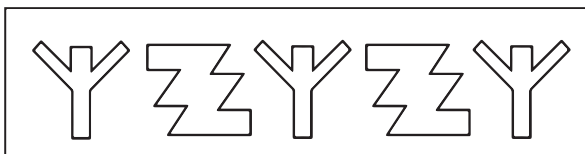
نام نگاره: ستاره هشت پر



هشت در سراسر جهان عدد تعادل کیهانی است. در تفکر اسلامی حاملان عرش الهی است و هشت فرشته، عرش را که محاط بر جهان است، نگه داشته اند. به لحاظ معنوی، هشت هدف راز آموز است که از هفت مرحله یا آسمان گذر کرده است.

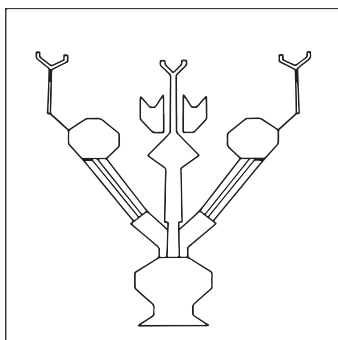
نام نگاره: آرسین

برای برداشتن نان از داخل تنور (شبییه به نیزه‌ی سه شاخه است) همراه با گل اره‌ای

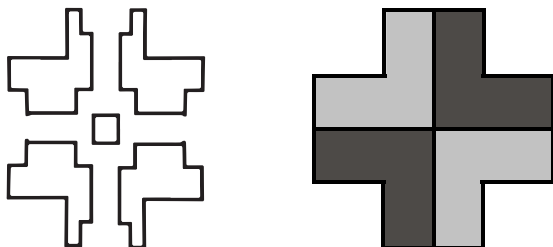


نام نگاره: گل و گلدان

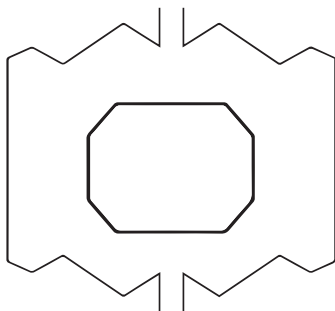
این نقش که یکی از انواع نمادهای دربرگیرنده می‌باشد مظهر مادر کبیر و در مفهوم حفاظت و پناه دهی شیء ارزشمند و زینت بخشی است که درون آن وجود دارد.



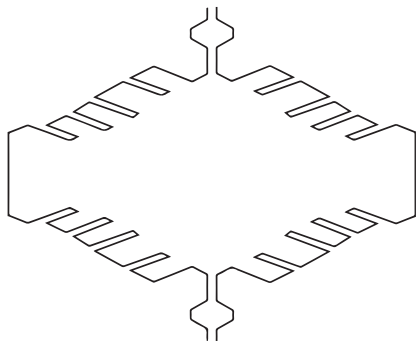
نام نگاره: گل ستاره ای



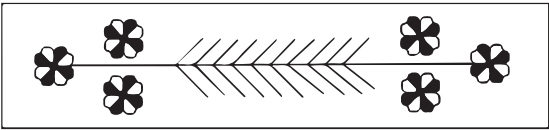
نام نگاره: حوض آب بزرگ (بویوک گول)



نام نگاره: حوض آب کوچک (کیچیک گول)

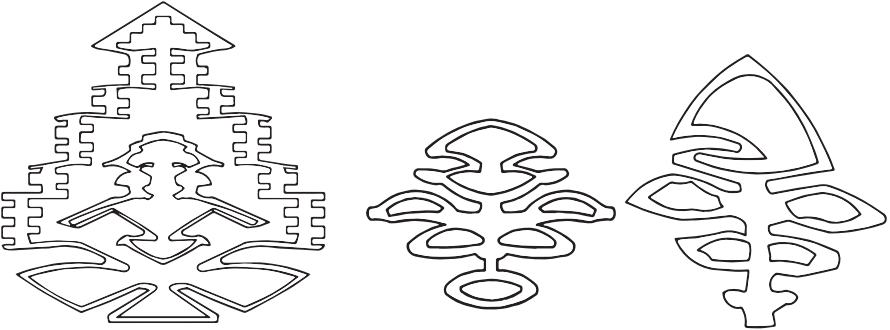


نام نگاره: گل گرد و ساقه گیاه



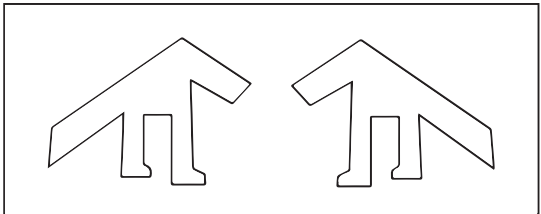
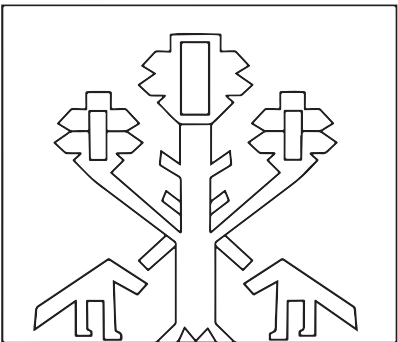
نام نگاره: گل توت فرنگی (گلچاخ گل)

ارداق گلی نیز خوانده می شود.

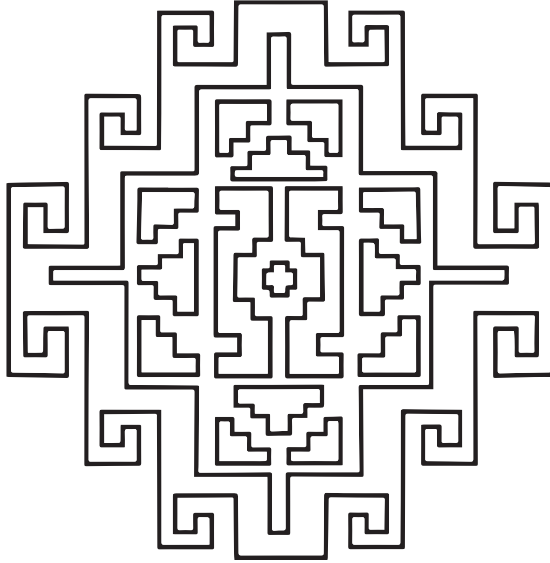


نام نگاره: درخت و قوش

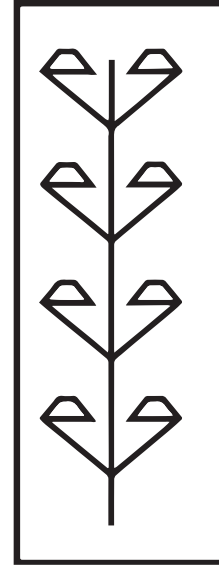
این پرندۀ مظهر تفکر و نیروی ما فوق طبیعت است. قوش به واسطه جثه کوچک و جهش سریع آن، نماد حرکت، پویایی و سرعت عمل در انجام اعمال خیر نیز می باشد.



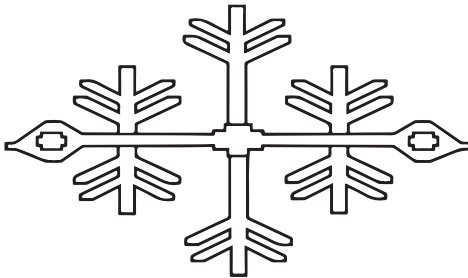
نام نگاره: گل (نقش الموتی)



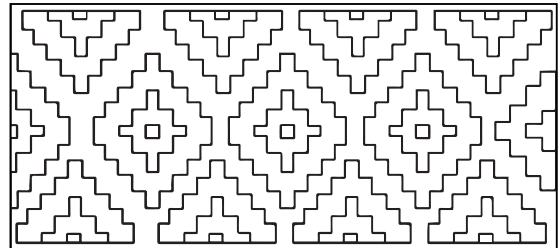
نام نگاره: گیاه ساقه دار



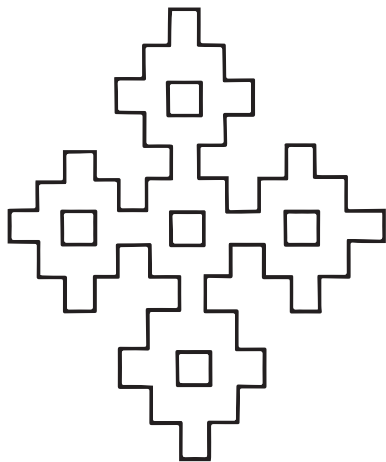
نام نگاره: درختچه



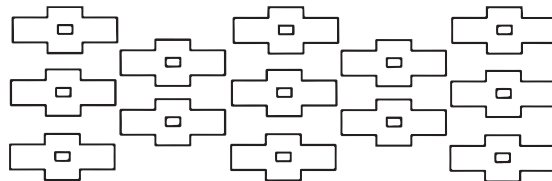
نام نگاره: گل درشت (لوز)



نام نگاره: چلیپایی (تبرزین)

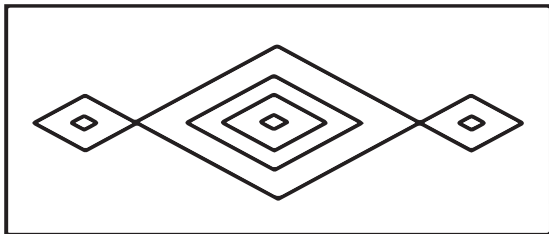


نام نگاره: چهارگل (دورت آغوز)

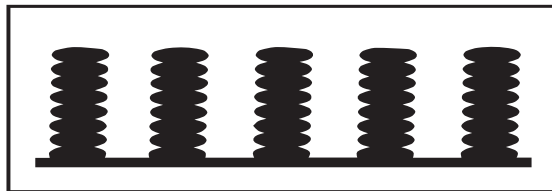


نام نگاره: دسته گل فنجونی

مادر و بچه نیز نامیده می شود.

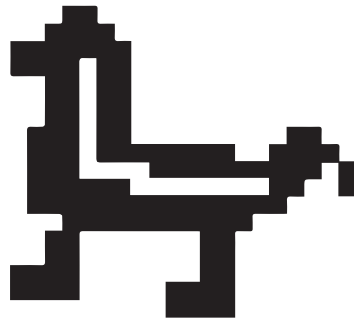


نام نگاره: دانه برنج

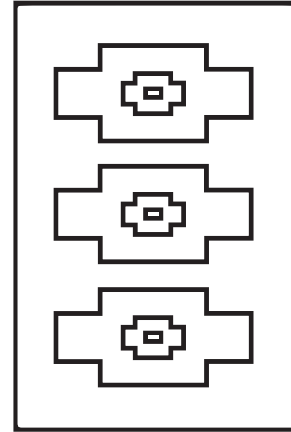


نام نگاره: سگ

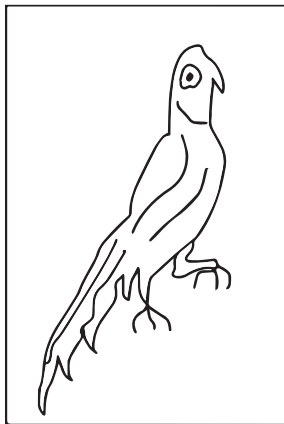
نگهبان مراقب، نماد وفاداری است. از مصاحبان میترا (مهر) می باشد.



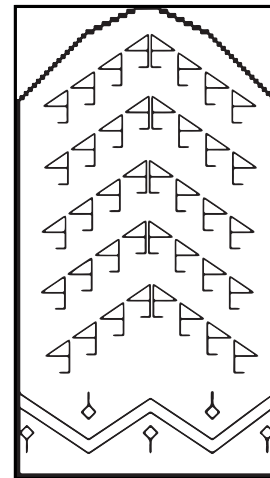
نام نگاره: چشم بلبه



نام نگاره: طوطی

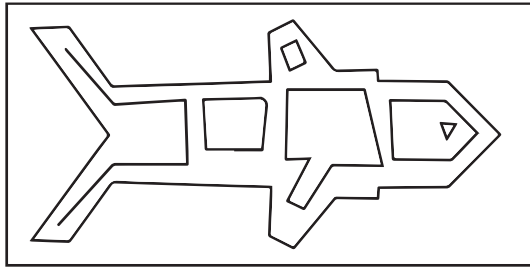
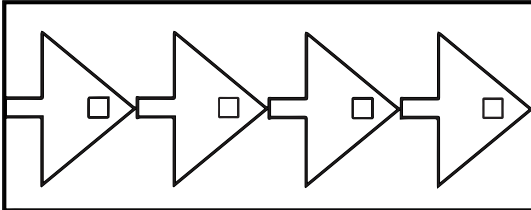


نام نگاره: نقش پرنده



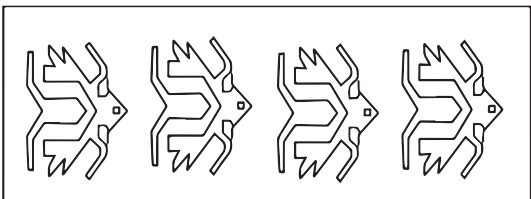
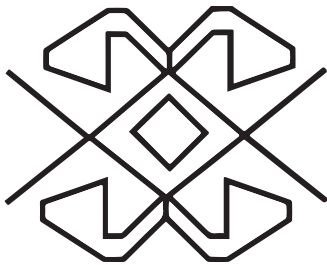
نام نگاره: ماهی- این نگاره نیز تنوع زیادی دارد

ماهی نماد باروری، تکوین، تجدید و حفظ حیات، عنصر آبی و نیروی آبها که منشا و محافظ حیات است می‌باشد. همچنین از آن به نشانه آزادی و مظهر امید به رستاخیز نیز تعبیر می‌شود.



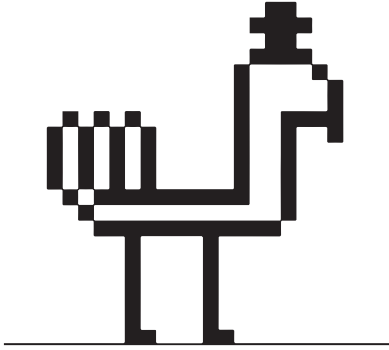
نام نگاره: لاک پشت (توسباقا)

نماد گذر عمر، زمان و آهستگی است. این نقش که برای تزئین حاشیه بزرگ بکار می‌رود، شاخه‌هایی از چهار سوی آن به شاخه‌های گل و برگ می‌پیوندد و به دلیل شباهت آن به لاک سنگ پشت، طرح لاک پشتی نامیده می‌شود.



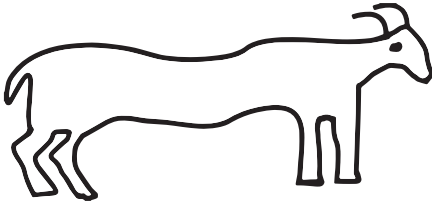
نام نگاره: خروس

خروس تجسم مراقبت، شهوت و پرخوری است. خروس مبارز دلیری است. شانه یا تاج خروس به معنای علامت رسمیت است.



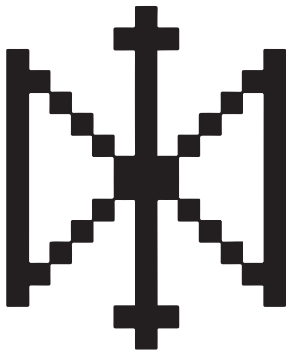
نام نگاره: گاو

نماد قدرت و نیروی تولید مثل است و از منابع نهایی باروری و به عنوان منبع حاصلخیزی و حیات می‌باشد.



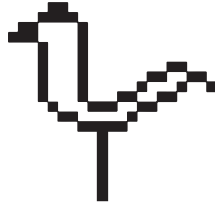
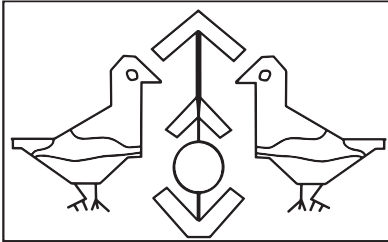
نام نگاره: پروانه

پروانه را می‌توان به عنوان نماد سبکی و ناپایداری ملحوظ داشت. وجه دیگر پروانه بر مبنای استحاله آن استوار است. وقتی پروانه از پیله خارج می‌شود، نماد زندگی دوباره است.



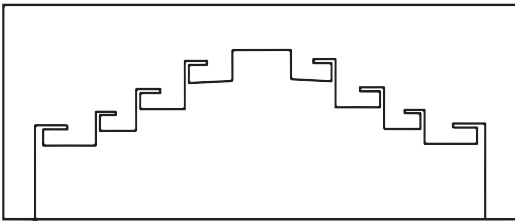
نام نگاره: پرنده

پرنده نماد دوستی و عشق خداوند نسبت به انسانهاست. در قرآن، پرنده اغلب مترادف با سرنوشت و نشانه جاودانگی است. ارواح شهدا به شکل پرنده‌ای سبز به بهشت پرواز می‌کنند.



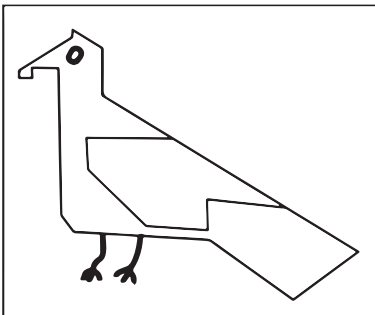
نام نگاره: شاخ قوچ (نوک گنجشکی)

شاخ به مفهوم رفعت و بلندی است. شاخ های قوچ ماهیتی خورشیدی دارد و وقتی با شعاع خورشید همذات می‌شود نماد مذکر است. از این روی است که شاخ قوچ گاهی به عنوان نماد نیروی نرینه ملحوظ می‌شود.



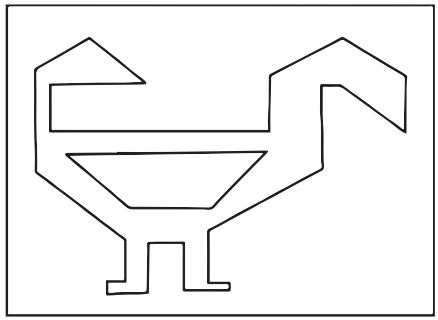
نام نگاره: کبوتر

کبوتر را نماد عشق دانسته‌اند. همچنین نماد خلوص، سادگی، صلح، هماهنگی، امید و خوشبختی می‌باشد.

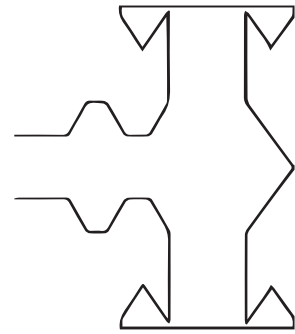


نام نگاره: غاز

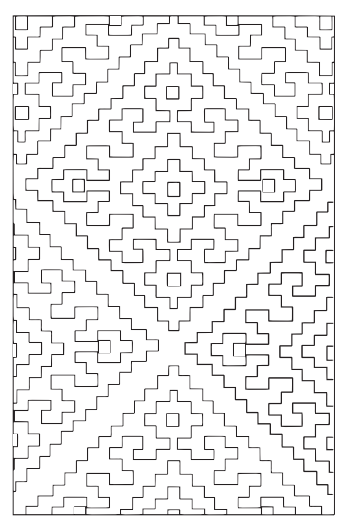
نماد وفاداری در زندگی زناشویی و پیک میان آسمان و زمین است. نماد باروری و نمایانگر تغییرات فصلی می‌باشد.



نام نگاره: چمچه

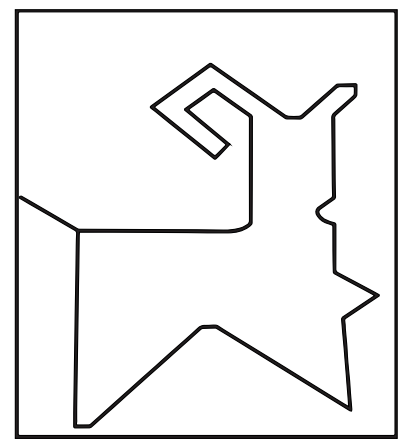


نام نگاره: لوز متداخل-تبرزین



نام نگاره: بز

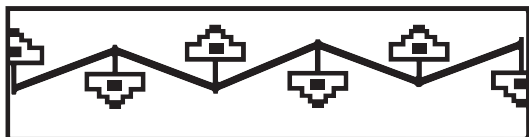
بز نماد چابکی و گاه نشانه اصرار خیره سرانه بر یک روش خاص فردی است.





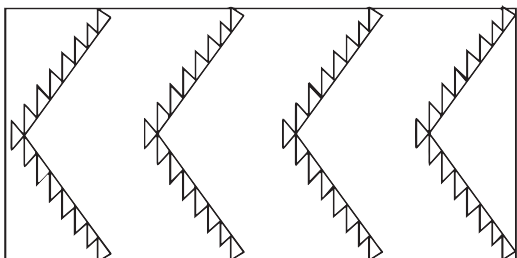
نام نگاره: انسان

انسان به عنوان ترکیب یا هم نهاده‌ای از جهان توصیف شده است به عنوان جهان اصغر. انسان مرکز دنیای نمادها است. بدن انسان، کیهان را به صورت کوچک نشان می‌دهد و از همان عناصر ساخته شده است.



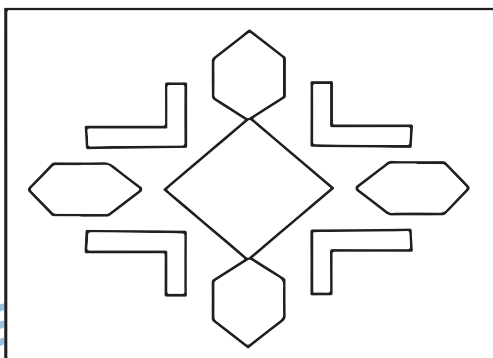
نام نگاره: جناقی (اریشته اریشته)

پیکان به عنوان ابزار و یا وسیله و نه فقط به عنوان علامت، نماد نفوذ و گشودن است. همچنین نماد تفکر است. پیکان در جهت بالا رونده به نمادهای عمودیت نزدیک می‌شود و در جهت پایین رونده اش ویژگی قدرت الهی است.

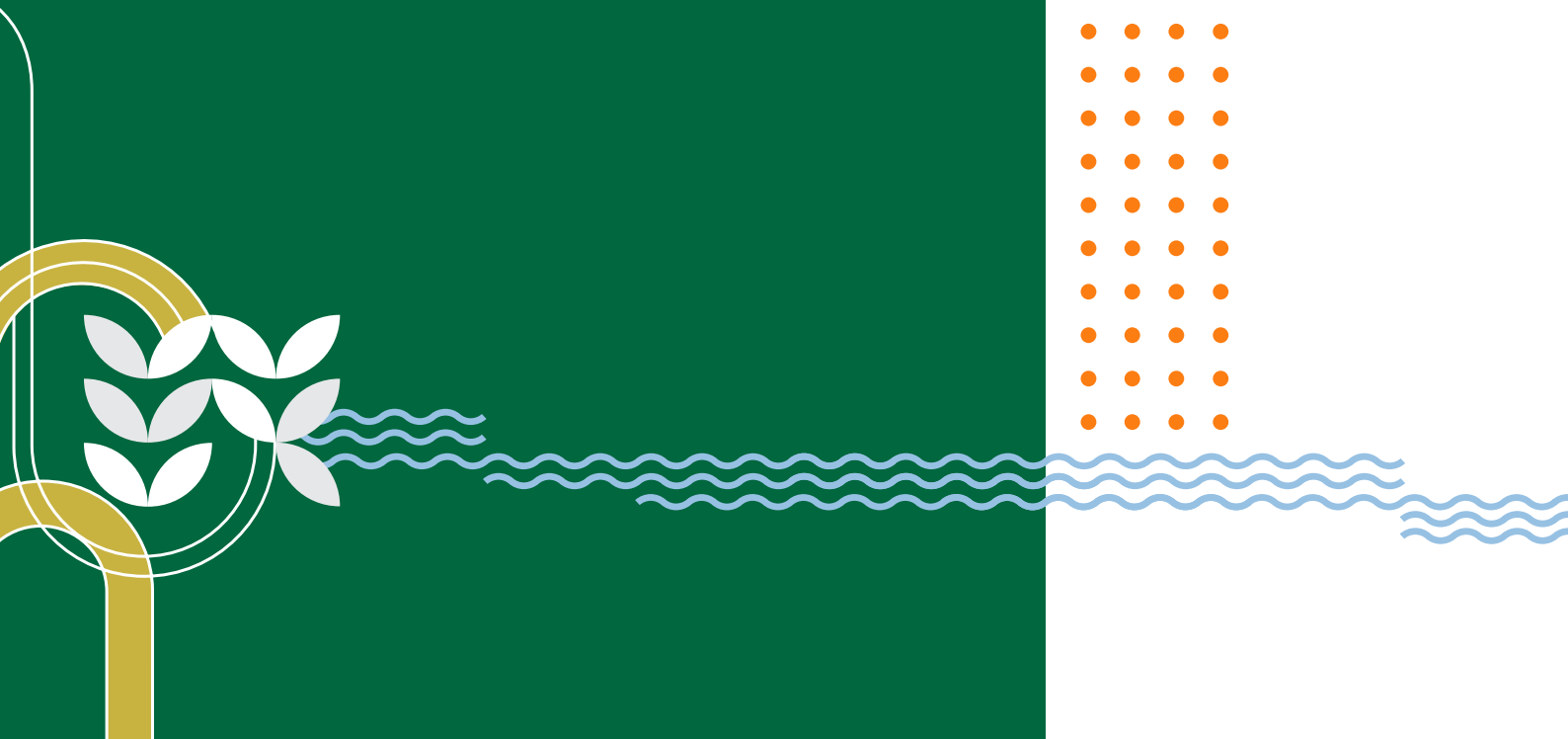
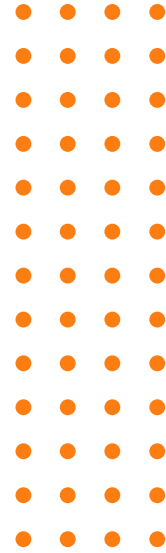


نام نگاره: ماهی (بالوخ) و حوض

لوزی نمادی از باروری جنس ماده و ماهی نمادی از باروری جنس نر، حیات و زندگی و مظهر فراوانی، آبادانی و تازگی است. طرح متن و حاشیه در واقع باروری و حاصلخیزی، حیات و آبادانی را نشان می‌دهد که با تکرار آن انسان خواستار دوام آن می‌باشد که اشاره به دوام نسل دارد.



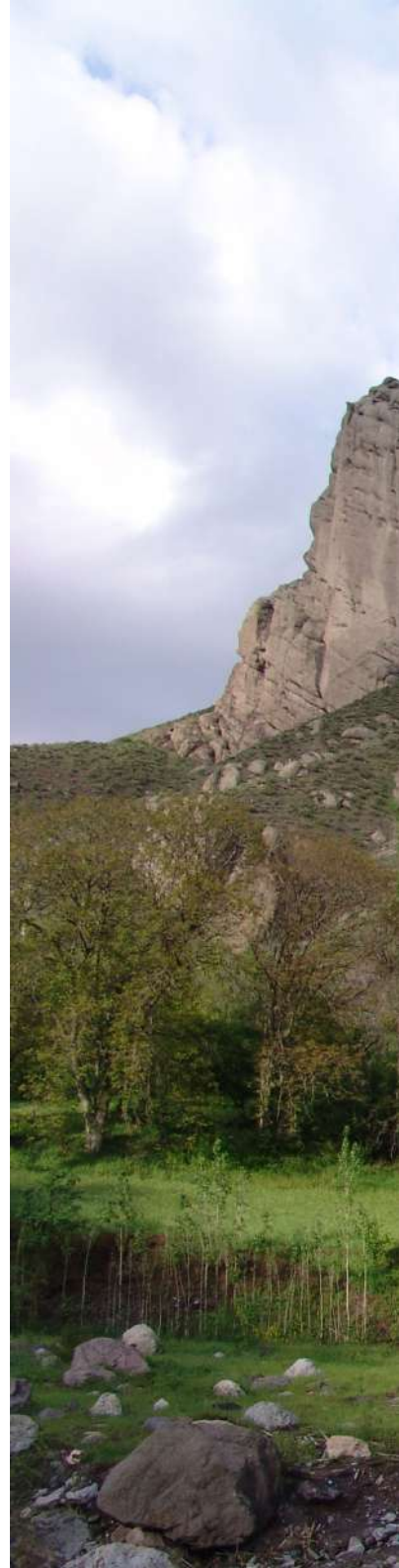
فصل ۹
آثار طبیعی ثبت شده







درختان در اجتماع دیرزیستی یکی از مهمترین سیستم‌های حیات بخش زندگی انسان‌ها به شمار می‌روند. درختان تضمین کننده بقاء پایداری آب و خاک و هوای کره زمین محسوب می‌شوند به همین دلیل پیش از حضور انسان در کره خاکی جنگل‌ها به وجود آمده و تکیه‌گاه استواری را برای تکامل جوامع انسانی به وجود آورده‌اند. درختان کهنسال از جمله مهمترین ذخایر ژنتیکی گیاهی آن به شمار می‌روند. ارزش شناخت و حفظ این منابع از نظر ملی و تاریخ طبیعی با حفظ اینیه تاریخی هر کشور برابری دارد. درختان کهنسال یادمان بیولوژیک این مرز و بوم محسوب می‌شوند. حفظ ذخایر ژنتیکی از جمله درختان کهنسال از اهم وظایف هر قوم و ملتی است. درختان کهنسال چندین برابر دوره دیرزیستی بیولوژیک خود را تاکنون پشت سر گذاشته‌اند. این درختان در دوران طولانی زندگی خود، گاه هزاران سال موانع اکولوژیک و تنش‌های نامساعد محیطی متعددی را پشت سر گذاشته و همچنان پایدار به زندگی خود ادامه داده‌اند. (پرونده ثبت طبیعی)



در استان قزوین تاکنون ۶۰ اثر طبیعی به ثبت ملی رسیده‌اند که فهرست آن‌ها به شرح زیر است:

ردیف	نام اثر	مکان اثر	شماره ثبت	تاریخ ثبت
۱	دریاچه اوان	الموت شرقی	۸۹	۸۹/۱۱/۲۰
۲	چنار خونبار زرآباد	الموت شرقی- روستای زرآباد- حیاط امامزاده	۱۲۷	۹۰/۱۰/۸
۳	گردوهای زواردشت	الموت شرقی- روستای زواردشت- مسیر گذر	۲۰۸	۹۳/۸/۲۸
۴	ارس لطر	الموت غربی- روستای لطر	۲۰۶	۹۳/۸/۲۸
۵	چنار سیردان	تارم- شهر سیردان- داخل شهر	۲۰۷	۹۳/۸/۲۸
۶	گردوی یارود ۱	الموت غربی- روستای یارود	۳۴۰	۹۵/۹/۲۱
۷	گردوی یارود ۲	الموت غربی- روستای یارود	۳۴۱	۹۵/۹/۲۱
۸	جنگل بلوط حسین‌آباد	تارم- روستای حسین‌آباد	۳۴۲	۹۵/۹/۲۱
۹	دره و صخره‌های اندج	الموت شرقی- روستای اندج	۳۸۲	۹۵/۱۲/۲۵
۱۰	چنار باراجین	قزوین- روستای باراجین- حیاط امامزاده	۳۸۴	۹۵/۱۲/۲۵
۱۱	چنار کامان	الموت غربی- روستای کامان- کنار روستا	۳۸۱	۹۵/۱۲/۲۵
۱۲	ارس‌های کلایه	الموت غربی- روستای کلایه	۳۸۶	۹۵/۱۲/۲۵
۱۳	غار قلعه کرد آوج	آوج- روستای قلعه کرد	۳۸۳	۹۵/۱۲/۲۵
۱۴	سرو نوشهای نجف‌آباد	قزوین- روستای نجف‌آباد- کنار اتوبان	۳۸۵	۹۵/۱۲/۲۵
۱۵	چنار فلار	الموت غربی- روستای فلار- داخل امامزاده	۳۹۶	۹۶/۵/۱۷
۱۶	چنار پرچکوه	الموت غربی- روستای پرچکوه- داخل روستا	۳۹۴	۹۶/۵/۱۷
۱۷	چنار یارود	الموت غربی- روستای یارود- داخل امامزاده	۳۹۳	۹۶/۵/۱۷
۱۸	گردوی سیلیکان	الموت شرقی- روستای سیلیکان	۳۹۲	۹۶/۵/۱۷
۱۹	نارونهای صفوی	قزوین- دولتخانه صفوی	۳۹۵	۹۶/۵/۱۷
۲۰	چنار شمس کلایه	الموت شرقی- شمس کلایه- کنار مسیر	۴۶۰	۹۶/۱۲/۶
۲۱	چنار قسطنین رود	الموت غربی- روستای قسطنین رود- مسیر باغات	۴۲۶	۹۶/۱۲/۶

ردیف	نام اثر	مکان اثر	شماره ثبت	تاریخ ثبت
۲۲	گردوی یارود ۵	الموت غربی- روستای یارود	۴۲۷	۹۶/۱۲/۶
۲۳	گردوی یارود ۶	الموت غربی- روستای یارود	۴۲۸	۹۶/۱۲/۶
۲۴	گردوی یارود ۷	الموت غربی- روستای یارود	۴۲۹	۹۶/۱۲/۶
۲۵	گردوی یارود ۸	الموت غربی- روستای یارود	۴۳۰	۹۶/۱۲/۶
۲۶	گردوی یارود ۹	الموت غربی- روستای یارود	۴۳۱	۹۶/۱۲/۶
۲۷	گردوی یارود ۱۰	الموت غربی- روستای یارود	۴۳۲	۹۶/۱۲/۶
۲۸	گردوی یارود ۱۱	الموت غربی- روستای یارود	۴۳۳	۹۶/۱۲/۶
۲۹	چنار بزرگ رازمیان	الموت غربی- رازمیان- روبروی امامزاده	۴۸۰	۹۷/۸/۲۸
۳۰	چنار باغ رازمیان	الموت غربی- رازمیان- پایین دست امامزاده	۴۷۹	۹۷/۸/۲۸
۳۱	چنار امامزاده رازمیان	الموت غربی- رازمیان- حیاط امامزاده	۴۸۱	۹۷/۸/۲۸
۳۲	چنارهای مسجد رازمیان	الموت غربی- رازمیان- کنار مسجد قدیمی	۴۹۵	۹۷/۸/۲۸
۳۳	توت‌های صفرین	الموت غربی- روستای صفرین- داخل باغات	۴۹۷	۹۷/۱۱/۹
۳۴	چنارهای جوینگ	الموت غربی- روستای جوینگ- حیاط امامزاده	۵۱۵	۹۷/۱۱/۹
۳۵	داغداغان پررود	الموت غربی- روستای پررود- حیاط امامزاده	۵۱۲	۹۷/۱۱/۹
۳۶	مجموعه ارس‌های تلاتر	الموت غربی- روستای تلاتر- تپه امامزاده افضل	۵۱۳	۹۷/۱۱/۹
۳۷	چنار زیاران	آبیک- روستای زیاران- کنار حمام قدیمی	۵۱۴	۹۷/۱۱/۹
۳۸	چنارهای فانفین	الموت غربی- روستای فانفین- محل هفت چنار	۵۴۴	۹۷/۱۲/۲۲
۳۹	گردوی زناسوج	الموت غربی- روستای زناسوج- داخل باغات	۵۵۹	۹۷/۱۲/۲۲
۴۰	چنار پروان	آوج- روستای پروان- حیاط امامزاده	۵۵۷	۹۷/۱۲/۲۲
۴۱	چنار نارنده	بخش کوهین- روستای نارنده- مسیر امامزاده	۵۵۵	۹۷/۱۲/۲۲
۴۲	ذخیره‌گاه ارس صمغ‌آباد	آبیک- روستای صمغ‌آباد	۵۵۶	۹۷/۱۲/۲۲
۴۳	ذخیره‌گاه بلوط قسطنین	الموت غربی- روستای قسطنین ناحیه	۶۶۲	۹۸/۶/۶



ردیف	نام اثر	مکان اثر	شماره ثبت	تاریخ ثبت
۴۴	چنارهای دهک	الموت شرقی- روستای دهک- جنب امامزاده	۶۰۲	۹۸/۶/۶
۴۵	چنار بوزلین	قزوین- اقبال غربی- روستای بوزلین- ورودی روستا	۶۰۳	۹۸/۶/۶
۴۶	زیتون تارم سفلی	تارم سفلی- روستای نهران- داخل باغات	۶۰۴	۹۸/۶/۶
۴۷	چنارهای آفتابدر	الموت شرقی- چنارهای آفتابدر- حیاط امامزاده	۷۲۲	۹۸/۱۲/۱۷
۴۸	چنار فیشان	الموت شرقی- چنار فیشان- جنب مسجد	۷۱۹	۹۸/۱۲/۱۷
۴۹	گردوی نوبن بالاروچ	الموت شرقی- گردوی نوبن بالاروچ- داخل باغات	۷۲۰	۹۸/۱۲/۱۷
۵۰	ارس شورستان	الموت شرقی- ارس شورستان- حیاط امامزاده	۷۲۳	۹۸/۱۲/۱۷
۵۱	داغداغان موشقین	الموت غربی- داغداغان موشقین- مسیر قدمگاه	۷۲۱	۹۸/۱۲/۱۷
۵۲	گردوی خارود	الموت غربی- روستای پرچکوه- خارود- کنار چشمه	۷۸۳	۹۹/۱۱/۱۸
۵۳	چنار نصیرآباد	تارم سفلی- خندان- نصیرآباد- داخل روستا	۷۸۲	۹۹/۱۱/۱۸
۵۴	توت موشقین	الموت غربی- روستای موشقین- ورودی روستا	۷۸۱	۹۹/۱۱/۱۸
۵۵	توت خواجه فند باغستان	قزوین- باغستان- کنار چاه خانه	۷۸۰	۹۹/۱۱/۱۸
۵۶	چنار آلتین کش	تارم سفلی- روستای آلتین کش	۹۹۵	۱۴۰۰/۱۲/۱۳
۵۷	چنار ازگنین علیا	الموت غربی- ازگنین علیا- حیاط امامزاده	۹۳۳	۱۴۰۰/۹/۱۶
۵۸	گردوی ابراهیم آباد آبیک	آبیک- زیاران- ابراهیم آباد- روبروی امامزاده	۹۳۲	۱۴۰۰/۹/۱۶
۵۹	ارس هنیز	الموت شرقی- روستای هنیز- مسیر باغات	۹۳۴	۱۴۰۰/۹/۱۶
۶۰	چنار کلایه	الموت شرقی- روستای کلایه- جنب امامزاده	۹۹۴	۱۴۰۰/۱۲/۱۳



فصل ۱۰
مسیرهای پیشنهادی
گردشگری کشاورزی
و روستاهای مستعد



۲- مسیر: قزوین، آوج و روستاهای اطراف



زمان پیشنهادی سفر: تیر ماه

مبدأ: قزوین

مدت به روز: یک

مقصد: آوج و حومه

نوع دسترسی: جاده آسفالت

فاصله به کیلومتر: حداقل ۱۰۰ کیلومتر

جاذبه‌های گردشگری تاریخی و مذهبی مقصد: امامزاده‌های محمدطاهر آوج، علاء الدین، اسماعیل روستای منصور، برج‌های دوگانه خرقان، پل اروان و کاروانسرای شاه عباسی

جاذبه‌های طبیعی و فرهنگی مقصد: مناظر طبیعی، درخت چنار پروان، چشمه‌های آبگرم شهر آبگرم، چشمه علی، پل معلق و آبشار، جشن گندم

امکانات و تسهیلات طول مسیر و مقصد: سرویس بهداشتی، امداد خودرو، مرکز خرید، پلیس راه، دفاتر اطلاع‌رسانی، باجه خودپرداز، هتل، مهمانپذیر، مرکز اسکان موقت، مجتمع بین‌راهی، اغذیه فروشی، رستوران، کبابی، پایانه، پمپ‌گاز، پمپ‌بنزین، نمازخانه، درمانگاه، فوریت پزشکی

محصولات و تولیدات مقصد: صنایع دستی، شیرینی، خشکبار، انگور، اریشته



۳- مسیر: قزوین، بویین زهرا و روستاهای اطراف



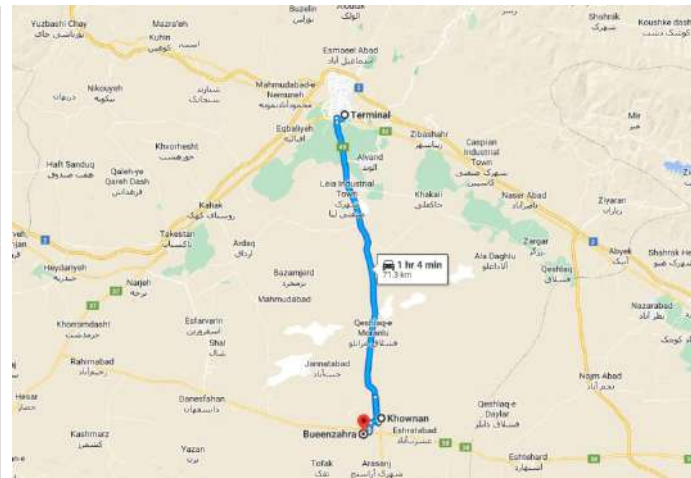
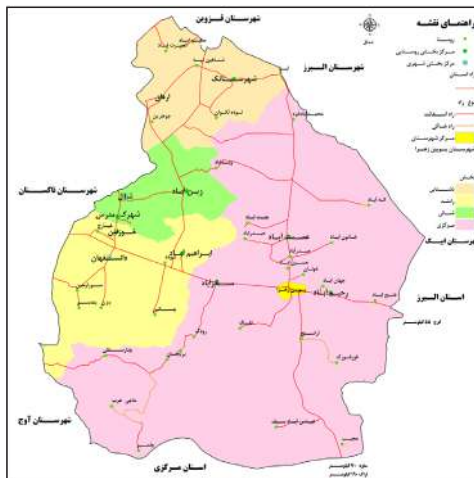
زمان پیشنهادی سفر: شهریور ماه	مبدأ: قزوین
مدت به روز: یک	مقصد: بویین زهرا و حومه
نوع دسترسی: جاده آسفالت	فاصله به کیلومتر: حداقل ۶۵ کیلومتر

جاذبه‌های گردشگری تاریخی و مذهبی مقصد: امامزاده‌های علی اکبر سگزآباد، فضل علی و محمدباقر رودک، هادی و مهدی خیارچ، اسحاق ابراهیم آباد، مسجد خوزنین، کاروانسرای شاه عباسی و پل شاه عباسی محمدآباد خره، تپه قبرستان، تپه زاغه و تپه سگزآباد، موزه مردم شناسی گرمابه خوزنین، کاروانسرای هجیب

جاذبه‌های طبیعی و فرهنگی مقصد: مناظر کویری، رود شور و دریاچه نمک، آبگیر رودک، جشن پسته

امکانات و تسهیلات طول مسیر و مقصد: سرویس بهداشتی، امداد خودرو، مرکز خرید، پلیس راه، دفتر اطلاع رسانی، باجه خودپرداز، هتل، مهمانپذیر، مرکز اسکان موقت، مجتمع بین راهی، اغذیه فروشی، رستوران، کبابی، پایانه، پمپ‌گاز، پمپ بنزین، نمازخانه، بیمارستان، درمانگاه، فوریت پزشکی

محصولات و تولیدات مقصد: صنایع دستی، شیرینی، خشکبار، انگور و پسته



۴- مسیر: قزوین، رازمیان، هیر



زمان پیشنهادی سفر: مرداد و شهریور ماه

مدت به روز: یک

نوع دسترسی: جاده آسفالت

مبدأ: قزوین

مقصد: رازمیان و روستاهای اطراف

فاصله به کیلومتر: حداقل ۵۰ کیلومتر

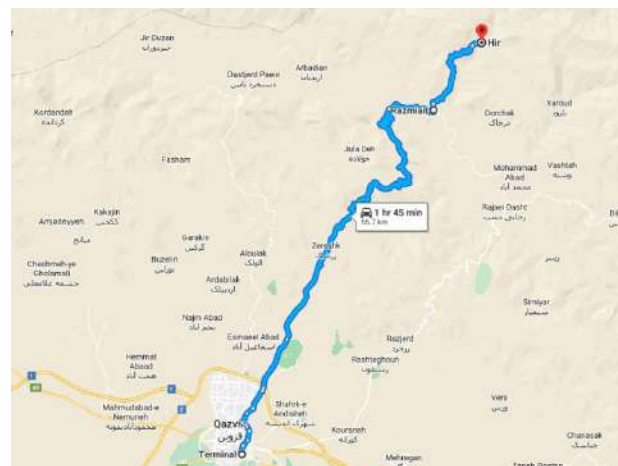
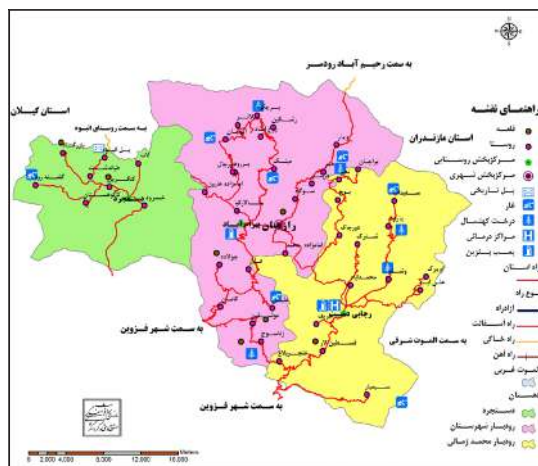
مکان‌ها و شهرهای اصلی مسیر: رازمیان

جاذبه‌های گردشگری تاریخی و مذهبی مقصد: امامزاده و چنار باراجین، امامزاده زرشک، درخت چنار کامان، امامزاده و چنار فلار، امامزاده و مسجد رازمیان، درختان چنار رازمیان، امامزادگان شهرستان علیا و شهرستان سفلی، قلعه لمبسر

جاذبه‌های طبیعی و فرهنگی مقصد: رودخانه شاهرود، شالیزارهای نینه رود و طبیعت بکر منطقه، پارک باراجین، منطقه گردشگری کامان و زرشک، جشن فندق و زغال اخته

امکانات و تسهیلات طول مسیر و مقصد: سرویس بهداشتی، امداد خودرو، مرکز خرید، دفتر اطلاع‌رسانی، باجه خودپرداز، مهمانپذیر، مرکز اسکان موقت، اغذیه فروشی، رستوران، کبابی، پایانه، پمپ‌بنزین، نمازخانه، درمانگاه، فوریت پزشکی

محصولات و تولیدات مقصد: صنایع دستی، برنج، خشکبار



۵- مسیر: قزوین، پرچکوه، خارود



زمان پیشنهادی سفر: مرداد و شهریور ماه

مبدأ: قزوین

مدت به روز: یک

مقصد: پرچکوه

نوع دسترسی: جاده آسفالت

فاصله به کیلومتر: حداقل ۶۰ کیلومتر - کوهستانی

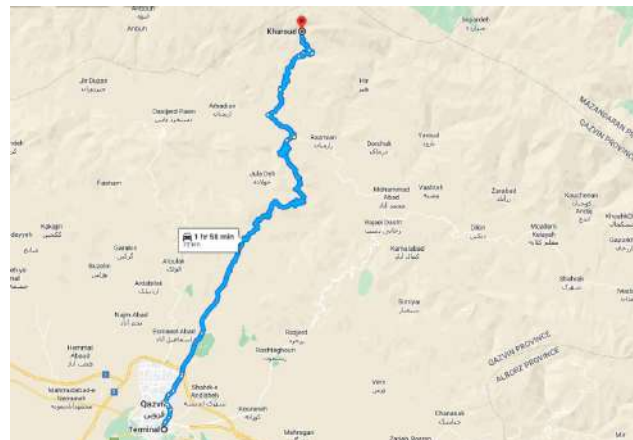
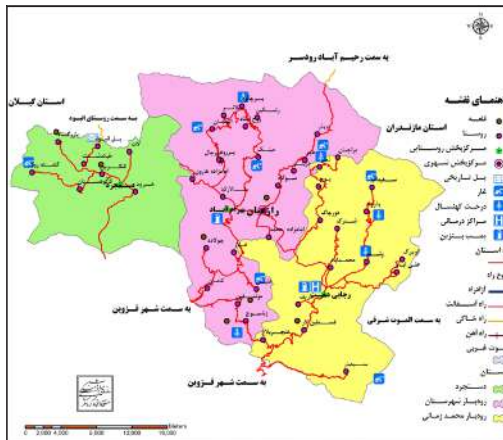
مکان‌ها و شهرهای اصلی مسیر: بهرام آباد

جاذبه‌های گردشگری تاریخی و مذهبی مقصد: امامزاده و چنار باراجین، امامزاده زرشک، درخت چنار کامان، امامزاده و چنار فلار، امامزاده هارون، امامزاده کنعان پرورد، امامزاده افضل و ارس‌های تلاتر، چنار پرچکوه، مسجد فشک، بافت روستایی روستاهای فشک و روح آباد

جاذبه‌های طبیعی و فرهنگی مقصد: پارک باراجین، منطقه گردشگری کامان و زرشک، رودخانه شاهرود، طبیعت بکر منطقه، سرچشمه خارود، جنگل بلوط قسطنین ناحیه، جشن فندق و زغال اخته

امکانات و تسهیلات طول مسیر و مقصد: سرویس بهداشتی، امدادخودرو، مرکز خرید، دفتر اطلاع‌رسانی، باجه خودپرداز، مهمانپذیر، بوم‌گردی، مرکز اسکان موقت، اغذیه‌فروشی، رستوران، کبابی، پایانه، پمپ‌بنزین، نمازخانه، درمانگاه، فوریت پزشکی

محصولات و تولیدات مقصد: صنایع دستی، برنج، خشکبار، فندق و زغال اخته



۶-مسیر: قزوین، یارود



زمان پیشنهادی سفر: اواخر خرداد- شهریور ماه

مبدأ: قزوین

مدت به روز: یک

مقصد: یارود و روستاهای اطراف

نوع دسترسی: جاده آسفالت

فاصله به کیلومتر: حداقل ۷۰ کیلومتر- کوهستانی

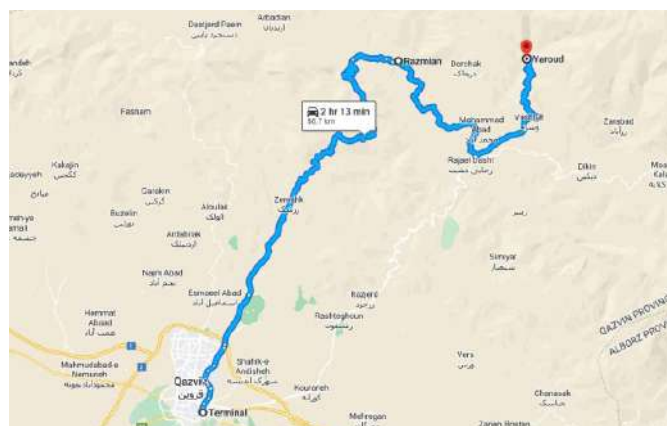
مکان ها و شهرهای اصلی مسیر: رجایی دشت

جاذبه های گردشگری تاریخی و مذهبی مقصد: امام زادگان روستای حسن آباد، امام زاده و چنارهای ازگنین، امام زاده و چنار یارود

جاذبه های طبیعی و فرهنگی مقصد: طبیعت کوهستانی منطقه، باغات و درختان گردوی یارود، ارس های کلایه و طبیعت روستای عباسک، جشن گیلاس، جشن گردو

امکانات و تسهیلات طول مسیر و مقصد: سرویس بهداشتی، امداد خودرو، مرکز خرید، دفتر اطلاع رسانی، باجه خودپرداز، بوم گردی، مرکز اسکان موقت، اغذیه فروشی، رستوران، کبابی، پایانه، پمپ بنزین، نمازخانه، درمانگاه، فوریت پزشکی، مجتمع بین راهی

محصولات و تولیدات مقصد: صنایع دستی، برنج، خشکبار، گیلاس، گردو



۸- مسیر: قزوین، گازرخان



زمان پیشنهادی سفر: اواخر خرداد و اوایل تیرماه

مبدأ: قزوین

مدت به روز: یک

مقصد: گازرخان

نوع دسترسی: جاده آسفالت

فاصله به کیلومتر: حداقل ۱۰۰ کیلومتر- کوهستانی

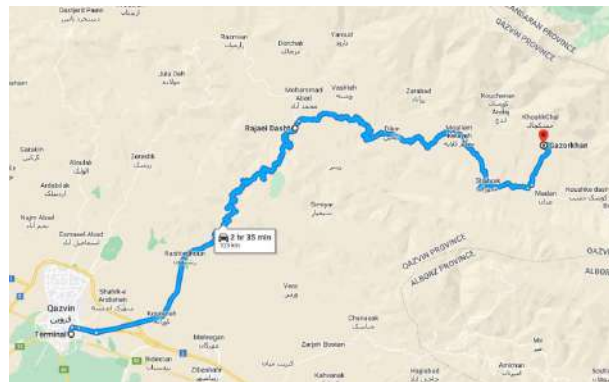
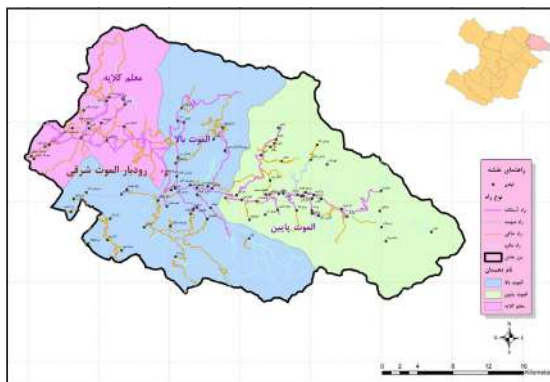
مکان‌ها و شهرهای اصلی مسیر: معلم کلایه

جاذبه‌های گردشگری تاریخی و مذهبی مقصد: مسجد و چنار شمس کلایه، امامزادگان گازرخان، امامزاده خشکچال، امامزاده سپهسالار تون، قلعه شمس کلایه و قلعه الموت

جاذبه‌های طبیعی و فرهنگی مقصد: طبیعت کوهستانی منطقه، جشن گیلاس

امکانات و تسهیلات طول مسیر و مقصد: سرویس بهداشتی، امداد خودرو، مرکز خرید، دفتر اطلاع‌رسانی، باجه خودپرداز، هتل، مهمانپذیر، بوم‌گردی، مرکز اسکان موقت، اغذیه فروشی، رستوران، کبابی، پایانه، پمپ‌بنزین، نمازخانه، درمانگاه، فوریت پزشکی، مجتمع بین‌راهی

محصولات و تولیدات مقصد: صنایع دستی، برنج، خشکبار



۹- مسیر: قزوین، تارم سفلی - سیاهپوش



زمان پیشنهادی سفر: مهر ماه

مبدأ: قزوین

مدت به روز: یک

مقصد: سیاهپوش و روستاهای اطراف

نوع دسترسی: جاده آسفالت

فاصله به کیلومتر: حداقل ۱۱۰ کیلومتر- کوهستانی

مکان‌ها و شهرهای اصلی مسیر: لوشان

جاذبه‌های گردشگری تاریخی و مذهبی مقصد: امامزاده یحیی، امامزاده دانیال، چنار نصیرآباد، چنار سیردان

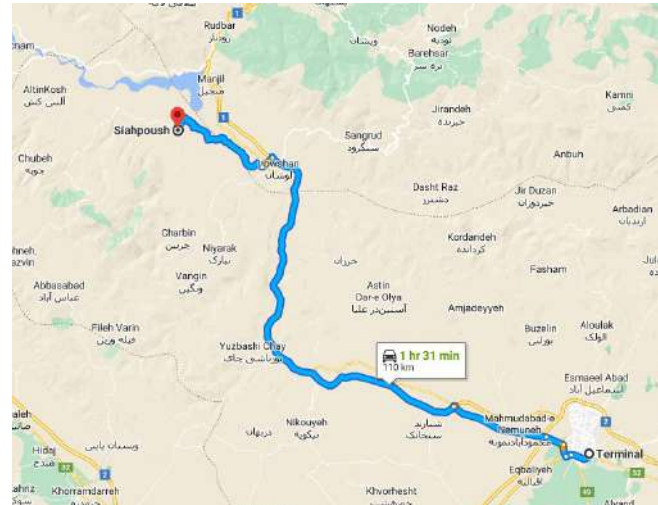
جاذبه‌های طبیعی و فرهنگی مقصد: طبیعت منطقه، بیلاقات، سفیدرود، چشمه آب معدنی، دربند کلج و جنگل

بلوط حسین‌آباد، چشمه ونگین و چشمه سیاهپوش، جشن زیتون، جشن انار

امکانات و تسهیلات طول مسیر و مقصد: سرویس بهداشتی، امداد خودرو، مرکز خرید، پلیس راه، دفتر اطلاع‌رسانی،

باجه خودپرداز، مجتمع بین‌راهی، اغذیه فروشی، رستوران، کبابی، پایانه، پمپ بنزین، نمازخانه، درمانگاه، فوریت پزشکی

محصولات و تولیدات مقصد: صنایع دستی، شیرینی، خشکبار، زیتون



۱- مسیر: قزوین، تارم سفلی- التین کش



زمان پیشنهادی سفر: مهر ماه

مبدأ: قزوین

مدت به روز: یک

مقصد: آلتین کش و روستاهای اطراف

نوع دسترسی: جاده آسفالت

فاصله به کیلومتر: حداقل ۱۵۰ کیلومتر

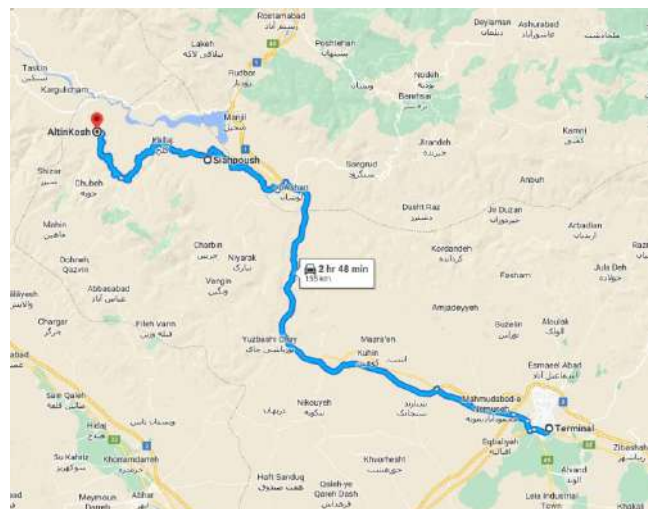
مکان‌ها و شهرهای اصلی مسیر: لوشان و منجیل

جاذبه‌های گردشگری تاریخی و مذهبی مقصد: امامزاده قاسم جودکی، امامزاده ابراهیم، قلعه سمیران

جاذبه‌های طبیعی و فرهنگی مقصد: سد سفیدرود، بیلاقات شاهوران، طبیعت و باغات زیتون نهران

امکانات و تسهیلات طول مسیر و مقصد: سرویس بهداشتی، امداد خودرو، مرکز خرید، پلیس راه، دفتر اطلاع‌رسانی، باجه خودپرداز، مجتمع بین‌راهی، اغذیه فروشی، رستوران، کبابی، پایانه، پمپ بنزین، نمازخانه، درمانگاه، فوریت پزشکی

محصولات و تولیدات مقصد: صنایع دستی و محصولات دامی و کشاورزی، زیتون



۱۱- مسیر: قزوین، نارنده



زمان پیشنهادی سفر: اواخر شهریور ماه

مبدأ: قزوین

مدت به روز: یک

مقصد: نارنده

نوع دسترسی: جاده آسفالت و خاکی

فاصله به کیلومتر: حداقل ۵۰ کیلومتر

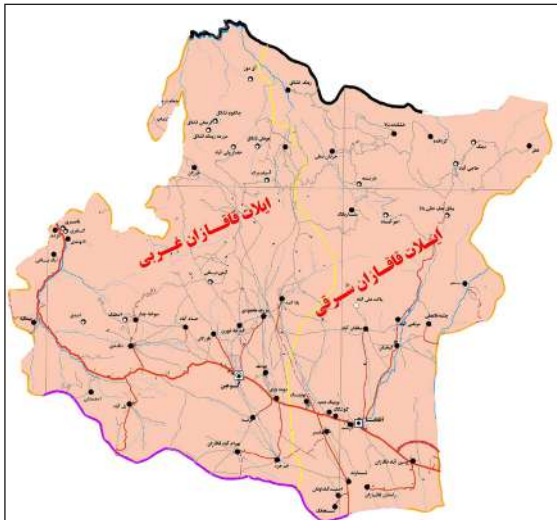
مکان‌ها و شهرهای اصلی مسیر: نارنده

جاذبه‌های گردشگری تاریخی و مذهبی مقصد: امامزاده نارنده

جاذبه‌های طبیعی و فرهنگی مقصد: چنار نارنده، جشن سماق

امکانات و تسهیلات طول مسیر و مقصد: سرویس بهداشتی، امداد خودرو، مرکز خرید، پلیس راه، دفتر اطلاع‌رسانی، باجه خودپرداز، مجتمع بین‌راهی، اغذیه فروشی، رستوران، کبابی، پایانه، پمپ بنزین، نمازخانه، درمانگاه، فوریت پزشکی

محصولات و تولیدات مقصد: صنایع دستی، سماق



۱۲- مسیر: قزوین، کوهین



زمان پیشنهادی سفر: اوایل تابستان

مبدأ: قزوین

مدت به روز: یک

مقصد: کوهین و روستاهای اطراف

نوع دسترسی: جاده آسفالت

فاصله به کیلومتر: حداقل ۴۰ کیلومتر

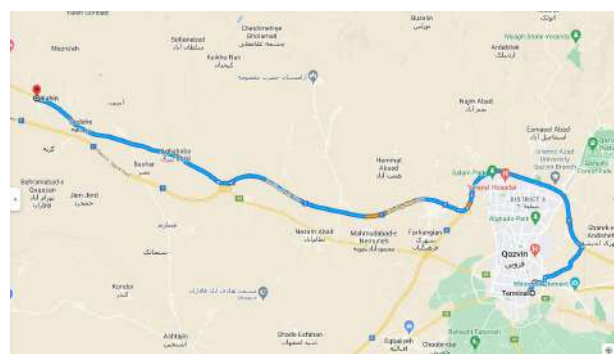
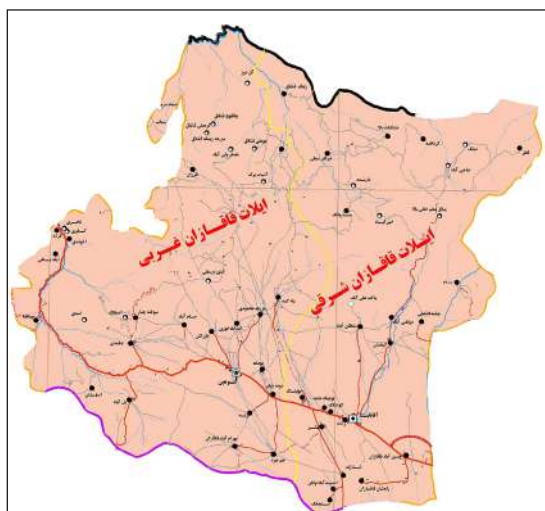
مکان‌ها و شهرهای اصلی مسیر: کوهین

جاذبه‌های گردشگری تاریخی و مذهبی مقصد: کاروانسرای خزران

جاذبه‌های طبیعی و فرهنگی مقصد: آبگرم یله گنبد، جشن عدس

امکانات و تسهیلات طول مسیر و مقصد: سرویس بهداشتی، امداد خودرو، مرکز خرید، پلیس راه، دفتر اطلاع رسانی، باجه خودپرداز، مجتمع بین راهی، اغذیه فروشی، رستوران، کبابی، پایانه، پمپ بنزین، نمازخانه، درمانگاه، فوریت پزشکی

محصولات و تولیدات مقصد: صنایع دستی، شیرینی، خشکبار، زیتون



۱۴-مسیر: قزوین، البرز، شریفیه



زمان پیشنهادی سفر: شهریور ماه

مبدأ: قزوین

مدت به روز: یک

مقصد: البرز

نوع دسترسی: جاده آسفالت

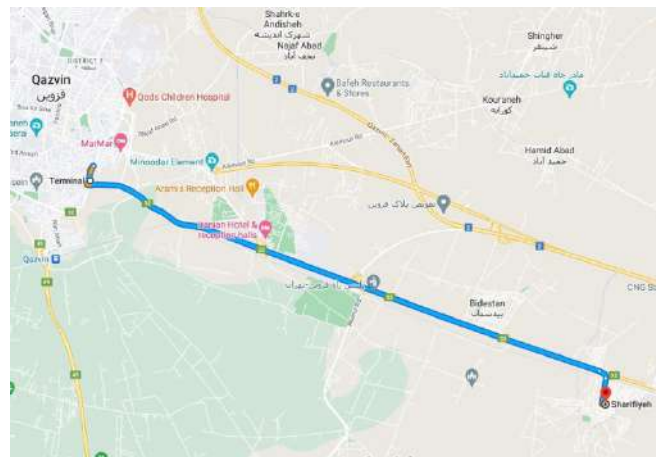
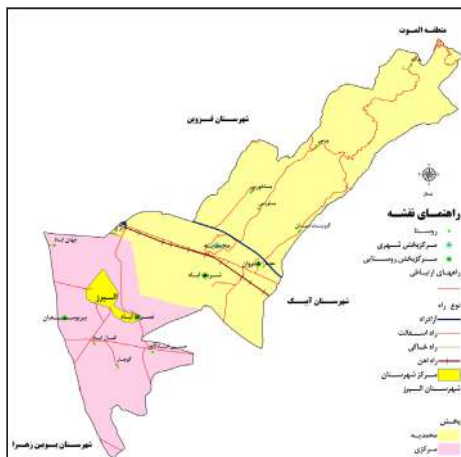
فاصله به کیلومتر: حداقل ۲۰ کیلومتر

مکان‌ها و شهرهای اصلی مسیر: شریفیه

جاذبه‌های طبیعی و فرهنگی مقصد: جشن هندوانه در شهریور ماه

امکانات و تسهیلات طول مسیر و مقصد: هتل آپارتمان، مرکز اسکان موقت، مجتمع بین‌راهی، اغذیه فروشی، رستوران، کبابی، پایانه، پمپ‌گاز، پمپ‌بنزین، نمازخانه، بیمارستان، درمانگاه، فوریت‌پزشکی، سرویس بهداشتی، امداد خودرو، مرکز خرید، پلیس‌راه، دفتر اطلاع‌رسانی، باجه خودپرداز

محصولات و تولیدات مقصد: صنایع دستی و محصولات دامی و کشاورزی





لیست روستاهای هدف گردشگری استان قزوین

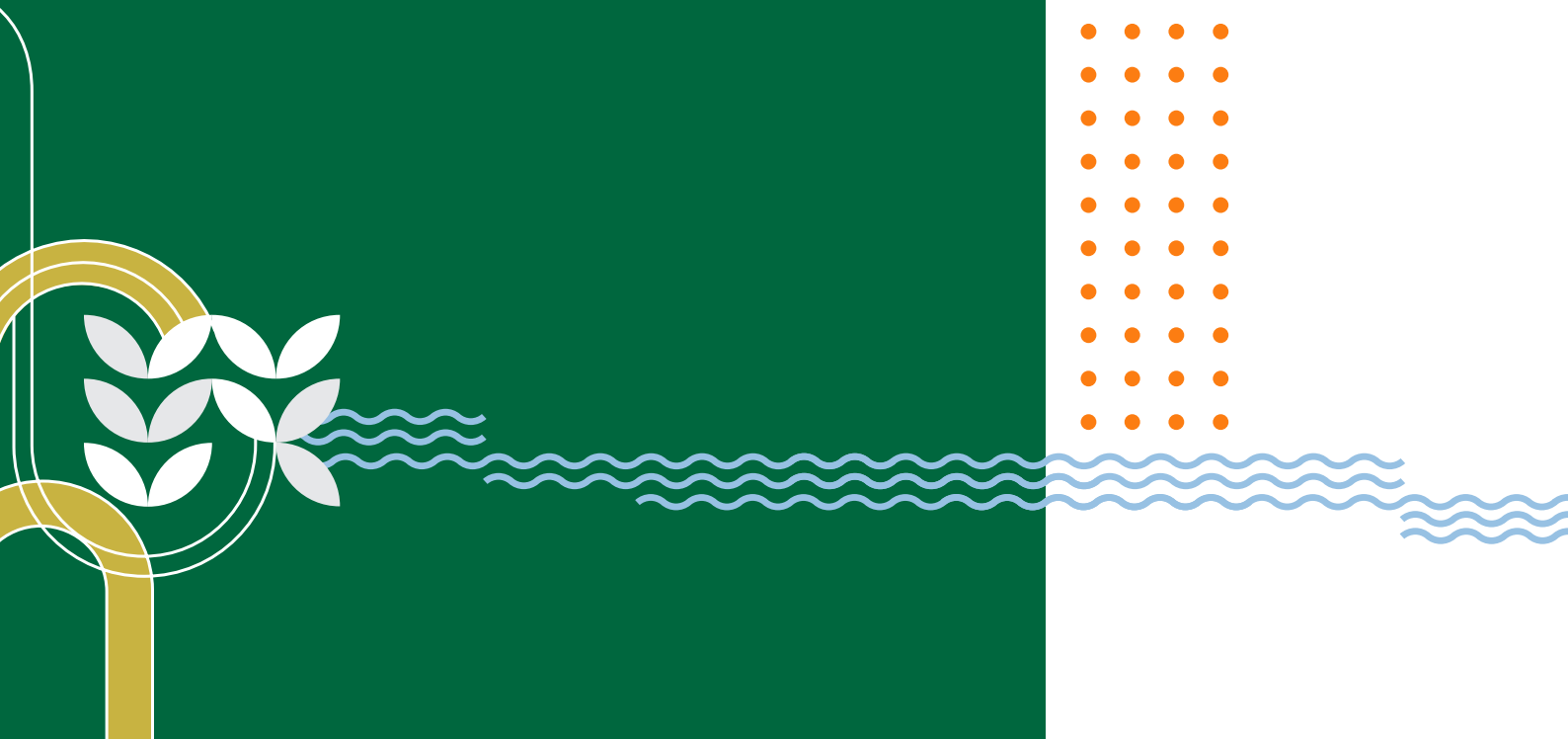
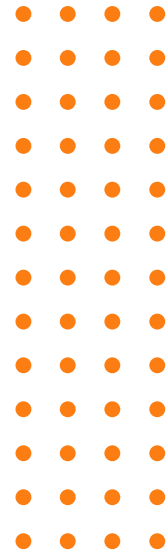
ردیف	نام	موقعیت
۱	گازرخان	الموت شرقی
۲	اندج	الموت شرقی
۳	زرآباد	الموت شرقی
۴	گرمارود(روستای الگوی هدف گردشگری)	الموت شرقی
۵	آبگرم یله گنبد	کوهین
۶	آتان	الموت شرقی
۷	حصار	آوج
۸	آکوجان	الموت غربی
۹	جرندق	تاکستان
۱۰	آلتین کش	تارم
۱۱	هیرو ویار	الموت غربی
۱۲	اویرک	الموت غربی
۱۳	توداران	آبیک
۱۴	منصور	آوج
۱۵	کلنجین	آوج

لیست مناطق نمونه گردشگری استان

ردیف	منطقه	شهرستان	نزدیکترین شهر
۱	دریاچه اوان	قزوین	معلم کلايه
۲	کامان و زرشک	قزوین	قزوین
۳	تارم سفلی	قزوین	سیردان
۴	آوج و آبگرم	آوج	آوج و آبگرم
۵	آتان الموت	قزوین	معلم کلايه
۶	باراجین	قزوین	قزوین
۷	یله گنبد	قزوین	قزوین
۸	گازرخان	قزوین	معلم کلايه
۹	گرمارود	قزوین	معلم کلايه
۱۰	دره وحاشیه اندج رود	قزوین	معلم کلايه
۱۱	شهر تاریخی سمیران (تارم سفلی)	قزوین	منجیل
۱۲	نینه رود	قزوین	رازمیان
۱۳	منطقه حفاظت شده باشگل	تاکستان	تاکستان
۱۴	زیاران	آبیک	آبیک
۱۵	فطر حاجی آباد کوهین	قزوین	قزوین
۱۶	رازمیان	قزوین	رازمیان
۱۷	رشتقون	قزوین	قزوین



منابع





عکس: اعظم داداشی



- ۱- سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان قزوین- ۱۳۹۷
- ۲- سند آمایش استان قزوین- ۱۳۹۶
- ۳- طرح مطالعاتی شهرک صنایع دستی استان قزوین- مهدی مجابی- ۱۳۸۸
- ۴- طرح مستندنگاری صنایع دستی استان قزوین- ۱۳۸۸
- ۵- چشم انداز بخش گردشگری استان قزوین- جهاد کشاورزی استان قزوین
- ۶- Wikipedia
- ۷- طرح مرمت و احیاء عمارت سپهدار- موزه کشاورزی قزوین- رضا سامه- ۱۳۸۹
- ۸- Jahanesanat.ir
- ۹- پرونده ثبتی باغستان سنتی قزوین- ۱۳۹۲
- ۱۰- پرونده ثبتی آسیاب پلادره- ۱۳۹۰
- ۱۱- پرونده ثبتی گله ترشی- ۱۴۰۰
- ۱۲- مقاله هنر پزشکی و داروشناسی در ایران باستان- فریبرز معطر و دیگران- ۱۳۸۹
- ۱۳- Abanagri.com
- ۱۴- پرونده ثبتی ذخیره گاه ارس صمغ آباد- ۱۳۹۷
- ۱۵- پرونده ثبتی ذخیره گاه بلوط قسطنین ناحیه- ۱۳۹۸
- ۱۶- پرونده ثبتی ذخیره گاه بلوط حسین آباد تارم- ۱۳۹۵
- ۱۷- پرونده ثبتی سمنوپزی- ۱۳۸۹
- ۱۸- پرونده ثبتی باقلوا قزوین- ۱۳۹۷
- ۱۹- اطلس نقوش صنایع دستی استان قزوین- فرزانه خمسه- ۱۳۹۵
- ۲۰- مقاله پژوهشی درباره سه اسطوره گیاهی در مثنوی معنوی- هیبت اله اکبری و حجت عباسی- فصلنامه زبان و ادب، شماره ۳۷، پاییز ۱۳۸۷



